

فصلنامه مطالعات ایلام‌شناسی

فصلنامه علمی تخصصی باستان‌شناسی، شماره ۲۴، سال ششم، پاییز ۱۴۰۱ خورشیدی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر حبیب‌اله محمودیان

سر‌دبیر: دکتر سیاوش یاری

مدیر اجرایی: مهندس آزاده محمودیان

ویراستار فارسی: مهندس علی محمدنیاکان

مدیر امور فنی و رسانه: مهندس امید محمودیان

مترجم انگلیسی: دکتر پریسا پورمحمدی

صفحه آرا: معصومه صفایی‌نیا

شماره پروانه: ۷۸۸۰۹ - ۱۳۹۵/۱۰/۶

ناشر: انتشارات زاگرو، ایلام

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

بها: ۱۵۰ هزار تومان



اعضای هیئت تحریریه:

دکتر شاهین حیدری استاد دانشگاه تهران

دکتر حاجی کریمی استاد دانشگاه ایلام

دکتر غلامحسین کریمی دوستان استاد دانشگاه تهران

دکتر سیاوش یاری دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه ایلام

دکتر رضا خانی دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه ایلام

دکتر کرم ادیبی فراز دانشگاه متروپلیتین ایالت دنور امریکا

دکتر محسن توکلی دانشیار دانشگاه ایلام

دکتر لیلی نیاکان استادیار گروه باستان شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی

دکتر لیلا خسروی استادیار گروه تاریخ پژوهشگاه میراث فرهنگی

دکتر فرنگیس درویشی استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کازرون

دکتر علی خاکی استادیار دانشگاه فرهنگیان

دکتر ابراهیم مرادی استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ایلام

دکتر خداکرم مظاهری استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ایلام

دکتر پریسا پورمحمدی مدرس دانشگاه هنر شیراز

ویژگی‌های کلی مقاله

- مقاله باید نتیجه تحقیقات نویسنده / نویسندگان باشد.
- نباید در نشریه دیگری منتشر شده باشد.
- انتشار مقاله، منوط به تأیید نهایی هیئت تحریریه فصلنامه است.
- مسئولیت مطالب و محتوای مقاله بر عهده نویسنده / نویسندگان است.
- مجله در ویرایش ادبی و فنی مقاله بدون تغییر محتوای آن آزاد است.
- نام کامل نویسنده، مرتبه علمی، دانشگاه محل تدریس یا تحصیل، رشته تحصیلی و شماره تلفن نویسنده در صفحه جداگانه‌ای ضمیمه شود.
- ارسال مقاله از طریق سامانه یا پست الکترونیک فصلنامه مطالعات ایلام شناسی امکان‌پذیر است.
- ساختار مقاله:** مقاله باید دارای چکیده، مقدمه، متن اصلی، نتیجه‌گیری، پی‌نوشت، منابع و چکیده انگلیسی باشد.
- عنوان:** نام کلی مقاله، به نحوی که گویا و بیانگر محتوای مقاله باشد.
- مشخصات نویسنده:** شامل نام و نام‌خانوادگی، مرتبه علمی، رشته تحصیلی، دانشگاه محل تدریس و یا تحصیل وی باشد.
- چکیده:** شرح جامعی از مقاله با واژه‌های محدود شامل: بیان مسئله، هدف، روش تحقیق و یافته‌های پژوهش. در ضمن، چکیده مقاله نباید از ۲۰۰ واژه (۱۲ سطر) بیشتر باشد.
- واژگان کلیدی:** شامل ۴ تا ۷ واژه تخصصی باشد.
- مقدمه:** شامل طرح مسئله اصلی و هدف پژوهش است. در این بخش به اجمال سوابق پژوهشی در حیطه مسئله مورد نظر مطرح شود.
- متن اصلی:** شامل متن اصلی مقاله است و می‌تواند با جدول، تصویر و نمودار و ... همراه باشد.
- نتیجه‌گیری:** شامل خلاصه و نتیجه‌گیری است.
- پی‌نوشت:** توضیحات ضروری که پس از نتیجه‌گیری می‌آید.
- منابع و مآخذ:** فهرست‌نویسی ارجاعات مقاله بر مبنای شیوه‌نامه مجله.
- چکیده انگلیسی:** چکیده انگلیسی عیناً ترجمه چکیده فارسی باشد.

شیوه تنظیم متن: مقاله با قلم (فونت) B zar و اندازه ۱۳، فاصله بین خطوط ۱۵، ۱ (single) و در فرمت word نوشته شده باشد.

چکیده، واژه‌های کلیدی، منابع، ارجاعات داخل پرانتز، شعرها و هر مطلبی که درون پرانتز بیاید، باید با اندازه ۱۱ نوشته شود.

نقل قول‌های مستقیم بیش از پنج سطر، جدا از متن اصلی و با همان قلم، ولی با اندازه ۱۱ نوشته شود.
شیوه ارجاع به منابع: ارجاعات مندرج در مقاله، مستند و مبتنی بر منابع معتبر باشند. ارجاع داخل متن شامل: نام خانوادگی نویسنده، سال چاپ اثر: شماره صفحه یا صفحات. مثال فارسی: (نگهبان، ۱۳۷۶: ۵۴)، لاتین: (Smith ۱۹۹۹: ۳۳).

ارجاع به اسناد تاریخی: عنوان سند، شماره طبقه‌بندی و دسترسی، نام آرشیو کتاب.
ارجاع به کتاب در قسمت منابع پایانی: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ نشر، عنوان کتاب، نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح، جلد، نوبت چاپ، نام ناشر، محل نشر.
ارجاع به مقاله: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ نشر اثر (داخل پرانتز)، عنوان مقاله مورد استفاده (داخل گیومه)، نام و نام خانوادگی مصحح یا مترجم، عنوان اصلی دانشنامه یا فصلنامه و مجله، دوره یا سال انتشار، شماره صفحات مقاله.

ارجاع به پایان‌نامه: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، سال دفاع (داخل پرانتز)، عنوان رساله، مقطع دفاع شده، نام و نام خانوادگی استاد راهنما، نام دانشگاه و دانشکده محل تحصیل.

ارجاع به سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ درج مطلب در وبگاه (درون پرانتز)، عنوان مقاله یا اثر (داخل گیومه)، نشانی الکترونیکی وبگاه.

منابع مقاله به صورت الفبایی و براساس نام خانوادگی مؤلف تنظیم شود؛ منابعی که در پایان مقاله ذکر می‌شود، همان منابعی باشند که در داخل متن استفاده شده است. عنوان کتاب‌ها و مقاله‌ها در منابع پایان مقاله به طور کامل ذکر شود. منابع غیرفارسی، پس از منابع فارسی آورده شود.

توجه: تمام مقالات دریافتی، توسط دو داور، داوری خواهند شد.

فهرست مقالات

صفحه	عنوان
۳	ویژگیهای کلدی مقاله
۶	مطالعه اوضاع فرهنگی - اجتماعی دوره ایلخانان بر پایه ی شواهد سکه شناسی
۶	دکتر فرنگیس درویشی دکتر مجید حاجی تبار
۴۱	مطالعاتی پیرامون آئین های ایرانیان باستان و ارتباط آن با کشاورزی
۴۱	دکتر حبیب اله محمودیان
۵۹	پژوهشی در نام جای شیروان در منابع تاریخی و جغرافیایی
۵۹	علی نوراللهی
۷۹	بررسی تحلیلی نهاد شهر در دوران تاریخی بر اساس یافته های باستان شناسی
۷۹	دکتر محسن سعادت، مهندس آزاده محمودیان
۱۰۰	بررسی تحولات تقویمی روزها و ماه های سال در فرهنگ اوستایی
۱۰۰	دکتر پریسا پورمحمدی
۱۱۶	بررسی و مطالعه اسنادی پایگاه های کیهان شناسی در ایران باستان
۱۱۶	مهندس امید محمودیان،
۱۳۶	چکیده انگلیسی مقالات

مطالعه اوضاع فرهنگی - اجتماعی دوره ایلخانان بر پایه ی شواهد سکه شناسی^۱

دکتر فرنگیس درویشی^۲ دکتر مجید حاجی تبار^۳

چکیده

با انقراض عباسیان، حکومت ایلخانان تأسیس شد و آن ها به کمک اشراف بلند پایه ی ایرانی مسلمان، حدود یک قرن (۱۲۵۶-۱۳۵۳ م.) در ایران حکومت کردند. با این که ایلخانان گرایش به ادیان بودایی و مسیحی داشتند، اما برای مشروعیت بخشیدن به حکومتشان، آیات و نشانه های دین اسلام را بر مسکوکاتشان ضرب کردند. بر سکه های اولین حاکمان بخشی از آیه ی ۲۶ سوره ی مبارکه «آل عمران» نقر شد. نام علی (ع) برای اولین بار بر سکه های ارغون تجلی یافت که خود نشان از نفوذ شیعیان در دربار اوست. در همان زمان با توجه به اوضاع سیاسی حاکم، آباقا و ارغون، شعار تثلیث (مسیحیت) و نشان ستاره داود پیامبر (یهودیت) را نیز بر سکه های خود ضرب کردند. اما غازان خان و جانشینانش تحت تاثیر فضای فرهنگی ایران، به دین اسلام در آمدند و بیشتر به سبک و تراز اهل تسنن سکه زدند. سرانجام سکه هائی از الجایتو ضرب شد که گرایش این حاکم ایلخانی به مذهب تشیع را تأیید می کند. این پژوهش با رویکرد سکه شناختی به روش توصیفی و تحلیل محتوا با استفاده از منابع کتابخانه ای و اسنادی با استناد به آیات قرآنی و نشانه ها و نمادهای دینی نقر شده بر

^۱ مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی تحت عنوان: «دلایل وجودی آیات و شعائر دینی منقور بر سکه های دوران اسلامی ایران» است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون انجام شده است.

^۲ - گروه باستان شناسی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران

farandarvishi@gmail.com

^۳ - کارشناس موسسه فرهنگی موزه های بنیاد مستضعفان، تهران، ایران

hajitabarm@gmail.com

مسکوکات ایلخانان، از یک سو به دنبال بازشناسی عقاید و باورهای مذهبی آنها و از سوی دیگر شناخت اوضاع فرهنگی اجتماعی در این دوره است. برآیند پژوهش نشان می‌دهد که اگر چه نشانه‌ها و نوشته‌های دینی متنوع بر این سکه‌ها، گرایش‌های حکام ایلخانی را به ادیان بودایی، مسیحی و یهودی نشان می‌دهد اما باورهای اسلامی (تسنن و تشیع) نسبت به ادیان دیگر تجلی بیشتری داشته است.

واژگان کلیدی: اوضاع فرهنگی ایلخانان، مسکوکات ایلخانی، عبارات قرآنی، شعائر اسلامی، شعائر مسیحیت.

مقدمه: هولاکو خان (۱۲۶۵-۱۲۵۶ م. / ۶۶۳-۶۴۵ ه.ق) با فتح ایران و قتل خلیفه المستعصم بالله (۶۵۶ ه.ق) به خلافت ۵۲۵ ساله عباسیان در بغداد پایان داد و حکومت مستقل ایلخانان را بنیاد نهاد که نه تنها ایران، بلکه عراق و قسمتی از آسیای صغیر را نیز در بر داشت. این سلسله از سال (۱۲۵۶-۱۳۵۳ م.) به مدت یک قرن قدرتمندانه بر این نواحی حکومت کرد.

با آنکه هجوم مغول ویرانی زیادی در خاورمیانه ایجاد کرد ولی مغولها به زودی تحت تاثیر تمدن مغلوب واقع شده و فرهنگ و رسوم آنان را پذیرفتند. گراتوسکی می‌نویسد: (۱۳۸۹: ۲۱۹) «تبعیت ایلخانان از خان بزرگ مغول اسمی بود و پس از آن که به سال ۱۲۹۵ م. دین اسلام را پذیرفتند، رسماً از پیروی قدرت خان بزرگ مغول که بت پرست بود، روی برتافتند». با تشکیل دربار مستقل در ایران کلیه امور کشور به دست ایرانیان افتاد و خلق و خوی آنان، مخصوصاً مجاهدت و تدابیر دانشمندانی چون خواجه نصیرالدین طوسی، خاندان جوینی و رشیدالدین فضل‌الله، حکمرانان مغول را به تدریج با تمدن آشنا ساخته و سلطنت بزرگی شکل گرفت (رازی، ۱۳۸۱: ۳۱۹) و دربار آنان در بغداد و تبریز و سلطانیه مرکز اهل علم و ادب و هنر و رجال گردید

(دیمانند، ۱۳۸۹: ۲۴). هشتاد سال نخست حکومت ایلخانان با اقتدار سپری شده و تنها مقاومت‌های محلی کم اثر جریان داشت و در تمام فلات ایران به نام پادشاهان ایلخانی سکه ضرب شد که حاوی نکات جالب توجه است (ترابی طباطبائی، ۱۳۵۳: ۱۸۰).

با انقراض خلافت عباسیان در نهادها و معیارهای حکومتی تغییرات و تحولات اساسی ایجاد شد، که بر روند ضرب سکه نیز تأثیر گذار بود. از آنجا که نقوش و نوشته‌های منقور بر سکه در هر حکومت بازتابی از جریانات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن است، مطالعه بر سکه‌های ایلخانان نیز می‌تواند راهگشای ابهامات احتمالی در مورد اوضاع فرهنگی و باورها و اعتقادات آنان باشد. اگرچه سکه‌های دوران صد ساله ایلخانان مغول از نقطه نظر خط، زبان، رسم الخط، تصاویر، تزئینات، شعایر، علائم و تمغا متنوع و پیچیده است (همان: ۱۷۹)، اما می‌توان گفت در دوره تثبیت حکومت ایلخانان شعائر اسلامی و عبارات قرآنی بر روی سکه‌ها در این دوره با بهره گرفتن از خط ایغوری بیشتر هم شد، به گونه‌ای که زیباترین و متنوع‌ترین سکه‌های این دوره به لحاظ سجع و برخوردار از شعائر اسلامی به ویژه مذهب تشیع، در زمان حکمرانی اولجایتو ضرب شد.

روش پژوهش

این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و به روش توصیفی و تحلیل محتوا انجام گرفته است. هدف از این پژوهش از یک سو بررسی اعتقادات دینی و باورهای مذهبی حاکمان ایلخانی و از سوی دیگر باز شناسی اوضاع فرهنگی- اجتماعی مردم در این دوره بر پایه‌ی سکه‌های ضرب شده توسط ایلخانان است. با استناد به نقوش و نوشته‌ها و نشانه‌های دینی و به خصوص آیات و عبارات قرآنی نقر شده بر مسکوکات مشخص گردید، نشانه‌ها و نمادهای مختلف مذهبی و به ویژه وجود آیاتی از قرآن

کریم و شعائر اسلامی منقوش بر مسکوکات ایلخانان، نشان دهنده گرایشات دینی و مذهبی حاکمانی بوده که در طول حکمرانی آنها بر پایه های فکری و اعتقادی مردم عصر خود تأثیر داشته است. در این پژوهش با توجه به موضوع مورد بحث، به بیان مختصری از تاریخچه ی و مبانی حکومتی و اعتقادی آنها پرداخته و سپس درباره نوشته ها و نشانه های نقر شده بر مسکوکات آنها توضیح داده شده است. در این پژوهش مسکوکات ۹ تن از ایلخانان بزرگ ایران از هولاکو تا ابوسعید بهادر مورد سنجش و بررسی قرار گرفته است. منابع تصاویر سکه ها در زیر هریک آورده شده و در مواردی که به دلیل کمیاب بودن، دسترسی به سکه ها امکان نداشت از منابع اینترنتی کمک گرفته شد. با توجه به اشعار و آیات و علائم و نشانه های دینی و مذهبی نقر شده بر مسکوکات این دوره، نقوش و نوشته های ادیان اسلام با عبارات شیعی و سنی، مسیحیت، یهودیت و بودایی بر سکه های این دوره، به ترتیب و توالی حاکمان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

مبانی حکومتی و اعتقادی ایلخانان

بی تدبیری سلطان محمدخوارزمشاه در اداره امور کشور و پراکندن استانداران و سپاهیان، نفاق خلافت عباسی با خوارزمشاه و عدم حمایت از آنها، اختلاف بین شیعه و سنی و حضور اسماعیلیان به تدریج زمینه تصرف ایران به دست چنگیزخان مغول و جانشینانش را فراهم ساخت. حمله ی گسترده چنگیز به ایران (۶۱۶ ه.ق. / ۱۲۲۱ م.) ساختار سیاسی و مذهبی کشورهای اسلامی مفتوحه از جمله ایران را تغییر داد. متصرفات چنگیز میان فرزندانانش تقسیم شد و هلاکوخان پسر منگوقاآن و نواده ی چنگیز با سپاهی بزرگ وارد ایران شده و متصرفات اسماعیلیان را به تصرف درآورد (۶۵۱ ه.ق.). هلاکو خان ضمن تصرف بغداد در اواخر ماه صفر ۶۵۶ هجری (فوریه

۱۲۵۸ م.) به موجودیت خلفای عباسی پایان داد و اداره امور را به دست گرفت و برای خود و نوادگانش حکومتی موروثی به نام ایلیخانان پدید آورد (گرانوسکی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۱۸). هولاکو و جانشینانش مدت یک قرن با استقلال حکومت کردند و ابوسعید آخرین حکمران بزرگ ایلیخانی بدون تعیین جانشین درگذشت و پس از وی حکمرانی ایلیخانان به بخشی از خراسان بزرگ محدود شد.

ایلیخانان در آغاز حکومت بر سرزمینهای مفتوحه به علت غنای فرهنگ ایران اسلامی و برتری چشمگیر آن در مقایسه با فرهنگ بدوی قوم بیابانگرد مغول ناچار بودند ظاهراً از شعایر و آداب و عقاید اسلامی تبعیت نمایند (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۷۹: ۲۱۶). کلیه دستگاه دیوانسالاری ایلیخانیان از اشراف بلند پایه ی ایرانی مسلمان ترکیب می شد و در مرکز دستگاه حکومت ایلیخانان همیشه نخست وزیر ایرانی حکومت می کرد (گرانوسکی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۲۰). نخستین ایلیخانان بت پرست - به غیر از تکودار احمد خان که اسلام آورد- از مسیحیت و حتی بودائیسیم حمایت می کردند. هولاکو خان با داشتن دین بودائی، همسری از مسیحیان برگزید^۴ و علیرغم آنکه مسلمان نبود، توسط خاندانهای دیوانسالار ایرانی سیطره فرهنگ اسلامی را پذیرفت. خاندان هایی که سنت های فرهنگ اسلامی و درحقیقت شریعت اسلامی را از نو زنده کردند (علیزاده مقدم، ۱۳۸۸: ۲۳). هولاکو خود اباقاآن (۱۲۸۲- ۱۲۶۵ م./ ۶۸۰- ۶۶۳ ه. ق) بزرگترین پسرش را به ایلیخانی برگزید و در سال ۶۶۳ ه. ق بر تخت سلطنت جلوس کرد (فضل الله همدانی، ۱۳۷۳: ۱۰۵۳). او احکام صادره از سوی هولاکو را همچنان

^۴ دوقوزخاتون همسر مسیحی هولاکو بود که مسیحیت را حمایت می کرد و اجازه تبلیغ شعایر مذهبی خود را داشت. احتمالاً حمایت هولاکو از مسیحیت به منظور برخورداری از حمایت نظامی الکساندر چهارم بوده است (نک: علیزاده مقدم، ۱۳۸۸: ۱۹ و ۲۰).

اجرا کرد و آئین چنگیزی رونق گرفت، اما سنت های ایرانی دچار رکود گردید (بیانی ۱۳۸۲: ۱۷۲). در عهد اباقآن، دو دانشمند بزرگ و سیاستمدار خبره یعنی صاحب دیوان شمس الدین محمد جوینی و برادرش عظاملک، اسباب رونق کار دولت بوده‌اند (اقبال آشتیانی، ۱۳۷۹: ۲۰۱). تکو‌دار (۱۳۸۲-۱۳۸۴ م. / ۶۸۳ - ۶۸۱ ه.ق)، فرزند اباقآن، گرچه در جوانی مسیحی بود، ولی در معاشرت با مسلمانان تاثیر پذیرفته و با پذیرش دین اسلام نام «احمد» بر خود نهاد (نجاتی، ۱۳۹۳: ۲۹) و به تنش زدائی با مصر پرداخت (علیزاده مقدم، ۱۳۸۹: ۱۲) و روابط با بیزانس کم‌رنگ شد (کریمی و چاهیان، ۱۳۹۲: ۶۶). بنابراین، در مدت دو سال و اندی حکومت احمد تکو‌دار، خاندان دانش دوست جوینی عهده‌دار امور دیوانی دربارش بودند، و به پیشرفت احیای فرهنگی ایران و عقب راندن عناصر بیگانه کمک شد. ارغون خان (۱۲۹۱-۱۲۸۴ م. / ۶۹۰-۶۸۳ ه.ق) که بر آیین بودا و نسبت بدان متعصب بود (میرخواند؛ ۱۳۷۵: ۹۲۸ سراسر عمر خود را به مخالفت با اسلام گذراند (بیانی ۱۳۷۱: ۴۲۹). «سعد الدوله یهودی»^۵ در دربار وی قدرت یافت و شغل مهم دیوانی و فرمانروائی ولایات به خویشان و نزدیکان وی سپرده شد (سرفرازی ۱۳۸۹: ۵۴). سعدالدوله با تصویب ارغون مصمم شد، که خانه کعبه را به بتخانه مبدل سازد (اقبال آشتیانی، ۱۳۶۴: ۲۴). اگر چه بنابر شواهد تاریخی، ارغون دین اسلام را نپذیرفت، ولی شواهد و مدارک سکه شناسی خلاف این را نشان می دهد. با وجود آن که بر سکه های ارغون نشانه هایی از

^۵ سعدالدوله از شخصیت های برجسته یهودی در دستگاه حکومتی ارغون خان بود که هم در طبابت مهارت داشت و هم زبان مغولی را خوب می دانست در اواخر سال ۶۸۶ هجری حاکم بغداد شد و در همان سال به صاحب‌دیوانی ممالک منصوب شد. وی بی درنگ مخالفان را کنار زد و مناصب را به خاندانش سپرد (ابن فوطی، ۱۳۵۱: ۴۶۶). سعدالدوله با بیماری ارغون هراسان شد و در صدد دلجوئی از مردم برآمد ولی با مرگ ارغون کار وی هم سر آمد و در سال ۶۹۰ هجری به قتل رسید (علیزاده مقدم، ۱۳۸۸: ۲۳)

مسیحت، یهودیت و بودائی نقر است، اما او همچنان سنت ضرب سکه اسلامی را پا برجا نگه داشت و به ویژه بر تعدادی از سکه هایش نشانه هایی از گرایشات شیعی مذهب و ارادت به علی (ع) جلوه گر است. این نشانه ای است که قبل از آن بر سکه های ایلیخانان دیگر دیده نشده است. آنچه سکه های ارغون را متمایز می سازد، بهره مندی از آیه ی ۱۱ سوره رعد است، که در آن تاکید بر حفاظت فرشتگان مامور خداوند برای حفاظت جان بشر است. انتخاب این آیه، علیرغم حضور ادیان دیگر در دستگاه حکومتی، مبین این است که باورهای اسلامی نمود و تجلی بیشتری در دربار داشته است. پس از ارغون خان منصب ایلیخانی به ترتیب به دو ایلیخان ناتوان دیگر یعنی گیخاتو (۱۲۹۵-۱۲۹۱ م./ ۶۹۴-۶۹۰ ه.ق) و بایدو (۱۲۹۵ م./ ۶۹۴ ه.ق) رسید. این دو بیشتر وقت خود را صرف مبارزه برای قدرت کردند. دوره ی فرمانروایی کوتاه پنجمین ایلیخان یعنی گیخاتو، به درگیری های سیاسی، اجتماعی و نهایتاً اقتصادی سپری گردید و در این زمان (پایان سده ی ۱۳ م.) وضع عمومی اقتصاد ایران به وخامت گرایید. عیار پول های نقره ای به میزان زیادی کاهش یافت و نرخ پول پایین آمد. او کوشش کرد تا مانند چینیان پول کاغذی «چاو» را رواج دهد و به جای زر و نقره به مصرف رسانند اما در عمل با ناکامی روبه رو گردید (گرانتوسکی، ۱۳۸۹: ۲۲۴ و رازی، ۱۳۸۱: ۳۲۳) زیرا گشاده دستی گیخاتو برای بقای حکومت، کشور را دچار ورشکستگی اقتصادی نمود. چاو به شکل مستطیل با کلماتی به چینی در حاشیه بود، که بر بالای آن عبارت "لااله الاالله / محمد رسول الله و زیر آن لقب گیخاتو " ایرنجین تورجی آمده است (راوندی ۲۳۵۶ ج ۲: ۳۱۶) عبارت لااله الاالله محمدرسول الله بر

^۶ چاپ اسکانس در زمان گیخاتو با طراحی صدرالدین صاحب دیوان در تبریز به سال ۶۹۳ هجری آغاز گشت (بطروشفسگی ۱۳۶۶: ۷۲)

اسکناسها و عبارت شهادتین بر مسکوکات حکایت از تجدید نیروی مسلمانان دارد (ترابی طباطبائی ۱۳۵۱: ۴۶). اما پس از مدت کوتاهی به دلیل مسدود شدن باب داد و ستد ملغی شد و دیری نپایید که گیخاتو قربانی شورش قسمتی از اشراف مغول گردید. غازان خان (۱۳۰۴ - ۱۲۹۵ م. / ۷۰۳ - ۶۹۴ ه. ق) پس از رسیدن به حکومت خود را به اشراف بلند پایه ایرانی و روحانیان متکی کرد و رسماً دین اسلام را پذیرفت و آن را دین رسمی دولت شمرد و یک رشته اصلاحاتی را آغاز کرد. او رشید الدین همدانی را که مردی ایدئولوگ و مبتکر این اصلاحات بود را به وزارت خود برگزید (گراتوسکی، ۱۳۸۹: ۲۲۴).

اصلاحات غازان خان، سکه های جدید نقره را در کشور رواج داد. چون در ایالات مختلف ایران زر را به عیار های مختلف می زدند، مقرر شد سکه که بر روی آن کلمه ی توحید نقش شده و دارای عیار خالص است، معمول کلیه ایران گردد و از این اقدام عیار زر و سیم در تمام ایران یکسان گشت (رازی، ۱۳۸۱: ۳۲۹). غازان اهل ادب و حکمت و فضل را دوست داشت (اقبال آشتیانی، ۱۳۷۹: ۲۸۵) و دین مصطفوی را قبول کرد و اعلام احکام شریف به ذوره اعلی رسانید (شبانکاره ای، ۱۳۶۳: ۲۶۸) و نام اسلامی محمود بر خود نهاد (بویل، ۱۳۸۹: ۵۱۴). نخستین کار او رسمی کردن دین اسلام در ممالک ایلخانی بود. بدین ترتیب اسلام پس از تسلط مغول بر ایران تا این زمان یعنی بیش از هفتاد سال به صورت یکی از ادیان مجاز در ردیف دین های بودائی، مسیحی و یهودی در آمده بود، از آن حال خارج شد (نجاتی، ۱۳۹۳: ۳۰). او بعد از رسمیت بخشیدن به دین اسلام در قلمرو خویش کلیه کلیساها و معابد بودائی را در تبریز، بغداد و سراسر قلمرو ایلخانی ویران ساخت (مستوفی ۱۳۶۴: ۶۰۳). برخی رفتارهای تعجب آمیز اهل سنت ضد شیعه و همراهی برخی از شیعیان، نگاه غازان را

تمایل به تشیع ساخت. به گونه ای که فرمان داد در خطبه های نماز نام ابی عباس را بیندازند و صلوات خطبه را مانند صلوات نماز به شیوه همه مسلمانان که فقط نام پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) برده می شود، برگزار کنند (القاشانی، ۱۳۸۴: ۹۱). گرچه شیعه بودن غازان روشن نیست، ولی تمایل وی به تشیع و ارادت به خاندان رسول اکرم و احترام فوق العاده سادات تردیدی نیست (اقبال آشتیانی ۱۳۶۴: ۱۷۹).

اولجایتو (۱۳۰۴-۱۳۱۶ م. / ۷۱۶-۷۰۳ ه.ق) برادر و جانشین غازان خان، سیاست برادرش را دنبال کرده و به وزیر رشیدالدین و اشراف بلند پایه تکیه کرد (گراتوسکی، ۱۳۸۹: ۲۲۷). هر چند او راه اصلاحات را چندان ادامه نداد اما فرمان راند تا قواعد و قوانینی که غازان بنیان نهاده بود همچنان معمول و مرسوم باشد و هیچ کس از آن تخلف نکند. اولجایتو پس از تشریف به دین اسلام ملقب به «محمد خدابنده» شد (اشپولر، ۱۳۷۶: ۱۲۲). اولجایتو بیش از هر ایلخانی دین و مذهب خود را تغییر داد. طوری که نخست مسیحی بود، سپس به دین بودایی گرایش یافت، و پس از آن دین اسلام را پذیرفت و مکتب حنفی سپس شافعی اهل تسنن را اختیار کرد^۷ و پس از مدتی در سال ۷۰۹ هجری با راهنمایی تاج الدین آوجی و جمال الدین مطهر^۸ مذهب شیعه را پذیرفت و دستور داد، نام دوازده امام شیعه در خطبه ها و روی سکه ها استفاده شود (همان: ۱۹۵). آن گونه که از مطالعه تاریخ نوشته ها برمی آید، مذهب و مناظره های مذهبی نیز در زمان اولجایتو از اهمیت به سزایی برخوردار گشته بود (بیانی، ۱۳۸۲: ۳۱۳). سر انجام الجایتو در ۷۱۶ هجری در گذشت و در گنبد سلطانیه به خاک

^۷ در اثر تشویق و ترغیب زوجهی مسلمانش، اسلام اختیار کرد و مذهب حنفی را پذیرفت (بیانی، ۱۳۸۲: ۳۱۳).

^۸ یکی از علماء شیعه اثنی عشریه و مؤلف کتاب نهج الحق است، که اولجایتو با ارشادات این روحانی متابعت مذهب امامیه را نمود. برای آگاهی بیشتر نک: رازی ۱۳۸۱: ۳۲۹.

سپرده شد.^۹ با مرگ اولجایتو دوران زمامداری پسرش ابوسعید بهادرخان (۱۳۳۵-۱۳۱۶ م. / ۷۳۶-۷۱۶ م.)، آخرین ایلخانی که اندک اقتداری داشت، فرا رسید. در این زمان دوباره سر رشته کار به دست اشراف نظامی مغول - ترک افتاد، رشیدالدین به سال ۱۳۱۸ م. اعدام گردید و شکل حکومت به وضع پیش از غازان خان، با همان سنت ها و روش ها، برگشت. پسر رشیدالدین، غیاث الدین محمد رشیدی به وزارت برگزیده شد، او خواست سیاست پدرش را دنبال کند، اما نتوانست از نابودی حکومت ایلخانیان جلو گیرد (گرانوسکی ۱۳۸۹: ۲۲۷). با وجود آن که ابوسعید اهل هنر و ادب بود و خط پارسی و مغولی را به غایت خوب می‌نوشت (شبانکاره ای، بی تا: ۲۸۶) و به روزگار فرمانروایی پدر نزد استاد شرف‌الدین خطاط شیرازی خوش‌نویسی را فرا گرفته بود، اوضاع فرهنگی به‌سان روزگار غازان و اولجایتو مساعد و نیکو نمی‌نمود (خواند میر، ۱۳۳۳: ۱۹۷). بدین ترتیب سلسله ایلخانان به سرعت روبه انحطاط رفت و مقام ایلخانی بین عده ای شاهزاده موضوع نزاع و کشمکش شد و سرانجام با مرگ ابوسعید حکومت دستگاه حکومتی هلاکویی عرصه ی ستیزهای داخلی دسته فتودال استانها گردید و هریک از آنان کوشش داشتند حکومت را به دست گیرند. از هم پاشیدن دولت ایلخانان پس از کشته شدن آخرین ایلخان، به نام توگا تیمور خان انجام گرفت (گرانوسکی، ۱۳۸۹: ۲۲۷).

شانه ها و نوشته های مذهبی بر سکه های ایلخانان

پس از انقراض حکومت عباسیان، اسامی خلفای راشدین، «ابوبکر، عمر، عثمان و علی(ع)» بر سکه ها نگاشته شد و هولاکو خان نیز در با خط و زبان کوفی و اغلب شبیه سکه های خلفای عباسی به ضرب سکه هایش اقدام کرد.

^۹ گنبد سلطانیه از آثار مهم معماری ایرانی و اسلامی دوره ایلخانی واقع در استان زنجان است

در بیشتر سکه های هولاکو بر یک روی سکه عبارت: قآن الاعظم هولاکو ایلخان المعظم (خلد الله) و در حاشیه آن قسمتی از آیه ی ۲۶ سوره آل عمران: قل اللهم مالک الملک توتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء و تعز من تشاء :بگو پروردگارا پادشاهی از آن توست به هر که بخواهی می دهی و از هر که بخواهی می گیری و هر که را بخواهی عزیز می کنی ... نقر شده است. بر روی دیگر سکه لاله الاالله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یا لاله الاالله وحده لا شریک له محمد رسول الله و در حاشیه محل و سال ضرب آمده است (تصویر ۱)



تصویر ۱: درهم های نقره هولاکو خان ضرب سال ۶۶۵ ه.ق (علاالدینی، ۱۳۹۵: ۳۰)

وجود آیه ۲۶ سوره آل عمران بر سکه های هولاکو توجیه کننده تغییرات حکومت و قدرت یافتن مغولان و سقوط عباسیان است. در این زمان بر حاشیه دوم روی سکه عباراتی چون الملک الله و العزه الله و الحمد لله ضرب شده است (نک: سرفراز و آوزمانی، ۱۳۷۹: ۲۸۰-۲۷۹). نکته جالب بر سکه های هولاکو این است که در واقع نشان از گرایش مذهبی او به دین اسلام را ندارد، بلکه با نقر این آیه ی، به دنبال توجیه قدرت و حکومت در جهان اسلام است، و با شعائر اسلامی نیز دو رکن اساسی اسلام یعنی توحید و نبوت را مورد تاکید قرار داده است. همچنین یاراحمدی (۱۳۸۹: ۴۰). نوشته است: " این قبیل آیه ها و جمله های به کار رفته بر روی سکه های دوره هولاکو بیانگر موضوع جالبی است و آن این که مغولان که فاقد مشروعیت دینی برای

حکومت بر سرزمینهای اسلامی بودند، تلاش می کردند بدین وسیله به حکومت رسیدن خود را تقدیر الهی منسوب کنند. این سکه دست به دست در میان مردم عادی می گشت و ایدئولوژی تقدیر گرایی مغولها را تبلیغ می کرد."

از هولاکو سکه ای با آیه ۳۳ سوره توبه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون معرفی شده است (ترابی طباطبائی ۱۳۵۰: ۷۷) این آیه بر روی سکه های امویان و عباسیان به کرات استفاده شده است. بر غالب سکه ها نقش مایه هلال ماه و ستاره و گاه دوایری که می توان نشانه خورشید تصور کرد آمده نقش شده و با نشانه هائی که با پرستش اجرام آسمانی در آئین شمنیسم است، ارتباط دارد. آئین شمن نوعی یگانه پرستی ناقص است که ایزدان گوناگون با مرتبه های پائین تر در اشکال مختلف به عنوان مظاهر خدایان پرستش می گردند. شمن ها جادوگران روحانی و پزشک بودند و تشریفات دینی و عملیات ساحری و معالجه بیماران روانی و جسمی را انجام می دادند. در آئین مغولان ارواح نیک و بد، فرشتگان و اهریمنان در زندگی روزمره اهمیت داشتند (بیانی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۷). شمنیسم عناصر طبیعت را سودمند دانسته و آسمان و جلوه های بارز آن مانند ماه و خورشید و ستاره گان را قابل پرستش می دانستند. بعد از هولاکو و با تثبیت اوضاع سیاسی، سکه های ایلخانان تأثیراتی از فرهنگ و هویت مغول را به نمایش می گذارد. در این زمان با اینکه بیشتر شاهان به ظاهر به اسلام مشرف شدند و نام اسلامی برای خود برگزیدند، ولی نام و القاب خود را با کلمات ایغوری نوشته اند (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۷۹: ۲۱۶). مضمون نوشته های سکه های اباقاآن متنوع و حکایت از تغییر شرایط اعتقادی و اجتماعی آن دوره را دارد. ابتدا بر سکه های او شعائر اسلامی مانند: لا اله الا الله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یا وحده لا شریک له با آیه ۲۶ سوره آل عمران یا

آیه ۳۳ سوره توبه در حاشیه هوالذی ارسله بالهدی و دین الحق لیظهر علی الدین کله و لو کره المشرکون و نیز عبارت لاله الاله وحده لاشریک له صلی الله علیه و آله و سلم و یا نام، القاب و محل و سال ضرب به خط کوفی و در مواردی با خط ایغوری نوشته شده است. (تصاویر ۲ و ۳)



تصویر ۲: درهم نقره اباقا با شعایر اسلامی لاله الاله/محمد رسول الله ضرب

تبریز/سنه ثمان / و سبعین / و ستمانه (۶۷۸) (علاءالدینی، ۱۳۹۵: ۳۶)



تصویر ۳: درهم نقره اباقا با شعایر اسلامی (همان)

اما با استقرار ایلخانان نفوذ دین بودائی در غرب ایران جلوه گر شد و مراغه، خوی، اران معابد و بت کده های آنها ایجاد گردید (علیزاده مقدم، ۱۳۸۸: ۱۹). با وجود سکوت منابع می توان گفت که دین بودا در عهد اباقا خان به اوج شکوفائی خود رسید و رهبانان به سرعت به نشر عقاید خویش پرداختند (بیانی، ۱۳۷۱: ۳۷۶). نفوذ دین بودا در دوره آباقا که خود بودائی بود در تقویت این گروه کوشید و در شهرها و روستاها بخصوص آذربایجان معابد بودائی بر پا کرد و این معابد را از پرداخت مالیات

معاف داشت (علیزاده مقدم، ۱۳۸۸: ۱۹). تصویر شیر بدون خورشید و سکه هائی با تصویر پرنده ای به شکل سیمرخ است که نمایانگر نفوذ هنر چینی و بودائی است (بیانی، ۱۳۷۱: ۴۲۸) سپس اباقا با سیاست حمایت از مسیحیت به دنبال جلب نظر دول معظم لاتینی بود تا مثل دو تیغه قیچی مملوکان مسلمان مصر را از میان بردارد (گروسه، ۱۳۷۹: ۶۰۵). او با وجود تمایلات بودائی، سخت از مسیحیان و مناطق مسیحی نشین هواخواهی می نمود (کریمی و چاهیان ۱۳۹۲: ۶۳). علاقه وی به مسیحیان پس از ازدواج با دختر امپراطور روم بیشتر شد و روحانیون مسیحی دربارش مورد عنایت قرار گرفتند (مرتضوی ۱۳۵۸: ۱۱۹ و آذری ۱۳۴۹: ۶۲) به طوریکه در اواخر سلطنت آباقا روحانیون مسیحی قدرت زیادی یافتند. ماریا (مریم) همسر مسیحی وی در روزگار او فعالیتی چشمگیر داشت (علیزاده مقدم ۱۳۸۸: ۲۱). او از خود چهره ای طرفدار مسیحیت به جای گذارد (لین ۱۳۸۹: ۷۹) و فرمان ضرب سکه هائی با نشانه های مذهبی مسیحیت را داد (تصویر ۴). بنابراین بر روی سکه های او عبارت: بسم الاب والابن و روح القدس الله واحد و علامت صلیب نقش شده و در روی دیگر خط اویغوری نوشته شده است. ترابی طباطبائی (۱۳۵۳: ۱۸۰) نیز می نویسد: «در این بین آباقا آن اولین ایلخان مغولی است که سکه با شعار تثلیث مسیحی دارد. نمونه ای از اینگونه سکه در موزه تبریز به شماره ۱۶/۱۸۰ ج.ت معرفی شده است.» احتمالاً اتخاذ این سیاست مذهبی برای جلب توجه و حمایت دربار اروپائی و پاپ بوده است (کریمی و چاهیان، ۱۳۹۲: ۶۵).



تصویر ۴. سکه اباقا با شعائر مسیحیت با تاریخ ضرب ربیع الاول ۶۸۱

(احمدی و ثمانین و ستمائه) (علاء الدینی، ۱۳۹۵: ۴۲)

اگر چه منابع سکه شناسی مربوط به تکودار کم و نادر است اما سکه های برجای مانده از او نشانگر روند ضرب سکه به شیوه گذشته است. تکودار از همان ابتدا به دین اسلام مشرف شد و نام اسلامی احمد را بر خود نهاد. به اعتقاد اشپولر (۱۳۶۵: ۸۲): «مسلمان شدن تکودار بیشتر تابع شرایط سیاسی است و موجبات مذهبی آن درجه دوم اهمیت است». به نظر می رسد شکست های مکرر مغولان از مملوکان مصر یکی از علل عمده گرایش تکودار به دین اسلام بوده تا بتواند راه صلح و آشتی را برگزیند (قهرمانی اصل، ۱۳۸۶: ۴۴). بر یک روی سکه های تکودار القاب مغولی چون *قآن الاعظم* و *ایلخان* آمده است و بر حاشیه سکه نیز آیه ی ۲۶ سوره آل عمران نقر شده است و همان گونه که پیشتر گفته شد به نوعی توجیه کننده حکومت ایلخانان بر سرزمین اسلامی است. بر یک روی سکه عبارت *لااله الاالله محمد رسول الله* که نشان دهنده ی شعائر توحیدی و رسالت پیامبر اکرم (ص) است به همراه نام *السلطان احمد* نوشته شده است و بر حاشیه سکه نیز به مانند همه سکه ها محل و سال ضرب به شیوه مرسوم آمده است. بر روی دیگر به خط ایغوری لقب او به نام *احمد* آمده و در مواردی نیز نام *احمد* به کوفی در انتها نوشته شده است و علاماتی چون ستاره بر سکه نقش شده است. (تصویر ۵)



تصویر ۵: دو نمونه از سکه های دینار و درهم احمد تکودار با شعائر اهل تسنن

در این میان ارغون سنت گذشتگان را در مورد سکه ها حفظ کرد و غالب سکه ها یش به ویژه در اواخر دوران سلطنت او به سبک اسلامی ضرب می شد. اما سکه هایی نیز از او موجود است که نشانه هایی از مسیحیت و بودایی بر آنها آشکار است.

مسکوکات اوایل حکمرانی ارغون با شکل صلیب و شعار تثلیث الاب، ابن و روح القدس است (تصویر ۱۶)، و فاقد خط ایغوری است (سرفرازی، ۱۳۸۹: ۵۵). ارغون چون پدر و جدش به مساعدت و معاضدت با مسیحیان پرداخت، سیاستی که تکودار آنرا متوقف ساخت (کریمی و جاهیان، ۱۳۹۲: ۶۶). این سیاست برای بدست آوردن حمایت دول مسیحی غرب در مقابله با مسلمانان شام و مصر صورت گرفت. در این راه فرمان نوسازی کلیساها و کنشت ها را صادر کرد، و نفوذ روحانیان مسیحی را فزونی داد (صفا، ۱۳۸۷: ۱۰۵).

از دوران اولیه ارغون سکه هایی با شکل صلیب و نوشته الاب و الام و ابن روح القدس موجود است (بیانی، ۱۳۷۱: ۴۲۸). آباقاآن و ارغون برای نشان دادن ارادت خود به دین مسیحیت دستور ضرب سکه هایی را داده بودند که بر روی آنها عبارت به نام پدر و پسر و روح القدس نقش بسته بود ولی هر دو در جلب حمایت مسیحیان ناموفق بودند (قهرمانی اصل، ۱۳۳۶: ۴۳) از میان حاکمان ایلخانی اوج بودائی گری به دوران ارغون بر می گردد. تعصب او نسبت به بودائیان و علاقه شخصی اش موجب شد از سرزمین

چین و تبت و هند و ایغور بودائیان جدیدی وارد ایران شوند و در ایالات ایران مسکن گزینند و به ساخت بت خانه پردازند. ولی با مرگ ارغون نفوذ شان بتدریج از دست رفت و در زمان غازان آثار آنها به کلی از ایران محو شد (علیزاده مقدم، ۱۳۸۸: ۱۹) گرچه ارغون سنت گذشتگان را در مورد سکه ها حفظ کرد و غالب سکه ها یش به ویژه در اواخر دوران سلطنتش را به سبک اسلامی ضرب کرده است، اما سکه هایی که نشانگر دین بودایی بر آنها نقر است از او وجود دارد. سکه هایی نیز از ارغون برجاست، که تصویر پرنده ای به شکل سیمرخ را دارد که نشان از نفوذ هنر چینی بودائی دارد (تراپی طباطبائی، ۱۳۵۱: ۳۶) بیشتر سکه های اواخر ارغون به سبک اسلامی است و عبارات *لااله الاالله محمد رسول الله صلى الله عليه وسلم* و آیه ی ۲۶ سوره آل عمران: *قل اللهم مالك الملك توتى الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء منقور است (تصویر ۶).*



تصویر ۶: دینار ارغون با شعائر اسلامی (www.coinarchives.com)

در یک رو الحمدالله/لااله الاالله/محمد رسول الله/صلى الله عليه/ و سلما در حاشیه بسم الله در روی

دیگر به ایغوری/ارغون و در حاشیه به کوفی بسم الله



تصویر ۷: درهم ارغون با شعائر اسلامی (<http://www.tokakte.virtualave.net>)

بر یک روی سکه لاله الاله/والله/وحده لا شریک له/محمد رسول الله/صلی الله و بر روی دیگر ارغون

القمان الاعظم در دایره وسط و ضرب حوره در حاشیه

سکه ای دو دیناری در زمان ارغون خان به سال ۶۸۵ هجری ضرب شد، که در روی سکه با حروف ایغوری نام ارغون و در حاشیه قسمتی از آیه ی ۱۱ سوره ی رعد: «له معقبات من بین یدیه و من خلفه یحفظونه من امرالله...» آمده است. این سکه ظاهراً به علت رفع خطر از جان ارغون ضرب شده است (سرفراز و اورزمانی، ۱۳۷۹: ۲۸۰).

در سکه های شیعی ارغون بر یک روی به ایغوری خاقانو ارابم ارغونون دلدگوکولیس و یا به فارسی ارغون آمده است، و بر روی دیگر «لااله الاالله محمد رسول الله و علی ولی الله» نقر شده است (تراپی طباطبائی، ۲۵۳۵: ۱۱). از نوشته های جالب توجه سکه های ارغون عبارت علی ولی الله است (تصویر ۸)، که نشان می دهد در دوره ارغون شیعیان فعال بوده و نفوذشان به حدی بود، که توانسته اند نام امیرالمومنان (ع) را بر سکه ضرب نمایند (سرفرازی، ۱۳۸۹: ۵۶). زیرا پیش از این در مسکوکات ایلخانان چنین عبارتی دیده نشده است.



تصویر ۸: درهم ارغون با شعار شیعی (<http://www.tokakte.virtualave.net>)
بر یک روی سکه لاله الاالله / محمدرسول الله / علی ولی الله در دایره وسط با تزئینات نقطه ای و
خطوط مواج قان ارغون



تصویر ۹: درهم ارغون با خط کوفی و ایغوری (<http://www.tokakte.virtualave.net>)
بر یک روی سکه عبارت لاله الاالله / وحده لا شریک له / محمدرسول الله / صلی الله علیه /
و علی آله فناه در مربع وسط و حاشیه و بر روی دیگر نوشتار به خط ایغوری و ارغون
به کوفی با نقش ستاره یهودیان به دلیل برخورداری از توان و استعداد در امور مالی و
دیوانی در دربار ایلخانان نفوذ یافتند. زمان ارغون را باید اوج سحر و ساحری در ایران
دانست (بیانی، ۱۳۷۱: ۴۲۹). سکه ای از ارغون با نقش ستاره داوود پیامبر در مرکز
سکه وجود دارد که نشانگر توجه ارغون به دین یهود در دوران حاکمیتش می باشد)
تصویر ۱۰). با توجه به شواهد تاریخی که پیشتر گفته شد، این سکه باید در زمان
وزرات سعدالدوله ضرب شده باشد که یک دوره کوتاه با کمک دیگر یهودیان هم
آیینش، امور دیوانی ایلخانیان را اداره می کرده است.



تصویر ۱۰: سکه ارغون با نقش ستاره داوود پیامبر از نمادهای دین یهود

(www.coinarchives.com)

ضرب ستاره داوود نشان از قدرتی است که ارغون به سعد الدوله داده بوده است (یاراحمدی؛ ۱۳۸۹: ۴۱). بر سکه های گیخاتو تغییر یا نوآوری خاصی جزء استفاده از لقب ایرنجین تورجی نام مغولی گیخاتو به دو زبان ایغوری و کوفی دیده نشده است (علاءالدینی، ۱۳۹۵: ۸۹). بر یک روی سکه به خط ایغوری خاقانو ارابم ایرنجین تور دلد کگولوکسین و ایرنجین تورجی به کوفی حک شده است و بر روی دیگر عبارت لااله الاالله محمد رسول الله و محل و تاریخ ضرب نوشته شده است (تصویر ۱۱). بر روی اسکناس های موسوم به «چاو» نیز همین عبارات نوشته شده است. آنچه سکه ها و اسکناسهای این دوره بازگو می کنند، روند ضرب سکه های اسلامی به مانند گذشته است.



تصویر ۱۱: درهم نقره گیخاتو در یک روی سکه عبارت: *لااله الاالله/محمد رسول الله* و در حاشیه ضرب تبریز/سنه احد/ و تسعین/ و ستمائه (۶۹۱ ه.ق) و بر روی دیگر نوشته به خط ایغوری و واژه کوفی *ارینجین تورجی* (علاء الدینی، ۱۳۹۵: ۹۳)

سکه های بایدو نیز مشابه مسکوکات شاهان قبلی است. بر یک روی سکه های وی به خط و زبان ایغوری القاب و عناوین بایدو آمده است و بر پائین سکه نام بایدو به خط کوفی نوشته شده است. بر روی دیگر *لااله الا الله* و *محمد رسول الله*. زمان کوتاه حکمرانی، فرصت ضرب سکه ای متفاوت از آنچه رایج بود را به بایدو نداده است. بنابراین شواهد سکه شناسی این دوره نشان از همان روند دینی و مذهبی گذشته دارد (تصاویر ۱۲ و ۱۳).



تصویر ۱۲: سکه ی دینار بایدو به دو خط کوفی و اوغوری
(<http://www.tokakte.virtualave.net>)



تصویر ۱۳: درهم نقره بایدو با عبارت *لا اله الا الله محمد رسول الله* و در حاشیه ضرب تبریز
سنه اربع و تسعين / و ستمائه (۶۹۴ ه. ق.) و نوشته به خط ایغوری و واژه کوفی *بایدو*
(علاء الدینی، ۱۳۹۵: ۱۰۳)

در زمان غازان از سکه های طلای موسوم به درست که وزنی معادل صد مثقال دارد، با اسامی دوازده امام یاد می گردد، که در این دوره ضرب شده است (ترابی طباطبائی، ۱۳۵۱: ۴۵۶ و اشیپولر، ۱۳۶۸: ۴۶۳) سکه هایی که برای اولین بار اسامی دوازده امام را بر خود دارد، و نشانگر اهمیت و رونق تشیع در این زمان است (بیانی، ۱۳۷۱: ۴۵۶). شعائری که حاکی از گسترش نفوذ شیعه دوازده امامی پس از سقوط بغداد در سال ۶۵۶ هجری است، تا جایی که غازان حنفی مذهب وادار به ذکر نام دوازده امام بر سکه ها شد (سرفرازی ۱۳۸۹: ۶۰). در ارادت غازان به ائمه اطهار گفته شده است، وی به زیارت اماکن مقدس شیعه در بین النهرین می رفت (بویل، ۱۳۶۶: ۵۱۵).

سکه های غازان به خط ایغوری و کوفی و چینی از طلا و نقره و مس بوده است، که آنها را سه زبانی می خوانند. چون به خط و زبان عربی، ایغوری و چینی نام و القاب غازان آمده است (ترابی طباطبائی، ۱۳۵۱: ۴۶). آنچه به زبان مغولی و خط ایغوری بر سکه ها نقش بسته، حکایت از گرایش اسلامی است. کلمات تنگترین (= تاگری بین) و کوچوندور به معنای «خدا» و «قدرت» است، که می توان معادل *بعون الله* باشد

(سرفرازی، ۱۳۸۹: ۵۸). بر سکه های غازان محمود کتیبه های اویغوری در طراحی سکه ها بر کتیبه های کوفی برتری یافت (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۳۱۱۱). فلوسی از غازان وجود دارد، که اثبات می کند، کلمه «قرآن» از زمان ایلخانی متداول بوده است. بر یک روی الملک الله / قرآن / غازان محمود و بر روی دیگر لاله الا الله / محمد رسول الله نگاشته شده است. سکه ای از غازان با شعار علی ولی الله در موزه تبریز وجود دارد که نشانه ای از ارادت او به حضرت علی (ع) است. شاید یکی از شعار های اسلامی که بر سکه های غازان بسیار تکرار شده است لاله الا الله / محمد رسول الله / صلی الله علیه باشد (تصویر ۱۴)، که نمونه هایی چندی در موزه تبریز موجود است (ترابی طباطبائی، ۱۳۵۰: ۸۴-۸۵). بر عکس سکه های دیگر شاهان مغول که در کنار تراز اسلامی، نمادها و اشعاری از ادیان دیگر همچون مسیحت، یهودیت و بودائی را بر خود دارند، سکه های غازان محمود، تنها نشانه های دین اسلام را بر خود متجلی کرده است. در این بین سکه هائی با گرایش به شیعه نیز در میان سکه های رایج و یادبود خودنمایی می کند، که بی شک نشان از قدرت و نفوذ شیعیان در دستگاه حکومتی غازان محمود دارد.



تصویر ۱۴: دینار غازان محمود با شعار اسلامی و نام اسلامی او
محمود (<http://www.tokakte.virtualave.net>)



تصویر ۱۵: درهم غازان محمود با شعار توحید ضرب شده به سال ۶۹۴ ه. ق.

(مجموعه مسکوکات اسلامی بانک سپه، شماره ردیف ۱۴۷۸۶)

اولجایتو یکی از ایلخانانی است که هم از القاب طولانی و هم سجع زیبا بر سکه هایش استفاده کرد. عبارت المولی السلطان الاعظم مالک الرقاب الامم الجایتو سلطان غیاث الدنیا و الدین خدا بنده محمد خلد الله ملکه به صورتهای مختلف روی سکه های او آمده است (اشپولر، ۱۳۷۶: ۲۷۳). سکه های اولجایتو از تنوع بی نظیری در نگارش شعائر اسلامی چه اهل تسنن و چه اهل تشیع برخوردار است. با مطالعه ی سکه های این حاکم به خوبی می توان درک کرد که او در دو مقطع تاریخی مشخص، گرایشاتی به هر دو مذهب شیعه و سنی داشته است. به کاربردن شعائر و آیاتی که بدون شک برای بیان گرایشهای مذهبی او به کار گرفته شده است به خوبی و زیبایی تمام بر سکه های او مشهود است. تحت تاثیر مسلمان شدن و گرویدن به مذهب حنفی و شافعی اهل تسنن روی سکه های نخستین اولجایتو محمد خدا بنده و اسامی خلفای راشدین آمده است. نام خلفای راشدین ابوبکر، عمر، عثمان و علی نخستین بار در دوران اولجایتو بر روی سکه ها نقر شده است (سرفرازی، ۱۳۸۹: ۶۲) در میان سکه های نوع اهل تسنن سکه ای به تاریخ ضرب ۷۰۶ بغداد موجود است، که نام و القاب اولجایتو و محل و تاریخ ضرب در کادر مربع و حاشیه آن آمده است، و بر حاشیه بیرونی آیه ی

۵۴ سوره نور تجلی گر است: « وعده الله الذی آمنو منکم و عملو الصالحات لیستخافنهم فی الارض کم استخلف الذین من قبلهم و لیمكنن لهم دینهم الذین ارتضی لهم و لیبد لکنهم من بعد خوفهم انما لیبعد و ننی لایشرکون بی شیئا». بر روی دیگر سکه شعار لاله الا الله / محمد رسول الله / صلی الله علیه در میان کادری ۵ پر آمده است و در حاشیه کادر ابوبکر الصدیق، عمر الفاروق، عثمان ذی النور و علی ابوالسبتین علیه السلام اجمعین نقر شده است (تصویر ۱۷). در حاشیه بیرونی آیه ی ۲۹ سوره فتح محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعاً سجداً یتبعون فضلاً من الله و رضواناً سیمت هم فی وجوههم من اثر السجود ذالک مثلهم فی التوریه فی الانجیل آمده است (تراپی طباطبائی، ۱۳۵۰: ۸۶) آیه ای که بعد ها بر سکه های نوع شیعی استفاده شده است. با بالا گرفتن اختلاف و تفرقه میان دو مذهب حنفی و شافعی اولجایتو از اهل تسنن روی گرداند، و در سفر به نجف اشرف به سعی امیر طرمطاز و با راهنمایی «حسن بن المطهر الحلی» به مذهب شیعیان دوازده امامی در آمد و تا پایان فرمانروائی وی عبارات طیبه لاله الا الله / محمد رسول الله / علی ولی الله (در سه سطر متوازی) و اسامی دوازده ائمه اطهار علیهم السلام (به ترتیب پیرامون سکه ها) جایگزین خلفای راشدین کرد (مرتضوی، ۱۳۸۵: ۲۵۴). اولجایتو پس از گرایش به تشیع دستور داد، شعائر شیعی مثل تشهد را بر روی سکه ها نقر کنند (معطوفی، ۱۳۹۲: ۱۸۳). از زمان سلطان محمد خدابنده نام و القاب سلطان با کلمات و حروف فارسی بر سکه می آمد و نماینده سلطان و یا حاکم هر شهر به سلیقه خود تغییراتی در متن سکه ها داده که باعث تنوع سجع آنها شده است. در این دوره شعائر اسلامی سکه ها به استثنای مدت محدود فرمانروائی سلطان محمد خدابنده که پس از گرویدن به شیعه به نقر شهادتین و علی ولی الله و نام دوازده امام مبادرت ورزید، بقیه حکام ایلخانی فقط

شهادتین و اسم خلفای راشدین را آورده اند. این گروه عبارتند از؛ ابوسعید، اریاگون، موسی، طغاتی‌مور و بقیه ایلخانان تحت حمایت سایر حکومتها (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۷۹: ۲۱۷). بنابراین سکه های الجایتو به دلیل تغییرات مذهبی اش چنین تقسیم بندی می شوند:

● سکه هایی با شعارهای مذهب اهل تسنن که ضرب آنها از سال ۷۰۳ تا ۷۰۹ هجری قمری ادامه داشت و مشخصات آن ها چنین است: بر یک روی سکه *السلطان الاعظم غیاث الدین و الدنیا خدا بنده محمد خلد الله ملکه* و در حاشیه تاریخ ضرب و بر روی دیگر آن ها عبارت *لااله الا الله محمد رسول الله* و در حاشیه نیز اسامی خلفای راشدین.

● سکه هایی با شعارهای اهل تشیع و با خط ایغوری که از سال ۷۰۹ تا ۷۱۳ هجری قمری ضرب شدند و مشخصات آن ها چنین است: بر یک روی سکه ضرب فی ایام *دوله المولی السلطان الاعظم مالک الرقاب الامم الجایتو سلطان غیاث الدنیا و الدین خدا بنده، محمد خلد الله ملکه* و در حاشیه الجایتو به خط ایغوری و آیه *ی الله الامر من قبل و من بعد و....* و تاریخ ضرب نگاشته شده است و بر روی دیگر آن ها عبارت *شیعی لااله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله* و در حاشیه نیز صلوات بر رسول و ائمه (ع).

● سکه هایی با شعارهای اهل تشیع بدون خط ایغوری که در سالهای ۷۱۲ و ۷۱۳ هجری قمری ضرب شدند. بر یک روی سکه ها ضرب فی *دوله المولی ضرب فی الایم دولة المولای السلطان الاعظم ملک رقاب الامم اولجایتو سلطان غیاث الدنیا و الدین خدا بنده محمد خلد الله ملکه* و در حاشیه محل و تاریخ ضرب و بر روی دیگر آن *لااله الا الله و.... و صلوات بر محمد و ائمه (ع)*. (تصویر ۱۶)

• سکه های یادبود فتوحات (معطوفی، ۱۳۹۲: ۵-۱۸۴) سکه ای پنج درهمی در سال ۷۱۴ هجری قمری در آمل ضرب شده است، که فرم و مشخصات سکه های شیعه را دارد. بر حاشیه یک روی سکه آیه ۲۹ سوره ی فتح محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تراهم رکعاً سجداً یتغون فضلاً من الله رضواناً سیماهم فی وجوههم من اثر السجود ذالک مثلهم فی التوره والانجیل بر روی دیگر سکه در وسط لاله الا الله الملك الحق المبین محمد رسول الله الصادق الوعد الامین علی ولی الله امیر المومنین و در حاشیه صلوات بر محمد و ائمه معصومین با القاب و کنیه ایشان: اللهم صل علی محمد المصطفی و علی المرتضی والحسن الزکی و الحسین الشهید و علی زین العابدین محمد الباقر و الجعفر الصادق و الموسی کاظم و علی الرضا و محمد الجواد و علی الهادی و الحسن العسکری و محمد خلف الحججه آمده است.



تصویر ۱۶: سکه اولجایتو (محمد خدا بنده) با شاعر شیعی مذهب

(<http://www.tokakte.virtualave.net>)



تصویر ۱۷: سکه اولجایتو با نام خلفای راشدین (<http://www.tokakte.virtualave.net>)
 بر سکه های ابوسعید نوشته ای مبنی بر گرایش او به مذهب اهل تشیع دیده نمی شود. بنابراین می توان چنین استنباط کرد که در دوره حکومت او ضرب سکه به سبک و تراز اهل تسنن بازگشت و در حاشیه سکه ها نام خلفای راشدین که از زمان اولجایتو متداول شده بود، نقر گردید.^{۱۰} (تصویر ۱۸). بر سکه های ابوسعید از به کار بردن القاب مفصل خودداری شده است و خود را *السلطان الاعظم ابوسعید بهادر خان* نامیده است (اشپولر، ۱۳۷۶: ۲۷۳) و کلمات ایغوری نیز روی سکه ها به شدت کاهش یافت و به کلماتی کوتاه و معدود بسنده شده است (سرفرازی، ۱۳۸۹: ۶۲).
 تصویر روی بعضی از سکه های ابوسعید شاهکار هنر اسلامی است، بدین گونه که عبارت قرآنی *فسیکفیکهم الله و هو سمیع العلیم* که بخشی از آیه ی ۱۳۷ سوره بقره است، به طرز بسیار بدیعی به شکل محراب تصویر شده است (تصویر ۱۷). ظاهراً این جمله و آیه ی قرآن برای رفع اختلاف بین اهل تسنن و شیعه آورده شده است که همه را به کفایت خداوند شنوا و دانا حواله می دهد (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۷۹: ۲۸۰).

^{۱۰} در بعضی از شهرهای ناحیه شمال ایران مانند آمل که بیشتر مردم، شیعی و طرفدار علویان بودند، نام دوازده امام در حاشیه سکه نوشته شده است (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۷۹: ۲۸۰).



تصویر ۱۸: دینار ابوسعید بهادر خان با عبارت قرآنی فسيفکفیکهم الله و هو سمیع العلیم به شکل محراب در حاشیه و در وسط لا اله الا الله محمد رسول الله ابوبکر عمر عثمان و علی بر روی دیگر ضرب فی دوله السلطان الاعظ ابو سعید خلد الله الملکه و در حاشیه ضرب همدان سنه .
(<http://www.tokakte.virtualave.net>)

نتیجه گیری

نقوش، نشانه ها و نوشته های منقور بر سکه های ایلخانان که از تنوع بی نظیری برخوردار است، در واقع شاخصی برای شناخت گرایشات آنان به ادیان مختلف مانند: اسلام (تسنن، تشیع)، مسیحیت، یهودیت و بودایی- که دین نیاکان آنان بود- به حساب می آید. با آنکه مغول ها ایران را فتح نمودند و قوم غالب و برتر محسوب می شدند، ولی چون فرهنگ اسلامی از فرهنگ مغول ریشه دارتر و غنی تر بود، ناگزیر مغولان فرهنگ اسلامی را پذیرفتند و با وجود آنکه فرمانروایان اولیه مثل هولاکو خان مسلمان نبودند، مجبور به احترام به شعائر اسلامی شدند و در ضرب سکه ها نیز این موضوع را رعایت کردند (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۷۹: ۲۷۹). بنابراین پژوهش های انجام شده در خصوص شعائر و نوشته ها و نماد های دینی و مذهبی بر روی سکه های ۹ تن از ایلخانان بزرگ ایران، می توان تاریخ اجتماعی - فرهنگی آنان را به شش دوره متمایز به شرح ذیل بازشناسی نمود:

۱. دوره اول (۱۲۵۶-۱۲۸۲ م.) را باید آغاز شکل گیری حکومت ایلخانان دانست، که هولاکو و آباقا علیرغم عدم پذیرش دین اسلام، ناگزیر به بهره مندی از شعائر و نشانه

های فرهنگ اسلامی شدند. آنان بر سکه هایشان شعائر اسلامی و آیاتی از قرآن کریم را نقر کردند، تا از این طریق به حکمرانی خویش بر سرزمینهای اسلامی و جاهت شرعی ببخشند. در این بین آباقا برای اولین بار نشانه های فرهنگی مغول یعنی خط ایغوری را بر سکه ها به کار گرفت. وی با آنکه دین بودائی داشت، ولی دست به حمایت وسیع مسیحیان زد، و بر سکه های خود شواهد و نشانه های این دین را آورد.

۲. دوره دوم (۱۲۸۴-۱۲۸۲ م.) تاثیر فرهنگ اسلامی بر حکمرانان ایلخانی و پذیرش دین اسلام است. تکودار با پذیرش دین اسلام نام اسلامی «احمد» را بر خود نهاد، و نشانه های فرهنگی دین اسلام را بر سکه های خود نقر و رایج کرد. گرچه سکه های احمد تکودار مشابه سکه های هولاکو خان است، اما پذیرش دین اسلام و نام اسلامی از سوی او نشان دهنده رواج آگاهانه اشعار اسلامی و آیات قرآن بر سکه های این ایلخان بوده است، در حالی که هولاکو با توجه به شرایط اجتماعی موجود بر جامعه اسلامی ایران و برای نیل به مقاصد سیاسی و حکومتی خود با نقر شعائر اسلامی بر سکه های خود از این مسأله سود جسته است.

۳. دوره سوم (۱۲۸۴-۱۲۹۶ م.) نه تنها رویگردانی از دین مبین اسلام است، بلکه دوره تکذیب و تخریب فرهنگ و هویت اسلامی و ایرانی نیز به شمار می رود. پایه گذار این سیاست ارغون خان است، که با حمایت از مسیحیان و یهودیان موجب انزوای مسلمانان و کاهش اثرات فرهنگ اسلامی بر جامعه شد. گرچه بر سکه های او نشانه های فرهنگ اسلامی همچنان به چشم می خورد، اما نوشته ها و نشانه های دینی یهودیت و مسیحیت و بودائیت بر سکه ها آشکار است. نکته جالب در این دوره نقر شعار علی ولی الله برای اولین بار بر سکه ای از ارغون است، که علیرغم گرایشات او

به مسیحیت و یهودیت، نشانه ای از گرایش مذهب شیعی و ارادت به خاندان علوی است.

۴. دوره چهارم (۱۲۹۶-۱۳۰۴م.) حاکمیت ایلخان مقتدر و با سیاست این دوره یعنی غازان خان است. پس از گذر از جنبش های ضد اسلامی ارغون و سپس گیخاتو و بایدو، این حاکم اسلام را پذیرفت و نام اسلامی «محمود» بر خود نهاد. سکه های او به سبب پذیرش دین اسلام تنها به تراز اسلامی ضرب شده اند. نکته جالب در این دوره استفاده از نشانه های مذهبی شیعی است، که ذکر اسامی ائمه اطهار (ع) و شعار علی ولی الله است. این اشعار اگر نشان از گرایش شاه به مذهب شیعه نباشد، قطعاً نشان از اقتدار و نفوذ شیعیان در دستگاه حکومت است.

۵. دوره پنجم (۱۳۰۴-۱۳۱۶م.) با آغاز حکومت اولجایتو و تغییر روند ضرب سکه های ایلخانان است. از آنجا که وی از شروع حکمرانی به عنوان ایلخان مغول، مسلمان بوده است و نام اسلامی «محمد خدابنده» را برای خویش انتخاب کرد، سکه هایی به تراز اسلامی و با نام اسلامی «محمد خدابنده» ضرب کرده است. سکه هایی که در اوایل حکومتش گرایش او را به اهل تسنن نشان می دهد، و در اواسط حکومت گرایشات او را به مذهب شیعی القاء می کند. بر سکه های نخست او علاوه بر شعارهای رایج اسلامی لا اله الا الله/محمد رسول الله، اسامی خلفای راشدین ابوبکر، عمر، عثمان و علی (ع) نیز نقر شد، که پیش از این نظیر نداشته است. سکه های بعدی او با نوشتاری متنوع و پر حجم، شعائر و آیاتی از قرآن را بر خود دارند، که نشان دهنده افکار و عقاید شیعیان چه در حکومت و چه در اقشار مختلف جامعه است.

۶. دوره ششم (۱۳۱۶-۱۳۳۶م.) مربوط به ابو سعید بهادر خان است، که ضمن پذیرش دین اسلام، برای پایان بخشیدن به تنش های مذهبی سعی داشته است به گرایشات

مذهبی بر مسکوکات خویش اولویت ندهد، بلکه با حفظ تعادل، نشانه های گرایشات مذهبی را کم رنگ تر نماید. استفاده از آیه ی فسیکفیکهم الله و هو سمیع العلیم به طور آشکاری برای این منظور بر سکه ها آمده است.

با استناد به نقوش، نوشته ها، نشانه ها و نمادهای مختلت مذهبی، به ویژه وجود آیاتی از قرآن کریم و شعائر اسلامی نقرشده بر مسکوکات ایلخانان می توان نتیجه گرفت که گرایشات مذهبی حاکمان ایلخانی، در طول زمان حکمرانی آنها، بر پایه های فکری و اعتقادی مردم آن عصر تأثیر داشته است.

اگرچه سکه های دوران صد ساله ایلخانان مغول از نقطه نظر خط، زبان، رسم الخط، تصاویر، تزئینات، شعایر، علائم و تمغا متنوع و پیچیده است، اما می توان گفت در دوره تثبیت حکومت ایلخانان شعائر اسلامی و عبارات قرآنی بر روی سکه ها در این دوره با بهره گرفتن از خط ایغوری بیشتر هم شد، به گونه ای که زیباترین و متنوع ترین سکه های این دوره به لحاظ سجع و برخورداری از شعائر اسلامی به ویژه مذهب تشیع، در زمان حکمرانی اولجایتو ضرب شد.

منابع

۱. آذری، علاء الدین، ۱۳۴۹، روابط ایلخانان مغول با دربار واتیکان، بررسیهای تاریخی، ش ۲۶، ۱۰۲-۵۷
۲. اشپولر، برتولد، ۱۳۷۶، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میر آفتاب، تهران: علمی و فرهنگی.
۳. اقبال آشتیانی، عباس، ۱۳۷۹، تاریخ مغول، تهران: امیر کبیر.
۴. القاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد، ۱۳۸۴، تاریخ الجایتو، تهران: علمی و فرهنگی.
۵. بویل، جی. آ. ۱۳۸۹، تاریخ ایران پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه تیمور قادری ج ۵، قسمت ۲، تهران: امیر کبیر.
۶. بیانی، شیرین، ۱۳۷۵، دین و دولت در ایران عهد مغول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۷. _____، ۱۳۸۲، مغولان و حکومت ایلخانی در ایران، تهران: انتشارات سمت.
۸. پطروشفسکی، ۱۳۶۶، تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران در دوره مغول، ترجمه یعقوب آژند، تهران: اطلاعات.
۹. پوپ، آرتور، آپم و فلیس، اکرم، ۱۳۸۷، سیری در هنر ایران (از دوره پیش از تاریخ تا امروز)، ترجمه نجف دریابندری و دیگران، ج ۶، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۰. ترابی طباطبائی، سید جمال، ۱۳۵۳، سکه های متنوع از آباقاآن، بررسیهای تاریخی، شماره ۶، سال نهم، بهمن و اسفند.
۱۱. خواند میر، میر غیاث الدین بن همام الدین، ۱۳۳۳، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۳، تهران: کتابخانه خیام.
۱۲. دیماندا، ا. موریس، ۱۳۸۹، راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۳. رازی، عبدالله، ۱۳۸۱، تاریخ کامل ایران، چاپ هیجدهم، تهران: اقبال.
۱۴. سرفراز، علی اکبر و فریدون آور زمانی، ۱۳۷۹، سکه های ایران، تهران نشر سمت

۱۵. سرافرازی، عباس، ۱۳۸۹، گرایشهای سیاسی و مذهبی ایلخانان بر اساس مسکوکات ایلخانی ۷۵۶-۶۵۱ ه، پژوهش های تاریخی (علمی و پژوهشی) دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دور جدید، سال دوم، شماره ۱، پیاپی ۵، صص ۴۷-۶۶.
۱۶. شبانکاره ای، محمد بن علی، ۱۳۶۳، مجمع الانساب، تصحیح میر هاشم محدث، تهران: امیر کبیر.
۱۷. علاءالدینی، بهرام، ۱۳۹۵، سکه های ایران دوره ایلخانان مغول، تهران: برگ نگار.
۱۸. عزیززاده مقدم، علیرضا، ۱۳۸۸، پژوهشی در سکه های اولجایتو هشتمین ایلخان مغول، تهران: پازینه.
۱۹. فضل الله همدانی، خواجه رشید الدین، ۱۳۷۳، جامع التواریخ، ویراسته محمد روشن و مصطفی موسی، تهران: البرز.
۲۰. قهرمانی اصل، ولی الله، ۱۳۸۶، دین و مذهب در ایران عصر ایلخانی - با تأکید بر علل تغییرات دینی، مجله تاریخ پژوهی، شماره های ۳۲ و ۳۳، ۵۴-۳۷.
۲۱. کریمی، علیرضا و چاهیان، علی اصغر، ۱۳۹۲، جایگاه بیژانس در سیاست خارجی ایلخانان، پژوهش های تاریخی، دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، سال چهل و نهم، دوره جدید، سال پنجم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، صص ۵۳-۷۶.
۲۲. گرانوسکی، ا.آ.، داندامایو، م.آ. و دیگران، ۱۳۸۹، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران: انتشارات مروارید.
۲۳. لین، جورج، ۱۳۸۹، ایران در اوایل عهد ایلخانان رنسانس ایرانی، ترجمه سید ابوالفضل رضوی، تهران: امیر کبیر.
۲۴. مرتضوی، منوچهر، ۱۳۵۸، مسائل عصر ایلخانی، تهران: آگاه.
۲۵. مستوفی، حمدالله، ۱۳۳۹، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوانی، تهران: امیر کبیر.
۲۶. معطوفی، اسدالله، ۱۳۹۲، سکه های طبرستان گرگان و استرآباد، تهران: نشر پازینه.

۲۷. میرخواند بلخی، محمد بن خاوند شاه، ۱۳۷۵، روضه الصفا، ج ۲، تهذیب و تلخیص

عباس زریاب، تهران: علمی و فرهنگی

۲۸. نجاتی، محمد سعید، ۱۳۹۳، سید تاج الدین حسینی آوجی، بی جا.

۲۹. یاراحمدی، مهدی، ۱۳۸۹، سکه های دوره مغول، رشد آموزش، دوره یازدهم، شماره ۳

، بهار، صص ۳۹-۴۲.

۳۰. <http://www.tokakte.virtualave.net> ILKHANID COINS, Christian Rasmussen
Collection. <http://www.coinarchives.com>

مطالعاتی پیرامون آئین‌های ایرانیان باستان و ارتباط آن با کشاورزی

دکتر حبیب اله محمودیان^{۱۱}

چکیده

بررسی های تاریخی نشان می دهد ساکنان نواحی مختلف فلات ایران در عهد باستان با تفکر و اندیشه خود توانسته اند به دستاورد های بزرگی برای بهره گیری از منابع مختلف نائل گردند. اهلی کردن دانه های کشاورزی و نیز اهلی کردن دام و دستیابی به غذای مطمئن از جمله تحولات زندگی انسان بعد از مرحله شکار حیوانات و جمع آوری غذا در طبیعت بوده است. در چنین شرایطی رام کردن طبیعت و مقابله با تهدیدات پدیده های طبیعی (گرما، سرما، حیوانات وحشی و...) جز با قدرت ابتکار و خلاقیت انسان امکان پذیر نبوده است. بنابراین، بررسی و مطالعه شیوه های زندگی انسان در عهد باستان و نقش آئین ها و اعتقادات آنان در رابطه با صورت های فلکی و هماهنگی ساختن خود با پدیده های کیهانی می تواند راز و رمز های زندگی در گذشته را روشن نماید. فعالیت های کشاورزی و دامپروری به عنوان مهمترین و پایدارترین تلاش های انسان برای ادامه حیات ارتباط تنگاتنگی با گردش سیارات و پدید آمدن فصول و در نتیجه گاهشماری و تدوین تقویم فعالیت های روزمره زندگی آن ها داشته است. یافته های باستان شناسی نشان می دهد زاگرس غربی به دلیل شرایط اقلیمی و میزان بارش سالیانه در دوره نوسنگی و هزاره های بعدی موفق به اهلی کردن دانه های کشاورزی که به صورت وحشی در کوهستان زاگرس رویش داشته نموده است.

^{۱۱} - دانش آموخته دکتری باستان شناسی پیش از تاریخ ایران.

این اقدام بعد از مرحله جمع آوری غذا موجب انقلاب عظیمی در زندگی انسان شده است. در این مقاله تلاش شده تا بخشی از یافته های علمی در این عرصه ارائه شود. این اقدام می تواند مدخلی برای پژوهش ها و تحقیقات بیشتر در این عرصه باشد.

واژگان کلیدی: دوره نوسنگی، پیش از تاریخ، هلیلان، گلان، سیمره، موسیان، صورفلکی.

مقدمه: فلات ایران به عنوان پل ارتباطی شرق و غرب در موقعیت منطقه معتدل در نیمکره شمالی کره زمین واقع شده است. این شرایط موجب شده تا سرزمین ایران بویژه ناهمواری های زاگرس در طول دوران استقرار از شرایط لازم برای استقرار جمعیت برخوردار باشد. از جهتی ساکنان این منطقه با تلاش مستمر خود توانسته اند به تدریج با اهلی کردن دانه های کشاورزی که به صورت وحشی در کوهستان های زاگرس رویش داشته نسبت به تامین غذای خود اقدام نماید. در چنین وضعیتی اجتماعات انسانی طی مراحل از زندگی خود با پشت سر نهادن دوران کوه نشینی راهی دشت های میانکوهی و سپس دشت های حاشیه ای زاگرس شده و در کنار منابع آب های جاری و چشمه ها استقرار یکجانشینی را تجربه کرده اند. بررسی های باستانشناسی نشان می دهد دوران یکجانشینی با تحولات چشمگیری در عرصه ایجاد پناهگاه ها و منازل مسکونی و سپس فعالیت های کشاورزی و دامپروری همراه بوده است. شکل گیری دهکده های اولیه و تهیه امکانات مورد نیاز زندگی از مواهب طبیعت و گسترش صنایع دستی و سنتی شرایط جدیدی را در زندگی اجتماعی مراکز جمعیتی زاگرس پدید آورده است. در این میان اعتقادات دینی و مذهبی آنان و گرایش به تحولات کیهانی و صورت های فلکی شکل گیری جشن ها و آئین های مختلف را به دنبال داشته است. با بیان این مقدمه در این مقاله تلاش شده تا به بهره گیری از یافته

های باستان شناسی بخشی از دستاورد های زندگی جوامع انسانی ساکن در بخش غربی زاگرس مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

دوران استقرارهای اولیه در زاگرس غربی

دوران غار نشینی: این دوران از طولانی ترین دوران های استقرار انسان در غارها و پناهگاه ها و نواحی کوهستانی در مناطق مختلف جهان به شمار می رود. غارها و پناهگاه ها در کوهستان های ایران نیز، بر اساس مطالعات و شواهد علمی باستان شناسی و زمین شناسی میلیون ها سال دارای سکونت بوده اند. طبق نظریه ی «گوردون چایلد» جامعه شناس انگلیسی، زندگی انسان بر اساس نوع معیشت تقسیم شده است:

* دوران جمع آوری غذا (دوران شکار)؛

* دوران تولید غذا؛

* آغاز کشاورزی و دامپروری؛

* استقرار در روستاهای اولیه؛

* شهرنشینی.

در دوران جمع آوری غذا، اجتماعات انسانی برای به دست آوردن آن دائماً در فعالیت بوده اند. می توان گفت که دوران جمع آوری غذا مقارن با دوران پارینه سنگی و میان سنگی بوده است. در دوران تولید غذا، ذخیره کردن آن در بین مردم رواج یافته است. دوران تولید غذا برابر با دوران نوسنگی تا ذوب مس و دوران شهرنشینی، پس از آن را در بر می گیرد (محمودیان، ۱۴۰۰: ۳۱).

دوران کوه نشینی: به دورانی از زندگی انسان که در کوه ها و دره های کوهستانی و در پناهگاه سپری شده دوران کوه نشینی اطلاق شده است. در این دوران حیات انسان وابسته به طبیعت و مواهب خدادادی موجود در نواحی کوهستانی بوده است.

استقرار موقت و فصلی: در این دوران، جابه‌جایی از نقطه‌ای به نقطه دیگر برای تأمین مایحتاج زندگی روزمره اتفاق افتاده است.

دشت نشینی: به دورانی اطلاق می‌شود که انسان بعد از گذر از دوران کوه‌نشینی وارد دشت شده و در کنار منابع آب مرحله استقرار یک‌جانشینی را تجربه کرده است.

دوران استقرار کامل در روستاها: دورانی است که استقرار اجتماعات انسانی در یک محل مشخص صورت پذیرفته است. ایجاد سکونتگاه‌های کوچک در دشت‌های میانکوهی زاگرس و دشت‌های حاشیه‌ای این منطقه از فلات ایران متعلق به این دوران قلمداد می‌گردد. کاوش‌های باستان‌شناسی در دشت مهران و نواحی موسیان دهلران در بخش غربی زاگرس و نیز مناطق حاشیه رودخانه سیمره و شعبات آن بویژه در منطقه هلیلان از یافته‌های این دوران می‌باشد.

پارینه‌سنگی جدید (دوره میانی): در منطقه‌ی هلیلان غارهای متعددی از این دوران برجای مانده که از منظر تحقیقات دوران غارنشینی دارای اهمیت می‌باشد. آثار تپه‌های دره‌ی هلیلان به نظر باستان‌شناسان مربوط به «پارینه‌سنگی میانه» است که این دوره حدود ۱۰۰ هزار سال پیش آغاز شده است. براساس اطلاعات به دست آمده، پروفوسور مورتن سن^{۱۲} هفت محل باستانی در محل پل باریک هلیلان شناسایی کرده که به یکی از دوره‌های پارینه‌سنگی میانه مربوط می‌شود؛ ولی غارهای باستانی دره‌ی هلیلان مربوط به دوره‌ی زارزیان از دوران پارینه‌سنگی جدید است که حدود ۵۰ هزار سال قدمت برای آن‌ها تخمین زده شده است (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۷۳: ۱۴۷). دره‌ی هلیلان در کنار رود سیمره قرار دارد و هفت غار در آنجا شناسایی شده است. غارهای مرتاریک، مرآفتاب، مردودر، دو غار، پناهگاه سنگی و بقیه غارهای باز هستند و

^{۱۲} - Morten Sen

نزدیک «پال باریک» قرار دارند. پدرومورتسن غارهای درمر و مرروس^{۱۳} هلیلان را مورد کاوش قرار داد و موفق به آثار دوره‌ی پارینه‌سنگی قدیم و نوسنگی گردیده است (مورتسن، ۱۹۷۴). پل باریک واقع در دشت هلیلان که در آن تعدادی تبر دستی کوچک در سطح زمین همراه با قطعات شکسته ادوات سنگی به دست آمده‌اند نیز مربوط به اجتماعات این دوره هستند. همچنین محل‌های باستانی دیگری مربوط به دوره‌ی پارینه‌سنگی میانه (مسترین) و جدید (زارزین) در دشت هلیلان شامل غار مراو و مرگرگه‌لان توسط هیأت باستان‌شناسی دانمارکی به سرپرستی پدر مورتسن کشف گردیده است. در دوره‌ی پارینه‌سنگی نگاره‌ها بر روی دیواره‌ی غارها کمیاب هستند. این نقش‌ها در برگیرنده‌ی جانورانی مانند گربه‌سانان می‌باشند. همچنین در دوره‌های میان‌سنگی و نوسنگی این نقش‌ها در برگیرنده‌ی جانورانی چون بز کوهی، میش کوهی و پرندگان نظیر کبک و عقاب است. در غارهای دشت هلیلان چون غار مراو، درمر و مرروس نقش‌هایی از قبیل بز کوهی و پرندگان بر روی دیواره‌ی آنها وجود دارد و قدمت آن از ۱۵/۰۰۰ سال تا ۱۰/۰۰۰ سال پیش گاهنگاری شده است (محمودیان، ۱۴۰۰: ۴۳).

عصر سنگ در دره‌ی هلیلان

در محوطه‌های مورد مطالعه‌ی عصر پارینه‌سنگی قدیم و میانی در این دیار، آثار حیات فرهنگی انسان یا به عبارتی انسان ابزارساز از حدود یک‌صدهزار سال تا دویست هزار سال پیش نظیر تبرهای سنگی، ساطوری، وسایل شکار و موارد مشابه دیگر یافت گردیده است که با پیشرفت شیوه‌های تولید و توزیع محصول و نظام یک‌جانشینی در

^{۱۳} - پدر مورتسن، مقاله، بررسی آثار پیش از تاریخ دشت هلیلان ۱۹۷۴ میلادی، ترجمه دکتر سجاد علی بیگی، ۱۳۸۸

مرز ۵۰/۰۰۰ سال پیش، یعنی همان دورانی که با نام انسان «پیته کانتروپ»^{۱۴} مشهور است و مقارن با فرهنگ‌های محوطه غارهای بیستون و دره‌ی خرم‌آباد می‌باشد، به دست آمده است. از آثار عصر سنگ مربوط به دوره‌ی پارینه‌سنگی قدیم ابزارهای سنگی، نظیر ساطورهای دست‌ساز از محوطه‌های تاریخی مروس، غار درمر و مراو در دره‌ی هلیلان به دست آمده است. باستان‌شناسان این دوره را مربوط به فرهنگ «آشولین»^{۱۵} می‌دانند (ملک شه میرزادی، ۱۳۷۸: ۲۰۶).^{۱۶}

در دوره‌های بعد از فرهنگ آشولین نیز در غارها و پناهگاه‌های سنگی دشت هلیلان شواهدی از تداوم تحولات فرهنگی طولانی دوران سنگ (میان‌سنگی و نوسنگی) مشاهده گردیده است. در هر صورت وجود نمونه‌های بیشماری از تیغه‌های سنگی فرهنگی عصر معروف به صنایع سنگ در این حوزه‌ی تمدنی دلیل محکمی بر گسترش و رشد فزاینده‌ی فرهنگی و پیشرفت نظام استقرار و یک‌جانشینی در دهکده‌ها و شهرنشینی در دشت هلیلان می‌باشد.

^{۱۴}Peete Kantroop

^{۱۵}Acheulean

^{۱۶} - ملک شه میرزادی، صادق، ایران باستان، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.



ابزارهای سنگی به دست آمده از ناحیه سیمره در دره‌ی هلیلان

یافته های باستان شناسی غار مرو

غار مرو: مرو بزرگترین غار در دره‌ی هلیلان است. این غار در شمال کهره قرار دارد و دارای ۶۰ متر پهنا و ۳۰ متر عمق بوده و چشمه و جوبی در دیواره‌ی داخلی آن قرار دارد. این غار توسط پدر مورتنسن باستان‌شناس دانمارکی در سال ۱۳۴۱ مورد بررسی و کاوش قرار گرفت. آثار بدست آمده از این غار شامل تیغه‌های سنگی، ابزار سنگی، ساطورهای سنگی و سفال‌های شوش A و B مربوط به دوران پارینه‌سنگی و نوسنگی می‌باشد. این شواهد نشان می‌دهد که این غار یکی از محل‌های استقرار اولیه انسان در این ناحیه از سیمره بوده است.

کشف ابزار های سنگی متعلق به فعالیت های کشاورزی

از آثار بدست آمده در داخل این غار باید از قطعات سفال‌های دوره‌ی نوسنگی، هاون‌های سنگی و همچنین یک داس سنگی نام برد. کشف داس سنگی در این منطقه

از فعالیت های انسان در بخش کشاورزی و اهلی کردن دانه ها برای تامین غذای مطمئن خبر می دهد. این یافته باستان شناسی نشان می دهد که ساکنان این غار در اوایل هزاره پنجم قبل از میلاد علاوه بر شبانی به درو گندم و جو خودرو در دره هلیلان در حاشیه رود تاریخی سیمره می پرداختند. نکته جالب توجه این است که ترکیب تکه سفال های نوسنگی به دست آمده از غار مراو، دست آس ها و تیغه های داسی شکل نشان می دهد که دره های کوچک ۴-۵ کیلومتری از نزدیک ترین روستا احتمالاً تا اوایل هزاره ششم برای برداشت فصلی یا جایگاهی کوچک برای جو و گندم به کار می رفته است. ابداع زراعت مرحله مهمی از تاریخ ترقی آدمی است، زیرا کشاورزی حتی در سطح ابتدایی و پایین خود، در فرهنگ مادی و اجتماعی انسان تأثیری بسیار نهاده است. با پرورش گیاهان و اهلی کردن حیوانات، بعد جدید و وسیعی برای تکامل فرهنگی جوامع ایجاد شد (فرزنده، ۱۳۸۴: ۳۶). بررسی های تاریخی نشان می دهد "سکنه بدوی بین النهرین که کشاورزی پیشرفته داشتند از همان نژاد و منشأ سکنه فلات ایران می باشند". وی همچنین معتقد است که غلات به خصوص گندم و جو از ایران به اروپا و مصر برده شده است (فاضلی پور ۱۳۸۰: ۲۹). گروهی از باستان شناسان نتیجه کاوش های خود را در سال ۱۹۶۶ چنین توصیف کردند که در ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد در ناحیه جارمو (ژارمو)، در شمال شرقی عراق کنونی تا دره های حاصلخیز زاگرس و حوالی کرمانشاه و ناحیه خوزستان اجتماعات کوچکی در دهکده های محدود، گردهم زندگی می کردند که حرفه آنها فقط شکار و خوردن میوه درختان نمی شد، بلکه محصولات غذایی خود را انبار می کردند (فاضلی پور، ۱۳۸۰: ۳۱).

بررسی‌های باستان‌شناسی نشان داده که مردمان ساکن دره هلیلان پس از گذراندن دوران اولیه استقرار و آشنائی با کشاورزی دیم به مرحله کشاورزی آبی نزدیک و به اهلی نمودن گاو، گوسفند، بز و اسب پرداخته‌اند که در تاریخ انقلاب کشاورزی و دامپروری بشر نقش کلیدی داشته است. کشف نمونه‌های متعددی از تیغه‌های سنگی و ابزارهای فرهنگی عصر معروف به «صنایع سنگ» در سایت‌های باستانی این حوزه تمدنی، دلیل محکمی برگسترش و رشد فزاینده فرهنگی و توسعه نظام استقرار یک‌جانشینی در دهکده‌ها و مکان‌های استقراری این ناحیه از ایران می‌باشد.

سراورل استین، هلیلان را در سال ۱۹۳۶ میلادی مورد بررسی قرار داده است. وی تپه‌های کزآباد، حرحمام و چشمه‌ماهی را شناسایی کرده و علاوه بر آن، آثار تپه کزآباد را نیز حفاری نموده است. هدف وی از این حفاری به دست آوردن آثاری از دوره مفرغ در لرستان بوده است (کریمی، ۱۳۲۹: ۱۳۳-۱۳۱؛ واندربرگ، ۱۳۴۵: ۲۵۴-۲۵۶، ۱۹۴۰-۱۹۴۴، Stein). یورگن ملدگارد^{۱۷}، در سال ۱۹۶۲ به عنوان سرپرست هیئت دانمارکی تپه گوران را در هلیلان شناسایی نمود. در سال ۱۹۶۳ میلادی «پدر مورتسن» تپه گوران را حفاری کرد (ملک شهمیرزادی، ۱۳۷۸: ۲۶۱). «کلرگاف‌مید» بین سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۶۳ منطقه هلیلان را بررسی نمود و چند محوطه باستانی را شناسایی کرد. مورتسن طی سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ به صورتی گسترده منطقه هلیلان را بررسی کرد. او موفق شد ۱۶۱ محوطه باستانی را طی دو فصل شناسایی کند. (Mortensen, ۱۹۷۴: ۲۸, ۲۹; Mortensen, ۱۹۷۳: ۳۷; Mortensen, ۱۹۷۶: ۴۶-۴۸)

^{۱۷} - Jorgen Meldgard



ابزارهای سنگی مرگرگه لان سراب کهره، ۱۹۷۳ م.

کشاوری اولیه در دشت موسیان

دهلران از جمله شهرستان‌های استان ایلام است که در جنوب غربی این استان واقع شده و به جلگه خوزستان متصل است. دو رود مهم میمه در غرب و دویرج در شرق، دشت حاصلخیز دهلران را در میان گرفته‌اند. از جمله بخش‌های مهم این شهرستان، موسیان می‌باشد که از نظر تاریخی و باستان‌شناسی به دلیل وجود تپه‌های باستانی دارای اهمیت می‌باشد. تپه علی‌کش از جمله آثار این بخش است که حدود چهار متر از زمین‌های اطراف ارتفاع دارد و قطر آن ۱۳۵ متر است. در سال ۱۹۰۳ م. ژاک دومورگان در رأس یک هیئت فرانسوی تپه علی‌کش را مورد بررسی قرار داده است. او ضمن یک گمانه آزمایشی قدمت این تپه را ۷۵۰۰ تا ۶۷۵۰ قبل از میلاد اعلام کرد. تپه علی‌کش در کنار رود میمه واقع شده و در سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۵۹ یک فصل حفاری در این تپه صورت گرفته است (ملک شهمیرزادی، ۱۳۷۳: ۱۲۸). آثاری که در این تپه به دست آمده، مربوط به دوره نوسنگی است. یافته‌های باستان‌شناسی، هفت دوره فرهنگی را برای تپه علی‌کش ارائه نموده است که دوره‌های بزمرده، علی‌کش و

محمدجعفر، قدیمی‌ترین دوره‌های فرهنگی است. در دوره بزمرد از ابزارهای سنگی شامل سنگ‌های کوبنده، کاسه‌های سنگی، مهره‌های تزئینی و پیکرک‌های گلی حیوان در این تپه به دست آمده است. کشت غلات، رونق داشته و از غلات، گندم و جو کشت می‌شده است و از حیوانات نمونه عدس در حفاری‌های دوره علی‌کش به دست آمده است. در دوره علی‌کش از داس‌های سنگی، کاسه‌های کف تخت، بشقاب‌های کم‌عمق، استفاده شده، ضمن این که علاوه بر پیکرک‌های گلی بز، چند نمونه پیکرک گلی انسان نیز یافت شده است. قدمت این دوره براساس آزمایش‌های انجام شده از طریق کربن ۱۴ بیش از ۸ هزار سال را نشان می‌دهد. در مورد استقرار در تپه علی‌کش چنین اظهار نظر شده است که در دوره «بزمرد» نوعی استقرار فصلی وجود داشته است. در دوره علی‌کش طول مدت استقرار بیشتر شده و در دوره محمدجعفر ساکنان دهلران استقرار دائم داشته‌اند. پژوهش‌های باستان‌شناسان در منطقه موسیان اطلاعات ارزشمندی ارائه داده است. در دوره بزمرد از ابزارهای سنگی، صدف و استخوان حیوانات استفاده شده است، در دوره بعدی؛ یعنی علی‌کش ضمن استفاده از قطعات گل رسوب منطقه از ابزارهای سنگی، تیغه‌های آسیدین و ظروف سنگی استفاده می‌کردند. در این دوره ساخت پیکرک‌های گلی بز رواج داشته است. اواسط هزاره ششم قبل از میلاد، زمان ورود ساکنان به دوره شهرنشینی است. تنوع آثار به دست آمده از تپه علی‌کش ارتباطات اجتماعی ساکنان دهلران با بیشابور، فارس، نواحی غرب ایران، سیلک کاشان، جارمو در کردستان، اطراف دریاچه وان در ترکیه را نشان می‌دهد (ملک شه میرزادی، ۱۳۷۳: ۱۳۴). از جهتی دیگر ارتباط ساکنان بین‌النهرین از طریق موسیان به سمت فارس و کرمان و حوزه رودخانه هلیل رود در استان کرمان می‌تواند جهات مختلف این ارتباط را روشن نماید.

استقرار در محوطه های چگاگلان و چگاآهوان

بررسی اولیه شواهد فرهنگی نشان می دهد که این تپه ها از جمله استقرارهای پیش از تاریخ هستند که در محدوده کمربند حاشیه ای غرب ایران در شهرستان مهران واقع شده اند بررسی شواهد فرهنگی سطح این تپه ها از جمله سفالینه ها و تیغه های سنگی و ... از استقرارهای احتمالا، هزاره هفتم ق. م و آغاز نگارش می تواند اهمیت این منطقه را بیشتر نشان دهد. وجود نمونه آسبدین در چگاآهوان و گلان مقوله ارتباط این تپه ها را با دیگر مکان های استقراری پیرامونی به ویژه دهلران و بدره عراق را روشن می نماید. کاوش های مقدماتی بر روی تپه آثار و سازه های معماری متعلق به دوره های پیش از تاریخ در این منطقه را نشان می دهد. فاصله چگا گلان تا چگاگلان حدود ۱۵ کیلومتر است. بررسی برخی شواهد فرهنگی این تپه با چگاآهوان قابل مقایسه است (محمودیان، ۱۳۸۴: ۶۲-۶۶). یافته های باستان شناسی در چگا گلان نشان می دهد این منطقه از منظر کشت دانه های کشاورزی بویژه گندم، جو و عدس از قدمت کهنتری نسبت به سایر مکان های زاگرس دارد. گاهنگاری شناسه های فرهنگی گلان بر اساس آزمایش های رادیو کربن حدود ۱۱ هزار سال رانشان می دهد.



تپه چگاآهوان در دشت مهران

آئین های باستانی و فعالیت های کشاورزی

براساس یافته های باستان شناسی، بخش غربی زاگرس به دلیل موقعیت مناسب اقلیمی و میزان بارش از نظر کشت فراورده های کشاورزی از قدمت زیادی نسبت به سایر مکان ها برخوردار است. در مباحث قبلی به کشت دانه های کشاورزی در دره هلیلان برحاشیه رود سیمره و نیز دشت های حاشیه ای زاگرس در مناطق مهران و دهلران و بر حاشیه رودخانه های گاوی، میمه و دوبرج اشاره شد. در این مبحث به پدیده های طبیعی و نقش اعتقادی ساکنان این مناطق برای فعالیت های کشاورزی منطبق با فصول سال و صورت های فلکی نیز اشاره شده است. فضای سبز، اکسیژن، سالم سازی هوا و طبیعت، جذب انرژی خورشید، تولید میوه، استفاده از چوب، ذخیره و نگهداری آب و غیره. شاید بتوان گفت که اساسی ترین نقش را در حفظ محیط زیست و دادن اکسیژن به کره زمین دارد. بهمین دلیل است که ایرانیان همواره به کشت درختان سوزنی برگ مانند سرو و کاج اقدام می کردند، زیرا این درختان در فصل سرما به خواب نمی روند و در طول سال به فعالیت خود که همان اکسیژن دهی است ادامه می دهند. نماد سرو به عنوان یکی از نمادهای مهم در ایران باستان شناخته می شود. در نگاره ها و آثار باستانی مانند حجاری های دوره ی هخامنشی در تخت جمشید، نماد درخت و به طور خاص، سرو آورده شده است. بررسی های علمی نشان می دهد درختان سوزنی برگ مقاومت بیشتری در برابر سرما دارند، و به محض مساعد شدن شرایط محیطی عمل فتوسنتز را انجام می دهند (اردکانی، ۱۳۸۲: ۲۳۹).

ایرانیان باستان و پاکیزه نگه داشتن عناصر چهارگانه: آیین زرتشت به کشاورزی ارج می نهاد. چنانکه پاکیزه نگه داشتن آب، نگه داری نباتات و آباد ساختن خاک طبق دستورات اوستا و گات ها این اهمیت را نشان می دهد (فاضلی پور، ۱۳۸۰: ۳۸). توجه

ایرانیان زردشتی در پاک نگه داشتن آب، خاک، هوا و آتش زبازند یونانیان بوده است. هرودت و گزنفون در این باره قلم فرسایی کرده و نوشته اند؛ که ایرانیان هیچ چیز آلوده و کثیفی را در آب نمی ریزند و در پاک نگه داشتن خاک و زمین مراقبت می کنند (مهر، ۱۳۸۱: ۷۰).

جشن ها و عیدها: بزرگترین جشن های زرتشتیان (ایران باستان)، نوروز بود که با اعتدال ربیعی همراه است. هنگامی که خورشید روی مدار استوا قرار می گیرد و روز و شب برابر می شوند. این روز اول فروردین است. جشن مهرگان از دیگر آئین های ایرانیان است که با اعتدال پاییزی همزمان بوده است. بعد از این دو جشن، جشن های تیرگان و دیگان مهم بودند. جشن تیرگان برابر روزی است که خورشید در دورترین نقطه شمالی از استوا قرار دارد و بزرگترین روز و کوتاه ترین شب است که برابر اول تیر می باشد. جشن دیگان که خورشید در دورترین نقطه جنوبی از استوا قرار دارد و بزرگ ترین شب و کوتاه ترین روز است (مهر، ۱۳۸۱: ۱۸۳). حتی جشن کریسمس نیز بر گرفته از جشن شب یلدا (چله) است (محمودیان، ۱۴۰۰: ۶۰). از دیگر آئین های ایرانیان باستان تهیه سبزه با استفاده از دانه های گندم، جو، عدس، کنجد، شاهدانه برای سفره عید نوروز است که تا امروز همچنان استمرار دارد. ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه، ضمن گفتگو از نوروز و داستان های مربوط به پیدایش آن در باره سبزه های نوروزی نکاتی نگاشته است.

جشن نوروز: نوروز از جمله جشن های اقوام ایرانی در محدوده فرهنگ ایرانی (ایران و کشور های همجوار) است که با شکوه تمام برگزار می شود. نوروز، منطقی ترین مبدأ برای آغاز سال است. از دیدگاه نجومی، این روز مقارن با اعتدال ربیعی یعنی

هنگامی است که خورشید روی مدار استوا قرار می گیرد و روز و شب برابر است، روزی که طبیعت از خواب زمستانی بیدار می شود و زندگی نو آغاز می کند. ایرانیان در عهد کهن، سال را به دو پاره (فصل) بخش می کردند. تابستان که هفت ماه به درازا می کشید، در نخستین روز فروردین ماه آغاز و آخرین روز مهر ماه پایان می یافت. زمستان از آغاز آبان ماه شروع می شد و تا پایان اسفند به طول می انجامید. جشن سده، صدمین روز از آغاز زمستان و یا صد روز و شب (پنجاه روز و شب) به اول تابستان بود. (مهر، ۱۳۸۱: ۱۹۰).

خلاصه و نتیجه

سرزمین ایران در منطقه معتدل نیمکره شمالی کره زمین واقع شده است. این موقعیت موجب شده تا در طول دوران استقرار از شرایط لازم برای استقرار جمعیت برخوردار باشد. ناهمواری های زاگرس در بخش غربی فلات ایران واقع شده است. این ناحیه به دلیل شرایط مناسب جغرافیای به عنوان قطب عمده شکل گیری تمدن های باستانی شناخته شده است. ساکنان زاگرس و تمدن های همجوار با تلاش مستمر خود توانسته اند به تدریج با اهلی کردن دانه های کشاورزی که به صورت وحشی در کوهستان های زاگرس رویش داشته نسبت به تامین غذای خود اقدام نماید. بررسی های باستانشناسی نشان می دهد دوران یکجانشینی با تحولات چشمگیری در عرصه ایجاد پناهگاه ها و منازل مسکونی و سپس فعالیت های کشاورزی و دامپروری همراه بوده است. در این میان اعتقادات دینی و مذهبی آنان و گرایش به تحولات کیهانی و صورت های فلکی شکل گیری جشن ها و آئین های مختلف را به دنبال داشته است. بخشی از دستاورد های زندگی جوامع انسانی ساکن در بخش غربی زاگرس علاوه بر اهلی کردن دانه ها نسبت به اهلی کردن حیوانات وحشی قدم بزرگی در عرصه

دامداری برداشته اند. در این میان از مظاهر و پدیده های طبیعی و صورت های فلکی و گردش ها غافل نبوده اند. آنان با برگزاری جشن ها و آئین های مختلف حافظ طبیعت و منابع خدادادی آن بوده اند که نتایج یافته های حاصل از این پژوهش در این مقاله تدوین و ارائه شده است.

منابع

۱. اردکانی محمدرضا (۱۳۸۲)، کولوژی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۲. فاضلی پور طوبی (۱۳۸۰)، تاریخ کشاورزی در دوران ساسانیان، پژوهنده، کتابخانه ملی ایران، تهران.
۳. فروزنده کیهان (۱۳۸۴)، کولوژی انسانی، انتشارات فرهنگ پژوهان دانش، اصفهان، چاپ اول.
۴. کامبخش سیف اله (۱۳۷۴)، معبد آناهیتا کنگاور، انتشارات مرکز اطلاعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران چاپ اول آلیک.
۵. کیوان، مصطفی (۱۳۴۹)، نوروز در کردستان، سازمان چاپ تبریز، خیابان اکباتان، تهران
۶. مهر فرهنگ (۱۳۸۱)، دیدی نواز دینی کهن، چاپ دیبا، چاپ چهارم.
۷. (۱۳۸۲)، گزارش شناسایی و مستندسازی آثار حوزه ی شمالی استان ایلام: میراث فرهنگی و گردشگری.
۸. (۱۳۹۰)، گزارش شناسایی و مستندسازی آثار شهرستان چرداول، هلیلان و زردلان: میراث فرهنگی و گردشگری.
۹. ملک شهمیرزادی، صادق (۱۳۷۳). مبانی باستان شناسی ایران، بین النهرین، مصر، تهران: جهاد دانشگاهی.
۱۰. واندنبرگ، لویی (۱۳۵۰)، مجله ی باستان شناسی و هنر ایران، شماره ی ششم: وزارت فرهنگ و هنر.
۱۱. واندنبرگ (۱۳۴۸)، باستان شناس ایران باستان، ترجمه ی عیسی بهنام: دانشگاه تهران.

۱۲. کریمی، بهمن میرزا (۱۳۴۷)، لرستان پیشکوه و پشتکوه و آثار باستانی آن. تهران: مجله‌ی بررسی‌های تاریخی، سال سوم شماره‌ی ۲.
۱۳. گیرشمن، رومن (۱۳۶۲)، ایران از آغاز تا اسلام ترجمه‌ی محمد معین، چاپ دهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۴. مورتسن، پدر؛ (۱۹۷۴)، مقاله، بررسی و تعمق در دره هلیلان، ترجمه‌ی حبیب اله محمودیان، چاپ نشده.
۱۵. مورتسن، پدر، ۱۳۸۸، مقاله، بررسی آثار پیش از تاریخ دشت هلیلان ترجمه دکتر سجاد علی بیگی،
۱۶. ملک شهمیرزادی، صادق؛ (۱۳۷۳-۶)، مبانی باستان شناسی ایران، بین النهرین، مصر، جهاد دانشگاهی، تهران.
۱۷. _____؛ (۱۳۶۵)، جزوه درس باستان‌شناسی پیش از تاریخ ایران از آغاز تا پایان دوره استقرار در روستاها.
۱۸. _____؛ (۱۳۷۸)، «ایران در پیش از تاریخ، باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی»؛ چاپ دوم، ۱۳۸۲؛ تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۹. محمودیان، حبیب‌اله؛ (۱۴۰۰)، آئین ایرانی شب یلدا (چله)، نشر زاگرو، ایران.
۲۰. _____؛ (۱۳۸۲)، گزارش شناسایی و مستند سازی آثار شهرستان مهران، میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.
۲۱. _____؛ (۱۳۸۲)، گزارش فاز اول تعیین حریم تپه‌ی چگا آهوان مهران، میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.
۲۲. _____؛ (۱۳۷۷)، گزارش شناسایی و مستند سازی آثار شهرستان سیروان، میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.
۲۳. _____؛ (۱۳۸۹)، بررسی و شناسایی باستان شناسی شهرستان چرداول، حوزه هلیلان، میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.

- ۲۴.....(۱۴۰۰)، جغرافیای تاریخی و باستانشناختی شهرستان چوار، نشر زاگرو، ایران.
- ۲۵.....(۱۴۰۰)، جغرافیای تاریخی و باستانشناختی شهرستان هلیلان، نشر زاگرو، ایران.
- ۲۶.....(۱۳۹۸)، ایلام باستان (باستان شناسی و تاریخ)، نشر زاگرو، ایران.
- ۲۷.....(۱۴۰۱)، جغرافیای تاریخی و باستانشناختی شهرستان مهران، نشر زاگرو، ایران.
- ۲۸.....(۱۴۰۱)، جغرافیای تاریخی و باستانشناختی شهرستان دهلران، نشر زاگرو، ایران.
۲۹. کالمایر، پیتر؛ (۱۳۷۶)، مفرغ‌های قابل تاریخ گذاری لرستان و کرمانشاه، ترجمه محمد عاصمی، سازمان میراث فرهنگی کشور.
۳۰. کوچکی، رشید؛ (۱۳۹۸)، هلیلان درگذر تاریخ، چاپ دوم، ایلام: نشر زاگرو
۳۱. لارو، جرالده (۲۰۰۵)، کتاب مقدس (شامل عهد عتیق و عهد جدید)؛ ترجمه اصغر رستگار، چاپ چهارم، انتشارات ایلام.

پژوهشی در نام جای شیروان در منابع تاریخی و جغرافیایی

دکتر علی نوراللهی^{۱۸}

چکیده:

شیروان نام ویرانه های یک شهر تاریخی در ایالت جبال در دوره ساسانی و اسلامی می باشد. نام شیروان در منابع گوناگون تاریخی به صورت های مختلفی از جمله شیروان، سیروان، السیروان آمده است. در این منابع هیچگاه از شیروان و سیروان به صورت منطقه نام نبرده اند بلکه از آن به عنوان شهر تخت نشین، استان ماه سبدان یا ماسبدان یاد شده است. ولی به علت معروفیت در نزد ساکنان بدره و دشتی که ویرانه های این شهر در حاشیه آن بنا شده بود نیز تعمیم یافت. تا سال ۱۳۹۱ این شهرستان به عنوان بخشی از شهرستان شیروان چرداول به حساب می آمد اما به علل اداری و همچنین رسیدگی بهتر به مشکلات اهالی از چرداول جدا گردید و شهرستان سیروان نامگذاری گردید. در این نوشتار به بررسی واژه شیروان در منابع و نقشه های تاریخی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: جبال، ماه سبدان، شیروان، سیروان، قصرانوشیروان.

مقدمه: در طی یک سده اخیر موجی از تغییر نام شهرها و مناطق در کشور آغاز شده، متأسفانه در طی این فرایند که بیشتر تحت تاثیر جریان روز و دستوری است کمتر به مسائل تاریخی، اتنیکی و جغرافیایی توجه می شود و دیدگاه آگاهان و متخصصین در این امر دخالت داده نمی شود. بنابر این بیشتر این نامگذاری های نه تنها اثر گذار نبوده، بلکه سبب شکاف در آگاهی تاریخی و منطقه ای و غیره شده است. یکی از

^{۱۸} - باستان شناس و پژوهشگر مستقل

موارد نام جای «شیروان» تحت نشین استان ماسبدان ایالت جبال که یکی از مناطق تاریخی در قلب زاگرس مرکزی است و تغییر آن به «سیروان» که به نظر می رسد بنیانی فرهنگی و حتی زبانی و تاریخی ندارد، زیرا واژه «سیروان» معرب «شیروان» است که برخی از مورخان و جغرافی نویسان عرب چون تلفظ آن را به خوبی نمی توانستند دریابند به سیروان تغییر داده اند و متاسفانه در انتخاب و نامگزینی آن متولیان بدون توجه و آگاهی از این موضوع آن را مدنظر داشته اند، دیگر اینکه نام شیروان در اصل به ویرانه های شهر باستانی که امروزه دو روستای کلان و گوراب بر روی آن بنا شده اند اطلاق می شده و به علت معروفیت این شهر از گذشته های دور، مردم منطقه و مناطق همجوار این نام را برای سراسر منطقه به کار برده اند.

جبال: جبال، در عربی، جمع جبل «کوه»، اصطلاحی جغرافیایی است که در اوایل دوران اسلامی برای بخش غربی ایران استفاده می شد و تقریباً با ماد باستان مطابقت دارد. نام خود را از پست و کوهستانی ناهمواری های فلات گرفته است که مانند آن بخش مرکزی رشته کوه زاگرس شامل نواحی کردستان و لرستان، بین رودخانه سفیدرود و سلسله البرز در شمال و نواحی پست خوزستان را در بر می گیرد. در جنوب، در حالی که محدوده های غربی آن منطقه ای بود که سلسله زاگرس به دشت بین النهرین و بخش های شرقی آن با حاشیه های کویر بزرگ مرکزی (دشت کویر) می رسید. در جغرافیای اداری اوایل دوره اسلامی، مرزهای آن تا حدی نامشخص و در نوسان بود، اما اغلب با شهر ری در منتهی الیه شمال شرقی خود پیوند داشت و ورودی این راه به جبال در منتهی غرب آن، حلوان بود یعنی نقطه ای تقریباً در نیمه راه در امتداد شاهراه بزرگ عراق-خراسان مشخص می کرد. در این زمان جبال شامل شش

مرکز شهری مهم، دینور قرمیسین، قرماسین (کرمانشاه متأخر)؛ همدان؛ قزوین؛ اصفهان؛ ری، شیروان و سیمره بود (Bosworth, ۲۰۰۸) (شکل ۱).

اعراب خیلی زود پس از تسلط بر عراق به سوی نواحی جبال پیشروی کردند، به طوری که تصرف منطقه اساساً در بخش پایانی خلافت عمر بن خطاب و سالهای اولیه خلافت عثمان صورت گرفت. دینور در ۶۴۲ م. ۲۱/هـ؛ قرمیسین، پس از تصرف حلوان در سال ۶۴۰ م. ۱۶/هـ؛ همدان در سال ۶۳۹ یا ۶۴۱، سپس به طور قطعی در ۶۴۴-۶۴۵؛ اصفهان، در سال ۶۴۲ یا ۶۴۴ م. ۲۱/هـ؛ قزوین، در ۶۴۴-۶۴۵؛ و ری، در تاریخی که بین ۶۳۹ و ۶۴۵ ذکر شده است (بلاذری، ص ۳۰۱-۳۰۲، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۹، ۳۲۱-۳۲۵؛ طبری، جلد اول، ص ۲۶۳۷-۲۶۵۰، ۲۶۵۳-۲۶۵۵).

شهرهای دینور و نهاوند که هر دو بلافاصله پس از پیروزی در جنگ نهاوند در سال ۶۴۲ م. ۲۱/هـ توسط اعراب اشغال شدند، این دو شهر در این دوره بعنوان پایگاههایی مهم در پیشرفت و گسترش پیروزی های اعراب در غرب ایران اهمیت ویژه ای داشتند. آنها سرانجام به ترتیب به ماه الکوفه و ماه البصره معروف شدند و درآمد آنها به نگهداری جنگجویان عرب (مقاتله) برای لشکرکشی به سمت شمال به سمت قفقاز و در سراسر فلات ایران به سمت خراسان اختصاص یافت (رجوع کنید به M. G. Morony، در پیچیدگی های این فرآیند؛ اصطلاح «ماه» احتمالاً از نام مد[مد]، یعنی تغییر شکل نام مدیا[ماد] نشأت می گیرد). در شهرهای فتح شده شهرهای عربی تاسیس و ساخته شد، به طوری که اعراب به یک عنصر دائمی جمعیت در آنجا تبدیل شدند، و سران عرب املاک روستاییان را مصادره کردند (لسترنج، ۱۳۶۷).

در اوایل قرن یازدهم م.، دوره غزنویان و سلجوقیان، اصطلاح قدیمی تر «جبال» با واژه «عراق عجم» «عراق ایرانیان» جایگزین شد و از «عراق عرب» «عراق» بود. «اعراب»

یعنی بین النهرین؛ مورخ دوره غزنوی، ابوالفضل بیهقی همیشه از عراق [عجم] برای غرب ایران استفاده کرده است. شهاب الدین یاقوت حموی مدخل مختصری به «جبال» اختصاص داده است (یاقوت ۱۹۵۵، جلد دوم، ۹۹)، اما پس از حمله مغول، استفاده از اصطلاح جبال منسوخ شد. بنابراین حمد الله مستوفی جغرافیدان (اواسط قرن چهاردهم) هیچ جا از آن استفاده نکرد (لسترنج، ۱۳۶۷). اصطلاح «عراق عجم» اکنون در ایران امروزی کاملاً منسوخ شده است، اما نام جایگزین شهر سلطان آباد، اراک کنونی، از «عراق» عجم قرون میانه (قرن ۴-۶ هجری) نشأت می‌گیرد (رجوع کنید به، Bosworth, p۸۵۹) (شکل ۲-۴).

شیروان

شیروان در گفتار عامه به منطقه ای اطلاق می‌شود که شامل دهستان زنگوان، دهستان لومار و دهستان رودبار می‌باشد. با گسترش روستای لومار و ارتقاء آن به شهر به مرکز این شهرستان تبدیل شد. اما نام شیروان در اصل خرابه های مدفون در زیر روستای سراب کلان و گوراب گرفته شده است. بعدها به کل منطقه تعمیم یافته است. روستای سراب کلان از توابع بخش لومار شهرستان شیروان و چرداول استان ایلام، با مختصات جغرافیایی ۴۶ درجه و ۴۳ دقیقه طول شرقی و ۳۳ درجه و ۳۴ دقیقه عرض شمالی، در ۱۲ کیلومتری جنوب غربی شهر لومار و ۵۵ کیلومتری شمال شرقی شهر ایلام قرار دارد.

این روستا از جنوب به کوه سیوان و از شمال شرقی به تپه کلاه کلان محدود می‌شود. ارتفاع روستای سراب کلان از سطح دریا در حدود ۹۷۰ متر است و آب و هوای آن در فصول بهار و تابستان، معتدل و در پاییز و زمستان، سرد است. جمعیت روستای سراب کلان براساس آخرین اطلاعات در سال ۱۳۸۵، به تعداد ۱۸۶۰ نفر اعلام شده

است. اقتصاد روستا بر پایه فعالیت‌های زراعی، دامداری، باغداری، خدمات و صنایع دستی استوار است؛ زراعت آبی و دیم در روستا رواج دارد و عمده‌ترین محصولات آن، گندم و برنج می‌باشد.

فرآورده‌های دامی روستا شامل انواع لبنیات و روغن حیوانی است. خاک حاصلخیز و آب و هوای مناسب موجب رونق باغداری در این روستا شده است. روستای سراب کلان بر روی تپه استقرار یافته و بافت مسکونی متراکمی دارد.

خانه‌های روستاییان عموماً یک طبقه و به هم چسبیده‌اند. به دلیل به هم فشردگی و محدودیت فضا، کاربردهای منازل روستاییان بسیار متنوع و گوناگون است. مصالح مورد استفاده در ساخت خانه‌های روستا، عمدتاً از نوع آجر، خشت، سنگ و گل می‌باشد. سقف خانه‌ها با تیرهای چوبی درخت بلوط و اندودی از کاهگل پوشیده شده است. پوشش گیاهی شامل درخت بلوط، انجیر کوهی، ون (پسته وحشی)، آفرا و انواع گیاهان می‌باشد (شکل ۳ و شکل ۴).

آب و هوا

شرایط اقلیمی، زمین‌های حاصلخیز و قابل آبیاری وجود مراتع و چراگاه و کوه‌های مرتفع و رودخانه‌های پر آب از جمله رودخانه شیروان و سراب کلان در شکل‌گیری استقرارها و در جذب جمعیت‌های مناطق همجوار موثر بوده است.

جغرافی نویسان مسلمان که از این شهر دیدن کرده‌اند درباره شرایط آب و هوایی و محصولات کشاورزی که در این منطقه به دست می‌آمده مطالبی ذکر نموده‌اند، اصطخری می‌نویسد: صیمره (صیمره) و شیروان دو شهر کوچک هستند،... در آن جوز (گردو) و لیمو دیده می‌شود و همه میوه‌های گرمسیری و سردسیری در آن

وجود دارد. آب فراوان و درختانش سر سبز و جوی هائی درون باغ ها و منازل جاری است (کامبخش فرد، ۶۲: ۱۳۶۸).

یاقوت در البلدان از محصولاتى که در این منطقه بعمل می آمده، مانند نخل، گردو، زیتون و میوه‌های که در دشت و کوه بدست می آیند، نام برده است. ابن حوقل میگوید: در این شهر مانند موصل، میوه فراوان و بادام، دستنبو داشته و محصولات سردسیری و گرمسیری و نخيلات وجود داشته است. قزوینی از معادن گوگرد و زاج و بوره و نمک ماسبدان گفتگو کرده است (لسترنج، ۲۱۸: ۱۳۶۷). یعقوبی می نویسد: در جلگه ای باصفا و دارای چشمه و جویبار است که از شهر بیرون می آید و مزارع را سیراب می کند (یعقوبی ۱۳۸۲) (شکل ۵-۸).

شیروان از دیدگاه سیاحان، جغرافی نویسان عرب و باستان شناسان

مؤلف کتاب جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی می نویسد: در باختر لر کوچک در مرز باختری دو ولایت ماه سبدان و مهرجان قذق قرار دارد که مهمترین آنها شیروان و سیمره بوده و هنوز خرابه های آن دو شهر باقی است. ماه سبدان (ماه سبدان) امروزه به ناحیه ای گفته می شود که در جنوب صحرای مایدشت (ماهیدشت) واقع است (شکل ۲). شیروان (یا السیروان) به گفته ابن حوقل شهری کوچک و غالب ابنیه اش از گچ و سنگ بوده است (لسترنج، ۲۱۸: ۱۳۶۷). بلاذری در فتوح البلدان گوید: ابو موسی خود به ماسبدان شد. اهل آن با وی جنگی نکردند. مصالح این شهر از گچ و سنگ است، متعلق به دوره ساسانیان و عیناً نظیر دره شهر است. شیروان شهری عجیب و حالیه خرابه هایی از آن به جای مانده است (بلاذری، ۴۳۳: ۱۳۶۷). شیروان در سال ۲۱ هجری به تصرف لشکریان ابو موسی در می آید. شرح این رویداد در کتاب کامل ابن الاثیر ثبت شده است (ابن الاثیر، ۲۱۷: ۱۳۶۵). از جمله کسانی که در

مورد شیروان اظهار نظر کرده اند می توان از دینوری (۱۳۷۱)، مقدسی (۱۳۶۱)، ابن خردادبه (۱۳۷۱)، ابن فقیه (۱۳۴۹)، ابو دلف (۶۴-۶۳:۱۳۵۴)، مسعودی (۱۳۸۲)، یاقوت (۲۵۳۶)، اصطخری (۱۳۴۰)، یعقوبی (۱۳۵۶) و ابن الاثیر (۱۳۸۳) نام برد. مقدسی (۱۳۶۱) شیروان را شهر معتبر معرفی کرده است. ابن خردادبه می نویسد: پایتخت ماه سبذان شهر شیروان بوده است. ابن فقیه (۱۳۴۹) گوید: قباد پادشاه ساسانی حکما و اطبا به این شهر آورد. مولف حدود العالم (۱۳۶۲) شیروان را شهری آباد و خرم معرفی کرده است. به نوشته ابن حوقل (۱۳۴۵): شیروان شهری است کوچک که بناهای آن مانند شهرهای موصل و تکریت با سنگ و گچ ساخته شده است.

ماه سبذان یکی از مراکز خرم دینان (و از شهرهای هم پیمان) در مقابله و شورش علیه خلفای عباسی بود که در این شورش آنان سپاه عباسی را در گذرگاههای کوهستانی محاصره و در هم می شکستند که مسعودی، دینوری و خطیب بغدادی به آن اشاره کرده اند (طقوش، ۱۵۶:۱۳۸۳). راولینسون می نویسد: خرابه های شیروان کاملترین بازمانده یک شهر ساسانی به شمار می آید دیوار منازل عموماً عظیم و از سنگ و ملاط آهکی فوق العاده محکم که از کوه های مجاور آورده شده ساخته شده است. تمام منازل زیر زمینی دارند که آن هم شامل اطاق های هلالی مانند است در میان خرابه های شیروان بازمانده بنای عظیم موسوم به قصر انوشیروان مشاهده می شود (راولینسون، ۱۳۶۲). دومورگان گوید: من فکر می کنم در تپه و تل شیروان و ... خرابه های شهری از عهد ساسانیان را باز یافته ام وی علت اولیه تاسیس شهر شیروان را چشمه پر آبی دانسته که در این محل جاری است و در اطراف این چشمه است که اولین بناها بر پا شده اند و اکنون این چشمه به نام سراب کلان موسوم است. لازم به یاد آوری است که دومورگان در فاصله سالهای ۱۸۹۳-۱۸۹۶ میلادی دره شهر و شیروان

را بررسی کرده است (دمرگان، ۱۳۳۹). تغییر نام شیروان به شیروان و تشکیل شهرستانی جدید به همین نام در ۱۵ مهرماه ۱۳۹۱ توسط هیئت وزیران تصویب و ابلاغ شد. مرکز این شهرستان شهر لومار است و شامل ۲ بخش و ۴ دهستان است. این شهرستان از بخش چرداول جدا گردید در مجموع شامل بخش مرکزی با توابع دهستان لومار و دهستان رودبار، و بخش کارزان با توابع دهستان کارزان و دهستان زنگوان که با لهجه کلهری تکلم می‌کنند. از ایل‌های بزرگ کرد مانند خزل، کلهر، زنگنه، سیه سیه و ... تشکیل شده‌اند (شکل ۹-۱۰).

شیروان یا سیروان

در ابتدا لازم به یاد آوری است، نام «سیروان» معرب «شیروان» است. که این واژه یعنی شیروان از نام بنیان‌گذار یا توسعه‌دهنده این شهر یعنی خسرو انوشیروان شاهنشاه ساسانی گرفته گرفته شده است. در این دوره خسرو انوشیروان دست به اصلاحات زیادی زد و بسیاری از شهرها دوباره ساخته شدند و شهرهای جدیدی پایه‌گذاری گردید. بر اساس سنت‌های دوره ساسانی این شهرها با نام شاه‌نامگذاری می‌شدند، چنانچه این موضوع در مورد اردشیر خوره، داراب گرد، گندی شاپور، بیشاپور، نیشاپور و غیره پیشتر انجام شده بود. هرچند در منابع تاریخی چون طبری و ابن‌اثیر و غیره که به زبان عربی نگاشته شده‌اند صورت عربی واژه و نام «شیروان» یعنی «السیروان» آورده‌اند که طبیعی است. اما مترجمان این آثار بدون توجه به شکل اولیه و اصیل این نام آن را به شیروان ترجمه کرده‌اند. قدیمی‌ترین کتابی که در متن و نقشه‌های آن نام شیروان آورده شده کتاب الاشکال (ابوزید احمد بن سهل بلخی، ۱۳۹۶) می‌باشد. این کتاب در واقع منبع اصلی و مورد استفاده سایر مورخان و جغرافیدانان عرب بعد خود بوده است. چنانچه نقشه‌ها و نوشته‌های این کتاب به

شکل وسیعی توسط آنها مورد استفاده و استنساخ قرار گرفته است. اما برخی از آنها همان نام «شیروان» که در الاشکال ذکر شده را آورده اند و بسیاری دیگر ترجیح داده اند که معرب آن یعنی «السیروان» و «سیروان» را بیاورند. از دسته اول می توان به الادریسی استناد کرد و دسته دیگر می توان به اصطخری، ابن خردادبه، ابن حوقل و قدامه بن جعفر و دیگران نام برد. به هر روی این تغییر «ش» شین به «س» سین نه تنها در مورد شیروان بلکه در مورد اسامی دیگری نیز اتفاق افتاده است. مانند میشان که به میسان، شیرجان به سیرجان، زنگان به زنجان، وروگرد به بروگرد، گرگان به جرجان تغییر داده شده اند. این تغییرات در مورد نام های بسیاری دیگر نیز اتفاق افتاده است. نکته بغرنج اینجاست که در این نامگذاری ها متولیان امر و کسانی که دخیل هستند بدون توجه به فرهنگ رایج و متون تاریخی اقدام به نامگذاری می کنند که متأسفانه دارای تبعات فرهنگی و غیره است.

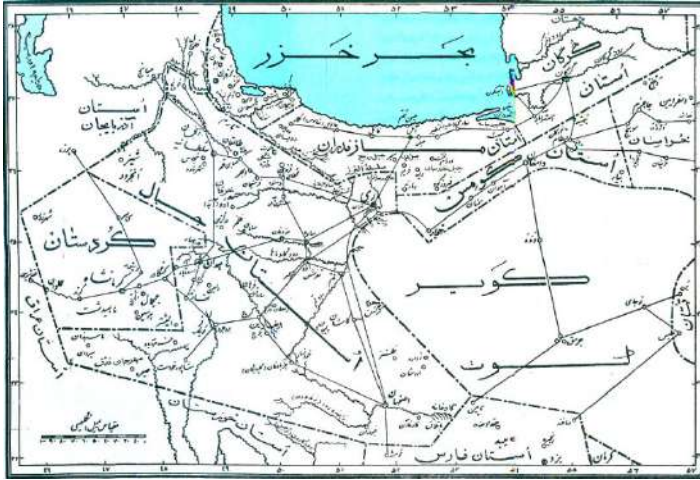
جمع بندی

نام این منطقه تا پیش از سال ۱۳۹۱ در اسناد اداری شیروان بود، که بعد از مصوبه هیات وزیران به شیروان تغییر یافت. متأسفانه این نامگذاری نه تنها براساس منابع تاریخی و مکتوب درست نیست بلکه سبب گسست این ناحیه از پیشینه تاریخی و فرهنگی آن خواهد شد. زیرا این نامگذاری بدون توجه به نام رایج در بین اهالی و همچنین منابع مکتوب جغرافیایی و تاریخی و باستانشناسی گرفته شده است. در کتاب «الاشکال» که به جرات می توان گرفت همه مورخین و جغرافی دانان مسلمان نقشه های خود را از وی اخذ کرده اند «شیروان» یعنی شکل درست آن آمده است و همچنین در کتاب «انس المهج...».

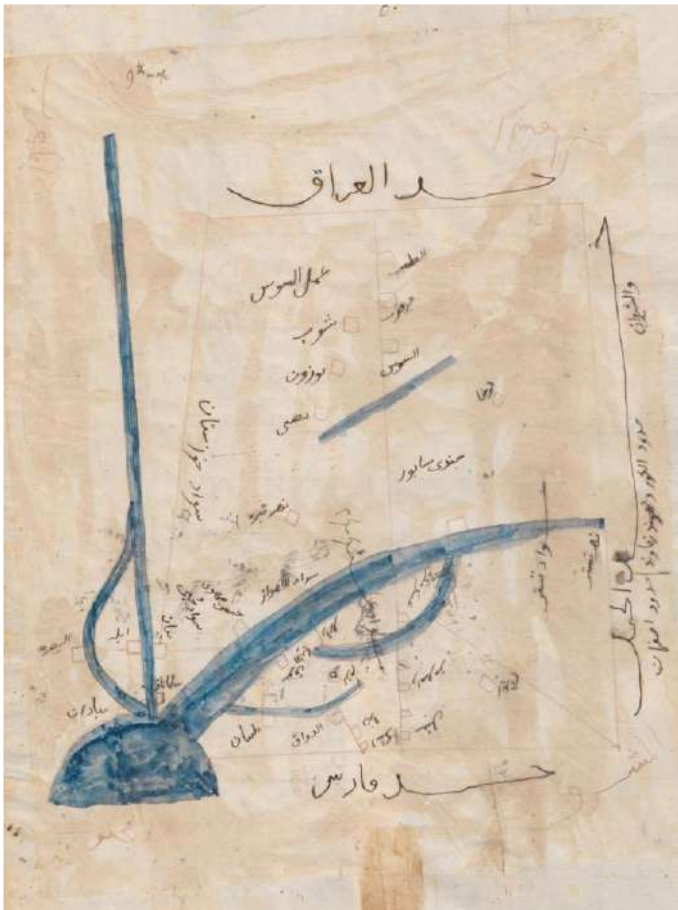
منابع

۱. ابن اثیر، ۱۳۶۵، الکامل، اخبار ایران، ترجمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران.
۲. ابودلف، ۱۳۵۴، سفرنامه ابودلف، ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی، زوار، تهران.
۳. ابوزید احمد بن سهل بلخی، ۱۳۹۶، الاشکال، به کوشش فرهاد وداد، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
۴. ابن حوقل، ۱۳۴۵، صوره الارض، ترجمه دکتر جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ، تهران.
۵. ابن الفقیه، ابو بکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی، ۱۳۴۹، ترجمه مختصر البلدان (بخش مربوط به ایران)، ترجمه ح. مسعود، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
۶. اصطخری، ابو اسحاق ابراهیم، ۱۳۴۰، المسالک و الممالک، به کوشش ایرج افشار، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۷. بلاذری، احمد، ۱۳۶۷، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، نشر نقره، تهران.
۸. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، ۱۳۷۱، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، نشر نی، تهران.
۹. دمورگان، ژاک، ۱۳۳۹، جغرافیای غرب ایران، ترجمه کاظم ودیعی، طهوری، تهران.
۱۰. راولینسون، هنری، ۱۳۶۲، سفرنامه راولینسون، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند، آگاه، تهران.
۱۱. لسترینج، گای، ۱۳۶۷، جغرافیای تاریخی خلافت سرزمین‌های شریف ترجمه محمود عرفان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۱۲. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۳، تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات اساطیر، تهران.
۱۳. طقوش، محمد سهیل، ۱۳۸۳، دولت عباسیان، ترجمه حجت‌الله جودکی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم.
۱۴. کامبخش فرد، سیف‌الله، ۱۳۶۸، دره شهر، شهرهای ایران، ج ۳، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران.

۱۵. یاقوت حموی، ۱۳۴۴، برگزیده مشترک یاقوت، ترجمه محمد پروین گنابادی، ابن سینا، تهران.
۱۶. مسعودی، علی بن الحسین، ۱۳۸۵، مروج الذهب ومعادن الجواهر، بیروت، دارالاندلس.
۱۷. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، ۱۳۶۱، احسن التقاسیم فی معرفت الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، جلد ۲، شرکت مولفان و مترجمان ایران، تهران.
۱۸. یعقوبی، ابن واضح، ۱۳۸۲، تاریخ یعقوبی، جلد ۱، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۱۹. یعقوبی، ابن واضح، ۱۳۵۶، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۲۰. یاقوت بن عبدالله، الحموی شهاب الدین ابی عبدالله، ۱۹۵۵، مُعْجَمُ الْبُلْدَانِ، دار النشر، بیروت.
۲۱. Bosworth, C. Edmund, ۲۰۰۸, Jibal, Iranica Inclopedia, Vol. XIV, Fas.c ۶, pp. ۶۱۷-۶۱۸.
۲۲. W. Barthold, *An Historical Geography of Iran*, tr. Svat Soucek, Princeton, ۱۹۸۴, pp. ۱۲۱-۳۲, ۱۶۹-۷۹, ۱۸۰-۸۳.
۲۳. M. G. Morony, "Māh al-Baṣra" in *EI*, V, pp. ۱۲۱۲-۱۳.
۲۴. Paul Schwarz, *Iran im Mittelalter nach den arabischen Geographen*, Leipzig, ۱۸۹۶-۳۵; repr., ۹ vols. in ۴, Frankfurt on the Main, ۱۹۹۳, IV, pp. ۴۴۵ ff.
۲۵. Aurel Stein, ۱۹۴۰, *Old Routes of Western Iran*, Macnillin and Co., Limited ST Martin's Street \ London.



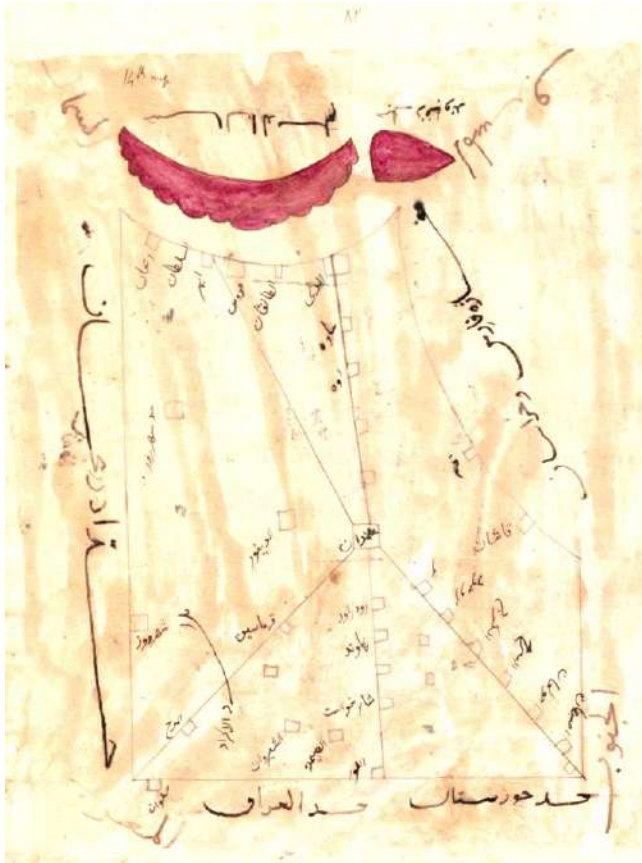
شکل شماره ۱: موقعیت منطقه جبال و شهر شیروان در قرون اولیه اسلام
(لسترنج ۱۳۶۷: نقشه شماره ۵).



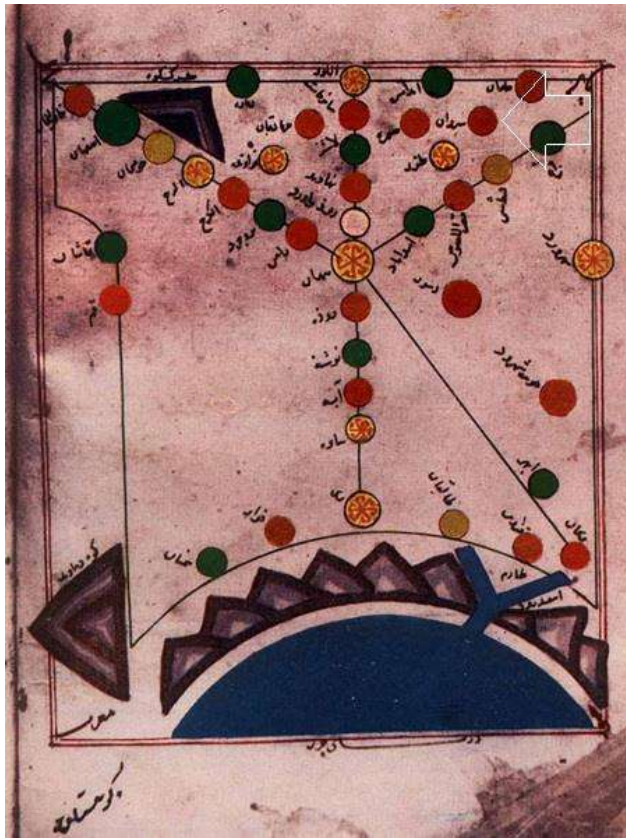
شکل شماره ۲: حدود جبال (ابوزید احمد بن سهل بلخی، ۱۳۹۶).



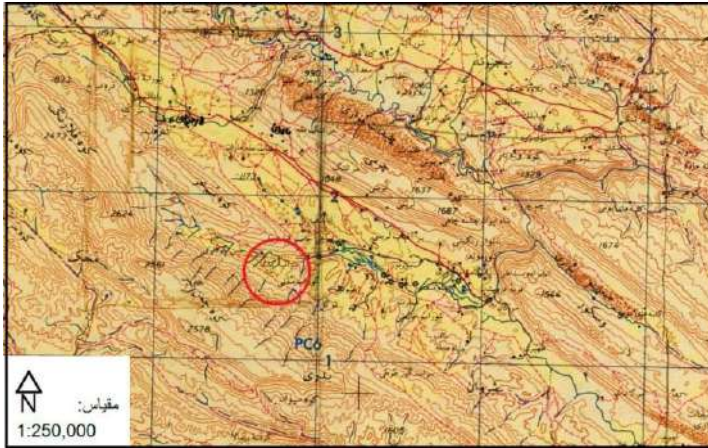
شکل شماره ۴: حدود جبال (ابوزید احمد بن سهل بلخی، ۱۳۹۶).



شکل شماره ۵: نقشه جبال و نام شیروان «الشیروان»
(ابوزید احمد بن سهل بلخی، ۱۳۹۶).



شکل شماره ۶: موقعیت سیوان در روی نقشه جبال
(اصطخری ۱۳۴۰: ۱۶۲).



شکل شماره ۹: موقعیت روستای سراب کلان



شکل شماره ۱۰: بقایا و ویرانه‌های شهر شیروان (شیروان)
پیش از ساخت روستای که‌لان روی آنها (Stein, ۱۹۴۰:۷۲).

بررسی تحلیلی نهاد شهر در دوران تاریخی بر اساس یافته های باستان شناسی
 دکتر محسن سعادت^{۱۹}، مهندس آزاده محمودیان^{۲۰}

چکیده: شهر نهادی مدنی است که در نقطه‌ای از محیط زیست انسانی شکل می‌گیرد، رشد و توسعه می‌یابد و اجزاء و عناصر کالبدی آن صورت می‌گیرد. مطالعه تاریخ شهرسازی و شهرنشینی و به تبع آن شهر، از جهات مختلف دارای اهمیت است. یکی از ارکان تاثیر گذار بر ایجاد فرم، توسعه و استمرار حیات یک شهر باورهای مذهبی و ایدئولوژی سازندگان آن می‌باشد. بررسی های تاریخی نشان می‌دهد در رابطه با فضاهای زیستی انسان در دوره تاریخی کمتر سخن به میان آمده است. از این رو، در این مقاله، تلاش شده تاریخ شهرسازی ایران پیش از اسلام (دوره تاریخی) از منظر ویژگی های کالبدی، خصوصیات فضایی، چگونگی عناصر و اجزاء فضاهای شهری، مسکن عامه، نظام محلات و سیر تحول شهرسازی بر اساس یافته های باستان شناسی و اسناد تاریخی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: شهرنشینی، شهرسازی، هگمتانه، شهرپارسی، صد دروازه، نسا.

مقدمه: سرزمین ایران به لحاظ دیرینه‌شناسی شرایط و امکان استقرار را در اقلیم پهناور خود دارا بوده است. تحقیقات و کشفیات علمی نشان می‌دهد، استقرار و حضور انسان با شرایط فیزیکی و جسمی موجود، در این سرزمین به دوران پیش از تاریخ می‌رسد. با توجه به اینکه موضوع بحث این پژوهش حول دوران تاریخی است، لذا بحث پیشینه شهر و شهرنشینی در ایران به این دوره اختصاص یافته است.

^{۱۹} ه دانش اموخته دکتری باستان شناسی.

^{۲۰} - دانش آموخته ارشد مهندسی معماری .

ویژگی ها و مشخصات معماری ایرانی

بررسی ها و کاوش های باستانشناسی نشان می دهد که سابقه ی معماری ایران به حدود هزاره ی هفتم قبل از میلاد می رسد. از آن زمان تا کنون پیوسته این هنر در ارتباط با مسائل گوناگون، به ویژه علل مذهبی، توسعه و تکامل یافته است. معماری ایران دارای ویژگی هایی است که در مقایسه با معماری کشورهای دیگر جهان از جایگاه ویژه ای برخوردار است: ویژگی هایی چون طراحی مناسب، محاسبات دقیق، فرم درست پوشش، رعایت اصول فنی و علمی در ساختمان، ایوان های وسیع، ستون های بلند و تزئینات زیبا، معرف شکوه و عظمت معماری ایران است. در این نوشتار، معماری ایران در دوره ی تاریخی (ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی) مورد توجه بوده است. امپراطوری ایران در دوره ی تاریخی از غرب تا بنادر یونان، دریای مدیترانه و مصر و از شرق تا مرزهای هند و آسیای میانه را در بر گرفته است. بنابراین سازه های معماری متعددی از دوران ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی در محدوده ی فلات ایران و سرزمین های مجاور برجای مانده که به لحاظ ضرورت برخی از این آثار معرفی شده است.

پیدایش مفهوم شهر و شهرنشینی در دوران ماد

با ورود اقوام آریایی به فلات ایران و استقرار در بخش های غربی و شرقی این سرزمین، تحولات عمده ای در عرصه ایجاد مکان های استقراری صورت پذیرفته است. از جمله این اقوام می توان به مادها اشاره نمود که در شمال غرب ایران و در همسایگی با تمدن های ساکن در بین النهرین حیات اجتماعی خود را شکل داده اند. حبیبی در کتاب خود چنین نوشته است: تا این زمان برای این اقوام دو گونه جامعه مفهوم دارد. جامعه ی ایلی (جامعه کوچرو) و جامعه ی روستایی (یکجا نشین). این دو جامعه هر دو

تحت نظامی عشیره‌ای اداره شده و در ارتباط چند سویه‌ای با یکدیگر قرار دارند. شکل جدید، شکلی که در دشت‌های هموار غرب قرار دارد، جامعه‌ی شهر نشین است. جامعه‌ای که با استقرار متراکم در یک نقطه، محدوده‌ی وسیعی از سرزمین‌های اطراف خویش را مورد بهره برداری قرار می‌دهد. جامعه‌ای که نه بر مبنای سازمان عشیره‌ای بلکه بر مبنای مفهومی جدید سازمان یافته است (حبیبی، ۱۳۷۵: ۲).

هگمتانه شهر - قدرت دوره ماد

آریائی‌های مستقر در کوه‌های زاگرس و در دشت‌های میانکوهی آن با تشکیل دولت ماد اولین اقوامی هستند که گذر تاریخی خود را از مرحله‌ی جوامع ساده‌ی روستائی، ایلی به جامعه‌ی شهری به انجام می‌رسانند. ارتباط مادها با ساکنان بین‌النهرین و بهره‌گیری از تجارب دولت - شهرهای این سرزمین، موفق شد تا در این میان از نمونه شهرهای دارای سازمان فضائی و تبلور کالبدی، ایجاد اولین «شهر-قدرت» در فلات ایران را به نام هگمتانه یا اکباتان را رقم بزنند. با این حال هگمتانه علی‌رغم شباهت ظاهری با شهرهای بین‌النهرین، به هیچ وجه سازمان فضائی آنها را در خود ندارد. ایجاد قلعه و «شهر-تپه‌های» بیشمار در نقاط متفاوت ولی مشخص دولت ماد، سه مقوله جهان بینی، اقتصاد و زیست محیطی را همزمان در خود دارد. هر یک از «شهر-تپه‌ها»، خود یک «شهر-معبد» است، یک «شهر-قدرت» است که از دیدگاه زیست محیطی در نقطه‌ای واقع شده است که برآیند کلیه نیروهای زیست محیطی است (همان: ۶).

تپه‌ی باستانی هگمتانه به مساحت حدود ۳۰ هکتار دیوار کشی و به شماره‌ی ۲۸ در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی در لیست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. این مجموعه‌ی تاریخی، طی دو قرن گذشته مورد بازدیدهای علمی، بررسی‌ها و کاوش‌های باستان

شناسان داخلی و خارجی و سیاحان و جهانگردان قرار گرفته است (محمودیان، ۱۳۸۷: ۹۵). بررسی منابع در رابطه با نهاد شهر در دوره ماد نشان می دهد ساختار شهر، نه شهرنشینی است و نه یکجا نشینی، چون یکجانشینی قبلا رخ داده است و گواه بر آن موجودیت جامعه‌ی روستایی است و اینکه شهر نه به عنوان تشکیل یک جامعه‌ی کاملا مشخص بلکه مکان جمع شدن سه جامعه‌ی روستایی، ایلی و شهری است. در این روزگاران هنوز مردمان را به درون «شهر- معبد» و «شهر- قدرت» راه نمی دادند: «دیاکو بنیانگذار سلسله ماد بعد از رسیدن به قدرت و ساختن هگمتانه در میان دیوارهای آن به دور از چشم بیگانگان و مردم خویش می زیست (دیاکونف، ۱۳۵۱: ۱۴۶). این جمله هرودوت گواه بر آن است که ما هنوز بر پدیده شهر در معنای گسترده آن مواجه نیستیم، بلکه آنچه شکل گرفته است پیدایش مفهومی جدید در سازمان فضائی کشور است که به دنبال خود تشکیل جامعه‌ای جدید را نیز سبب خواهد شد.



کاوش در هگمتانه

شهر مادی در این مرحله، عبارت است از قلعه‌ای محکم و قوی بر فراز تپه یا نقطه سوق الجیشی خاص که در دامنه و در پس دیوارهایش نقاط زیستی کوچک و بزرگ پراکنده‌اند. شهر مادی بیش از هر چیز تبلور قدرت متمرکز و ورای طبقات است. در این شهر، مفهوم بازار هنوز در مرحله جنینی قرار دارد و بافت و ساخت کالبدی آن مراحل آغازین خود را می‌گذراند و آنچه که مورد برنامه‌ریزی و طراحی دقیق قرار می‌گیرد، قلعه و تقسیمات داخلی آن است. قلعه، مرکز واقعی مدیریت و سازمان دهی منطقه وسیع تحت نفوذ خویش است، منطقه‌ای که هر سه جامعه‌ی ایلی، روستایی و شهری در آن مقام گرفته‌اند (حبیبی، ۱۳۷۵: ۲).



بقایای معماری تپه‌ی باستانی زیویه

شهر و شهر نشینی در دوران هخامنشی

گسترده‌گی وسیع سرزمین‌های تابع دولت هخامنشی به تشکیل اولین امپراتوری قدرتمند آن روزگاران در شرق نزدیک منجر می‌شود. ایجاد جاده‌های نظامی سوق الجیشی و در عین حال بازرگانی-تجاری از اولین اقداماتی است که دولت هخامنشی برای

ارتباط نقاط مهم سرزمین‌های تابعه و مفتوحه انجام می‌دهد. فتح بابل، دولت هخامنشی را در مقابل مجموعه‌ای از دولت شهرهای پر رونق بین‌النهرین قرار می‌دهد، دولت شهرهایی که بازرگانی، تجارت و تولید صنعتی در آنها جایی حیاتی را اشغال کرده است. ایجاد جاده شاهی از «شوش» به «افسوس» در کنار مدیترانه به طول ۴۰۰ کیلومتر در مسیر دجله و فرات حرکتی است برای در ارتباط سریع قرار دادن شهرهای بازرگانی-کشاورزی بین‌النهرین با «شهر-قدرت» مرکزی و دیگر نقاط و شهرهای کشور است (گریشمن، ۱۳۵۵: ۱۵۶).

نهاد شهر در دوره استقرار قوم پارس

تحولات شهر و شهرنشینی در دوره هخامنشی نتیجه قوام یافتن جامعه شهری است که در دولت پارس، نقشی قوی را بازی می‌کند. گستردگی امپراتوری، ترکیب جمعیتی اقوام مختلف در این دوره و نیز شرایط مناسب برای، آموختن فنون و حرفه‌های جدید موجب تغییر و تحول در تقسیمات کالبدی شهر پارسی گردید. در منابع آمده است: شهر پارسی «شهر-قدرتی» است که حوزه‌ی نفوذ خود را در هر تقسیم ارضی و در هر مقیاسی می‌گستراند، همان گونه که دولت پارس خود در کوچکترین حرکات و ارتباطات حضور دائمی محسوس و یا غیر محسوس دارد. شهر پارسی مسئول مستقیم امنیت منطقه تحت نفوذ خویش است، همان گونه که مسئول جمع‌آوری مالیات و در مواقع لزوم سرباز و نیروی نظامی منطقه خویش نیز می‌باشد (حبیبی، ۱۳۷۵: ۱۲-۱۰).

چهره کالبدی شهر پارسی

«شهر-معبدا»، «شهر-قدرت» و «شهر-بازار» مفاهیمی هستند که شهر پارسی با خود حمل می‌کند و با استقرار در نقاط سوق الجیشی بسیار با اهمیت به مقوله زیست محیطی نیز جواب می‌دهد. پارسیان شهرهای محل اقامت خود را از روی نقشه‌ای بنا

می کردند که توسط موبدان مقدس شده بود و سنت های اجدادی به آنها آموخته بود و از آن نقشه به هیچ وجه تجاوز نمی کردند (همان، ۱۳).

حبیبی نوشته است: چهره کالبدی و ساخت فضائی شهر پارسی تبلور بارز و روشن روابط حاکم بر جامعه ی پارسی روزگاران کهن است. چهره ای که دست مایه شهرهای پس از خود را آماده کرده، که این چهره از دیدگاه ریخت شناسی شهری از فضاهای مختلفی چون: **دژ حکومتی**، **شار میانی** و **شار بیرونی** ترکیب شده است. او همچنین فضا های مورد اشاره را چنین معرفی کرده است:

دژ حکومتی: مجموعه ای مرکب از کاخها، معابد، دیوانها، تاسیسات نظامی و اداری، ذخائر و انبارهای آذوقه. این دژ با اهمیت ترین نقطه سوق الجیشی شهر قرار گرفته و با دیوارهای سنگین محافظت می گردد، که در صورت نبود عوارض طبیعی، صفه های مصنوعی برای استقرار چنین دژی بر پا می گردد. دژ، مظهر دولت پارسی، مظهر قدرت و مظهر یگانگی است.

شار میانی: مجموعه ای مرکب از محلات خاص برای استقرار طبقات ممتاز با خانه های کمی و بیش مشابه، بازاری در میان و همه محصور در دیواری سنگین با دروازه های برای ورود و خروج به شار میانی.

شار بیرونی: مجموعه ای است از محلات و خانه ها، بازارها، باغات و مزارع پراکنده در سطحی وسیع. این مجموعه معمولاً به وسیله حصارهای طبیعی، کوه، تپه، رودخانه، جنگل و . . از فضای بیرون از خود جدا می گشته است. شار بیرونی محل استقرار اکثریت جامعه شهری آن روزگاران بوده است که به علت در دسترس نبودن اطلاعات دقیق نمی توان حکمی قطعی از چگونگی سکنی گزینی و سازمان فضائی این جامعه به دست داد (همان، ۱۴).



بخشی از سازه های سنگی نقش رستم

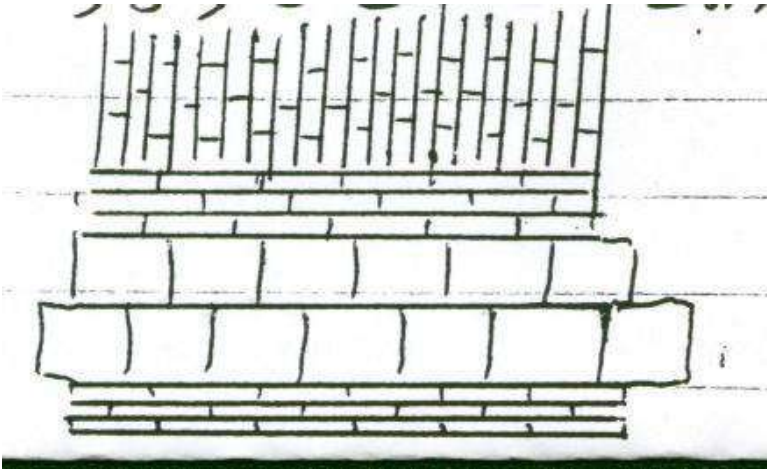
شهر و شهرنشینی در دوران اشکانی

جامعه ایلی همراه با جامعه روستایی و بخشی از جامعه روستایی و بخشی از جامعه شهری موفق می گردند تا دولت اشکانی را بر پهنه ی وسیعی از ایران آن روزگاران مستقر سازند. این دولت با رجوع به سازماندهی دولت هخامنشی به سرعت سازمان عشیره ای و دودمانی خود را دگرگون کرده و به آن شکلی کاملاً دولتی می بخشند. این دولت با بهره گیری از تجربه دولت سلوکی موفق می گردد تا برای اولین بار در تاریخ ایران نوعی دولت مرکزی مبتنی بر تفاهم دودمان های متشکله را شکل بخشد. این دولت تنها دولت متمرکز و در عین حال غیرمتمرکز است که در سراسر خطه ی ایران آن روزگار شکل می گیرد. هماهنگی سه جامعه ی تحت سلطه این دولت سبب می گردد تا دولت قدرتمند اشکانی نزدیک به شش قرن اقتدار خود را بر سرزمین

بگستراند، بازرگانی را رونق بخشد، روابط کالایی و پولی را ارتقا بخشد و از آن راه به شهرنشینی و شهرگرایی شتاب و رونق دهد (حبیبی، ۱۳۷۵: ۲۱).

معماری دوره‌ی اشکانی (مصالح ساختمانی)

به دلایل مختلف از جمله حمل و نقل دشوار، در معماری‌ها از مصالح بومی استفاده شده است. طبیعی‌ترین مصالح خشت خام و بعد آجر و سنگ در نقاط کوهستانی و گاهی سنگ تراشیده بوده است. بسیاری از دیوارهای خشتی و آجری بنیانی از سنگ داشتند. در دوره‌ی اشکانی نوعی خاص از آجر معمول بود که در معماری آن از نوعی رج خاص استفاده می‌شد و این آجرها را در جهت‌های مختلف به کار می‌گرفتند. در بناهای آجری از ملاط گچ استفاده می‌شد. احتمالاً استفاده‌ی زیاد از این ملاط به دلیل کمبود چوب موجب شده معمار ایرانی از طاق استفاده کند. و از مهارت‌های خاص این دوره زدن طاق بدون قالب بود. در بناهایی مثل آی خانم سقف مسطح بوده چون این بنا ستون داشت. وقتی معمار اشکانی توانست فضای زیادی را با سقف طاقی پوشش دهد، دیگر نیازی به ستون نبود و این تحول جدیدی بود که فضای زیادی را به وجود می‌آورد (طاق کسری) ولی متأسفانه از بناهای مسکونی دوره‌ی سلوکی و اشکانی در داخل کشور اثری باقی نمانده است و باید به خارج از مرزهای سیاسی ایران توجه کرد.



کاخ نیپور، کاخ سلوکیه و آشور همگی در عراق هستند. از خصوصیات این بناها تداوم اصول معماری هخامنشی است.

شهر پارتی

شهر پارتی در دولت اشکانی، مرکز اصلی حیات سیاسی این دولت است. شهر، مکان اصلی تصمیم‌گیری‌های دولت و مشورت ارکان دودمانی است. جمع‌بندی افکار عمومی در شهر در بسیاری موارد منجر به تصمیم‌گیری بسیار مهم می‌شود. شهر می‌تواند در مورد سرنوشت شاه، به منزله‌ی مظهر دولت نیز اتخاذ تصمیم کند (دیاکونف، ۱۳۵۱: ۱۳۶). حضور همیشگی نمایندگان جوامع ایلی و روستایی در شهر منجر به ترکیب و درهم‌تنیدگی بیش از پیش سه جامعه ایلی، روستایی و شهری می‌گردد. شهر در عین آنکه مرکز اصلی مبادله و صنعت است به تولید کشاورزی نیز می‌پردازد و روستا نیز نه به عنوان عنصری در تقابل با شهر بلکه به عنوان مکمل آن در امر بازرگانی و صنعت سهمی مهم را به عهده می‌گیرد، بدین اعتبار مفهوم شهر پارتی همانی می‌گردد که در شهر پارسی وجود داشته است (حبیبی، ۱۳۷۵: ۲۲).

میراث فرهنگی اشکانیان به علت حوزه اقتدارشان، از شرق به دره هند و از طرف غرب به بین النهرین می‌رسد و دربرگیرنده منطقه وسیعی است که شناسایی و بررسی دقیق آن مستلزم زمان و امکانات بسیاری است. شهرهایی نظیر نساو مرو که در واقع در هنگام اقتدار حکمرانان این سلسله بنیان گذاری و یا بازسازی شده بود، مورد شناسایی قرار گرفت. در حوزه غربی تسلط اشکانیان، شهرهایی معروفی چون هترا، آشور، دورا اروپوس و تیسفون نیز مورد کاوش و بررسی قرار گرفته است (کیانی، ۱۳۶۵: ۱۰۵).

همان طوری که می‌دانیم اشک اول شهری بنا نهاد که آساک نامیده شد. در آساک موسس سلسله اشکانی تاجگذاری نمود و قدرت خود را استوار ساخت. طبق نوشته مورخین تیرداد حکمران دیگر اشکانی شهر دیگری ایجاد کرد که «دارا» یا به قول یونانی‌ها «داریوم» نام گرفت. شهر دارا در منطقه بسیار حاصلخیزی که چشمه‌سارها و آب‌های فراوان در جریان بوده و به وسیله کوههای اطراف محاصره شده بود، قرار گرفته و از نظر نظامی به گونه ای بود که تسخیر آن امکان پذیر نبود (همان، ۱۰۶).

از دیگر شهرهای ناحیه هیرکانیا باید از شهر معروف بدون حصار تمبرکس نام برد که طبق نوشته پلیبیوس^{۲۱} مورخ یونانی، شاهان پارتی عادت داشتند که زمانی از تابستان خود را آنجا بگذرانند (Polybious, XI, VIII, ۲). با توسعه قدرت اشکانیان، شهرهای این دوران به علل گوناگون چون وسعت و به دلایل اقتصادی، سیاسی و نظامی نیاز امپراتوری قدرتمند پارت را از نظر شهرنشینی برآورد نکرده و شاهان بعدی اشکانی با توجه به این دلایل درصدد ایجاد شهرهای بزرگتر برآمدند و به این ترتیب شهر معروف صدروازه را به پایتختی انتخاب کردند، این شهر در حدود قرن دوم ق.م از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار بود (کیانی، ۱۳۶۵: ۱۰۷).

^{۲۱} - Polybious -

فعالیت شهرسازی به هنگام حکمرانی مهرداد اول و مهرداد دوم به حد اعلا و ترقی رسید و در همین زمان است که معروفترین دیوار دفاعی جهان در منطقه هیرکانیا ساخته شد و علاوه بر شهرهای نامبرده قلاع و دژهای متعدد نظامی نیز با نقشه‌های متنوع احداث شد (Hansman, ۱۹۶۸: ۱۲۵). سازمان‌دهی کالبدی- فضائی درون شهر پارتی کم و بیش همانی است که در شهر پارسی وجود داشته بدین معنی که دژ حکومتی، مظهر دولت اشکانی و نشانه‌ی مهم «شهر- قدرت» پارتی، مرکب از کاخ‌ها، معابد، دیوان‌ها، تاسیسات نظامی، اداری و خزائن و انبارهای آذوقه و اسلحه است. دژ مظهر وحدت، یگانگی و تفاهم اجتماعی نیز می‌باشد و مانند همیشه مهمترین نقطه سوق الجیشی را به خود اختصاص می‌دهد.

ازجتهی شار میانی در این دوره شامل: مجموعه‌ای از محلات متفاوت، بازار و میدان با خانه‌هایی با معماری خاص است که همه در حصار ی گرد محصور گشته‌اند. در این میان، شار بیرونی هم که از محلات، بازار، باغ و مزرعه، کوه و جنگل و رودخانه و... تشکیل شده محل استقرار سه جامعه‌ی ایلی، روستایی و شهری است که در کنار شار میانی مقام گرفته‌اند (حبیبی، ۱۳۷۵: ۲۶).

بررسی آثار معماری دوره‌ی ساسانی

در این دوره آثار متعددی شامل: قلاع، شهرها، مراکز سکونت، نقش برجسته‌ها و... برجای مانده است. در این مبحث برخی از این آثار معرفی می‌شوند. بررسی آثار برجای مانده از این دوره به ویژه نقش برجسته‌ها به دلیل تعدد و تنوعی که دارند، بیش از دیگر آثار می‌تواند واقعیت‌های تمدن ساسانی را برای ما ترسیم نماید.



ایوان مدائن - جنوب بغداد

شهر و شهرنشینی در دوران ساسانی

دولت ساسانی وارث پهنه گسترده سرزمین‌های دولت اشکانی نه تنها به بازسازی و نظریه پردازی در سازمان اجتماعی-اقتصادی جامعه‌ی تحت نفوذ خویش می‌پردازد، بلکه مشروعیت خویش به عنوان حافظ و نگهبان سازمان اندیشه‌ای و فرهنگی جامعه را نیز نظریه پردازی می‌کند. ظهور دولت ساسانی در واقع اولین حرکت جامعه شهری برای رسیدن به قدرت است. دولت ساسانی با تسلط بر تمامی روابط مادی و معنوی جامعه موفق می‌گردد تا دگرگونی‌های گسترده‌ای را در روابط تولیدی و شیوه‌های مالکیت بر منابع تولید ایجاد کند (حییبی، ۱۳۷۵: ۲۶).

شهر ساسانی مانند شهر پارسی در دولت هخامنشی، بر مبنای باورهای دینی و متأثر از مقوله‌ی جهان بینی ساخته می‌شود. شهر معمولاً به حصارى ختم می‌گردد که چهار دروازه به چهار سوی عالم داشته باشد که خود یادآور جهات اربعه و عناصر اربعه نیز می‌باشد. چهره کالبدی شهر پارتی در دولت ساسانی، کم و بیش توسط تاریخ نگاران دوران اولیه اسلامی ترسیم شده است. بافت کالبدی و سازمان فضائی این شهر، الگوئی بود که در شهرهای دوران اولیه اسلامی نیز مورد استفاده قرار گرفت. شهرهای ایرانی

عهد ساسانی به ویژه شهرهایی که در دوران قباد ساخته شد با شهرهای ایرانی دوره‌ی اسلامی بسیار شبیه‌اند، در این شهرها کهن دژی با باروهای کنگره دار، بخش نظامی شهر را تشکیل می‌داد (اشرف، ۱۳۵۳: ۸۹).

فضای شهرادر دوره ساسانی

ریخت شناسی شهرها در دوره ساسانی شامل فضاهای مختلفی است. دژ حکومتی، از جمله این فضاها است که مرکب از کاخ‌ها، آتشگاه اصلی، دیوان‌ها، سربازخانه‌ها، ذخائر، خزائن و انبارهای آذوقه می باشد و در بالاترین نقطه شهر و مهمترین نقطه سوق الجیشی ساخته شده و با دیوارهای سنگین محافظت می‌گردد. شار میانی، شامل: محلات خاص برای استقرار طبقات ممتاز است. اما، شار بیرونی، مرکب از محلات، خانه‌ها، بازارها، باغات و مزارع پراکنده در اطراف شار میانی است، آتشکده‌ها و بازار اصلی را می‌توان در این بخش از شهر جستجو کرد. بازار، از جمله فضاهای شهری در دوره ساسانی است که مرکزی برای تبادل کالاها و مصنوعات گوناگون قلداد می‌گردد. از دیگر بخش‌های شهر در دوره ساسانی می‌توان به میدان اشاره نمود که در جلوی دروازه‌های شارستان و در ربض ساخته می‌شده‌اند. حبیب نوشته است: میدان مکانی است که بازارها بدان باز می‌شود. (حبیبی، ۱۳۷۵: ۳۴-۳۳).

عوامل موثر در ایجاد شهرهای دوره ساسانی

تحکیم موقعیت ساسانیان در زمان پادشاهان قدرتمند آنان به ویژه در دوره اردشیر، با احداث و گسترش شهرها رابطه‌ای بس نزدیک داشت. بعضی از این شهرها با اندیشه توسعه اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و برخی دیگر از دیدگاه نظامی و سوق الجیشی موجودیت یافته و یا بازسازی و احیا گردیدند. دفع تجاوز و مقابله با دشمنان برون مرزی مخصوصا امپراتوری روم در این دوره نه تنها در سیاست خارجی بلکه در امور

داخلی ایران و توسعه شهرها موثر بود. در اثر جنگ‌هایی که شاهان ساسانی با امپراتوران روم داشتند غنایم جنگی و اشیای نفیس به ویژه زر و سیم باعث رونق اقتصادی و ثروتمند شدن قشرهایی از افراد جامعه گردید (حبیبی، ۱۳۷۵: ۲۷). بنابراین میبینیم که هر یک از عوامل - تجارت و بازرگانی - مذهب و باورهای دینی - سیاست و حکومت عامل نظامی و دفاعی در ایجاد شهرها در دوره ساسانی نقش بسزایی دارند.

نقش مذهب و باورهای دینی: عامل مذهب در پیدایش و شکل بخشیدن به شهرها از دیر باز نزد تمامی اقوام و ملت‌های جهان مورد توجه بوده است. پایه گذار شهر در کنار چشمه‌ها، دامنه کوه قدس و یا محل شهادت یا درگذشت یک شخصیت مذهبی و بالاخره تاثیر پدیده باورهای مردم در شکل بخشیدن به شهر عامل مهمی بود. که نمی‌توان و نباید در بررسی و شکل‌گیری بافت شهرها، به ویژه در دوران باستان آن را نادیده گرفت، زیرا بنیان‌گذاری عمده شهرهای کهن به اعتباری امری مقدس، در پیوند با آئین مورد قبول جامعه بوده و از اصول پذیرفته شده آئین و باورهای جامعه پیروی کرده است (ورجاوند، ۱۳۶۶: ۸-۹). در دوره ساسانی نیز مهمتر از عوامل سیاسی - نظامی و تجاری، عامل آئین و اندیشه مرسوم در آن دوران است که مهمترین عامل ایجاد شهرها و آبادی‌ها به شمار می‌رود. در این دوره برخلاف دوره‌های هخامنشیان و پارتیان، تعصبات مذهبی توسط موبدان در دستگاه حاکم به بالاترین حد خود رسید، تعداد زیادی آتشکده ساخته شد، شهرها و مراکز مذهبی با سرمایه‌گذاری پادشاهان و زیر نظر موبدان ساخته شد. حداقل ۳ شهری که ۳ آتشکده بزرگ، آذرگشنسب در شیز، آذر فرنیغ در کاریان فارس، آذر برزین مهر در ریوند نیشابور در آن قرار داشتند، از شهرها و مراکز مهم مذهبی بوده‌اند (سلطانزاده، ۱۳۶۷: ۵۳).



معبد آناهیتای بیشاپور

عامل دفاعی - نظامی: موقعیت جغرافیایی ایران یعنی واقع بودن در منطقه‌ای حد فاصل آسیای میانه، هند، بین النهرین و آسیای صغیر همواره این سرزمین را در معرض حمله ها و تهاجم ملل و اقوام مجاور قرار داده است. در زمان ساسانی نیز پادشاهان این سلسله برای دفاع از مزرهای ایران در برابر هجوم بیگانگان مخصوصا اقوام وحشی شمال و شمال شرقی و رومی‌ها در غرب اقدام به ساختن شهرهای تدافعی مرزی کردند (همان، ۴۵). چنانکه شاپور اول پس از لشگرکشی به سوی توران و شکست "پهله چک تور" پادشاه تورانیان دستور داد تا در محل درگیری که خراسان بود شهری بنا شود. وی نام این شهر را "نیو- شاپور" نامید که اکنون نیشابور نامیده می- شود (کریستین سن، ۱۳۷۹: ۱۲۳). از جمله شهرهای مربوط به این عامل را می‌توان از شهرستان یزدگرد، رام‌فیروز، روشن‌پیروز، شهرام‌پیروز و فیروز آباد نام برد (سلطانزده، ۱۳۶۷: ۴۵).

عامل سیاسی-ادری: احداث عموم شهرها یعنی محل استقرار ارکان دولتی و نهادهای اداری و سیاسی توسط پادشاهان و برخی امراء و حکام محلی صورت می‌گرفته است

و مهمترین نقش و کارکرد این شهرها همین جنبه سیاسی و اداری بودن آنهاست. روند احداث شهر توسط پادشاهان ساسانی همواره از آهنگ ثابت و یکنواختی پیروی نمی‌کرد و فراز و نشیب‌های بسیار داشته است، در دوره‌هایی که پادشاهان قدرتمند بر کشور حاکم می‌شدند تعداد زیادی شهر احداث می‌کردند اما در مواقعی که پادشاهان ضعیف بر تخت سلطنت جلوس می‌کردند بیشتر کارها در جهت رفع منافع خود به کار می‌رفت. برای مثال پس از شاپور دوم که تعدادی از پادشاهان به سلطنت رسیدند تا زمان قباد دوم روند مزبور سیر نزولی پیدا کرد سپس در دوره قباد و انوشیروان که ایران از نظر سیاسی دوباره قدرت گرفت و قدرت اشراف و زمین‌داران بزرگ دوباره کاهش یافت، روند ایجاد شهرها دوباره ادامه یافت (همان، ۴۹).

گسترش تجارت و بازرگانی: گسترش تجارت و بازرگانی در دوره ساسانیان یکی از عوامل مهم دیگر ایجاد شهرها و گسترش آنها در دوره ساسانی بود. منظور از شهرهای بازرگانی-تولیدی در پیش از اسلام شهرهایی هستند که بخش مهمی از نیروی کار در آنها صرف تولید و تجارت و صنایع دستی شده است. تجارت در زمان ساسانیان رونق و اهمیت خاصی به خود می‌گیرد. با رشد کشاورزی و صدور محصولات مازاد بر مصرف به خارج از ایران با عنایت و توجه به پیشه‌وری و تولید، وجود جاده‌ها و تجهیزات لازم و ضروری در آن برای کاروانیان، موقعیت جغرافیایی سرزمین ایران و عبور کاروان‌ها از شرق به غرب و سرانجام وجود یک قدرت نیرومند مرکزی که بتواند امنیت و ثبات را جایگزین ناامنی و اغتشاش نماید، تجارت نیز به تبع این عوامل رشد و بالندگی خود را آغاز می‌کند. موقعیت جغرافیایی سرزمین ایران ایجاب می‌کرد که کاروان‌ها به ناچار از آن بگذرند و کمبود راه‌های بحری در آن زمان اهمیت این امر را بیشتر نمود و ایران توانست از این طریق سودی سرشار را نصیب خود

سازد(همان، ۵۵). برای مثال ریشهر در زمان ساسانیان ناحیه‌ای به شمار می‌رفت که فرآورده‌های کشاورزی آن قابل توجه نبود و فقط امور بازرگانی می‌توانست گسترش آن را باعث شود. این شهر به عنوان مرکز تجارت مرواریدهای ظریف شناخته شده بود و در همان زمان نیز برای تجارت بین سواحل خلیج فارس از آن استفاده می‌شد(ویلیامسون، ۱۳۵۱: ۱۴۳).

اسکان اسرا: یکی دیگر از عوامل موثر در ایجاد و گسترش شهرهای دوره ساسانی اسکان اسرای جنگی در نقاط مختلف کشور بود. دولت ساسانی در جنگ‌های ایران و روم اسرای جنگی را در نواحی دوردست کشور اسکان می‌داد و در لشگرکشی‌های خود گاهی تمام سکنه یک شهر یا یک ناحیه را کوچ داده و در یکی از نقاط داخلی کشور مستقر می‌نمود و به همین مناسبت شهرهایی بنا گردید. چنانکه شاپور اول شاه ساسانی نیز اسیران رومی را در گندی شاپور سکونت داد و از مهارت رومیان در کار مهندسی استفاده کرد، بند معروف قیصر را بنا نمود(سلطان زاده، ۱۳۶۷: ۴۰).

بنابراین می‌بینیم که هر یک از عوامل مذهب و باورهای دینی، تجارت و بازرگانی، سیاست و حکومت و عامل نظامی و دفاعی در نواحی مرزی کشور در پیدایش شهرها نقش بسزایی داشتند، ضمن آنکه باید به این عوامل، مناسب بودن موقعیت طبیعی محلی که شهر در آنجا شکل می‌گیرد را نیز اضافه کنیم، از دیگر موارد می‌توان به در اختیار داشتن زمین‌های مناسب برای توسعه کشاورزی و دامداری، دسترسی به منابع آب فراوان، بر کنار بودن از مسیر بادهای موسمی آزار دهنده و داشتن فصل‌های منظم و مانند آن را نام برد(همان، ۴۱).



تصویر ۱۷- دروازه جنوب شرقی تخت سلیمان (نگارنده، ۱۳۸۸).



تصویر ۱۸- طاق‌های اشکانی کوه خواجه (Google Images).

منابع

۱. اشرف، احمد، ۱۳۵۳، ویژگی های تاریخی شهرنشینی در ایران، نامه‌ی علوم اجتماعی، دوره‌ی اول، شماره ۴، دانشکده علوم اجتماعی، تهران.
۲. افشار سیستانی، ایرج، ۱۳۷۲، ایلام و تمدن دیرینه آن، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران.
۳. حبیبی، سید محسن، ۱۳۷۵، از شار تا شهر؛ تحلیل تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تاثر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۴. حسینی، سید سجاد، ۱۳۸۵، فصل سوم گزارش بررسی و شناسایی شهرستان دره شهر، بخش بدره، سازمان میراث فرهنگی استان ایلام، ایلام (منتشر نشده).
۵. دیاکونف، م.م، ۱۳۵۱، اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، نشر پیام، تهران.
۶. سلطان زاده، حسین، ۱۳۶۷، مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، نشر آبی، تهران.
۷. شهبازی، سیاوش، ۱۳۸۴، گزارش بررسی‌های باستان‌شناسی دشت صیمره، پژوهشکده باستان‌شناسی کشور، تهران (منتشر نشده).
۸. کامبخش فرد، سیف الله، ۱۳۶۸، دره شهر، کتاب شهرهای ایران، جلد ۳، به کوشش محمد یوسف کیانی، چاپخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۹. کریستین سن، آرتور، ۱۳۴۵، ایران زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، امیر کبیر، چاپ اول، تهران.
۱۰. کیانی، محمد یوسف، ۱۳۶۵، نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، نشر ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران.
۱۱. کیانی، محمد یوسف، ۱۳۶۶، معماری ایران در دوره اسلامی، ج ۲، نشر جهاد دانشگاهی، تهران.

۱۲. گریشمن، رومن، ۱۳۵۵، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۱۳. گریشمن، رومن، ۱۳۵۶، بیشاپور، ترجمه علی اصغر کریمی، جلد ۲، معاونت حفظ و احیای سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
۱۴. گریشمن، رومن، ۱۳۷۰، هنر ایران در دوره پارت و ساسانی، ترجمه بهرام فره وشی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، جلد ۲، تهران.
۱۵. محمودیان، حبیب الله، ۱۳۷۷، راهها و معابر باستانی غرب زاگرس، انتشارات سبز پویش، ایلام.
۱۶. محمودیان، حبیب الله، ۱۳۸۷، معرفی اجمالی قلعه های باستانی استان ایلام، انتشارات گویش، ایلام.
۱۷. محمودیان، حبیب الله، ۱۳۸۷، مقدمه ای بر باستان شناسی و آثار تاریخی ایران (پیش از اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام).
۱۸. ورجاوند، پرویز، ۱۳۶۶، شهر سازی و شهرنشینی در ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، جلد چارم، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
۱۹. ویلیامسون، آندرو، ۱۳۵۱، تجارت در خلیج فارس در زمان ساسانیان و قرون اول تا دوم هجری، باستان شناسی و هنر ایران، شماره ۹ و ۱۰، صص ۳۹-۲۶.

ب- غیر فارسی

- Hansman.J. ۱۹۸۶. "The problems of Qumis", Journal of the Royal Asiatic Society, ۱۱۱-۱۳۹.
- Histories IV", Tr.W.R.Paton, Loeb Classical Library, London, Vol. ۱۱ (XI, VIII, ۲).

بررسی تحولات تقویمی روزها و ماه های سال در فرهنگ اوستایی

دکتر پریسا پورمحمدی^{۲۲}

چکیده: اوستا، کتاب مقدس ایرانیان باستان، شامل پنج نسک (کتاب) است. نخست *یسنا*، دوم *ویسپرد*، سوم *وندیداد*، چهارم *یشتها* و پنجم *خرده اوستا*. یسناها مهمترین بخش اوستا هستند، واژه *یسن* به معنی *یزش*، ستایش و نیایش می باشد. یسناها در مراسم دینی خوانده می شوند. هفتاد و دو یسنا موجود است که به هر کدام یک «ها» یا «هات» یا فصل گویند. هفده «ها» یا هفده فصل آن *گاهان* یا سروده های خود زرتشت هستند که کهن ترین بخش اوستا هستند و قرن ها پیش از سایر بخش های اوستا سروده شده اند. بخشی از کتاب اوستا به فصول و ماه های سال اختصاص دارد که تحت تاثیر پدیده های طبیعی و گردش سیارات و صورت های فلکی مورد توجه ایرانیان باستان بوده اند. از اینرو، تقسیم بندی و نامگذاری فصول، ماه ها و روزها در فرهنگ اوستایی از معیار های خاصی تبعیت نموده که در این پژوهش مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. در این مقاله تلاش شده تا بر اساس متون و اسناد برجای مانده از این اثر ارزشمند تاریخ کهن، تحولات تقویمی روزها و ماه های سال در فرهنگ اوستایی به صورت علمی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اوستا، یشت، وندیداد، امشاسپند، گاهان، انیران، سال کیسه.

مقدمه: اوستا، کتاب دینی است که توسط زرتشت به جهان معرفی شد. اوستا دو گویش کاملاً متفاوت از هم دارد. یکی گویش گاهانی^{۲۳} و دیگری گویش اوستای نو.^{۲۴} اوستای گاهانی نزدیک به هزار سال کهنه تر از اوستای جدید است. و بدون اینکه خطی برای

^{۲۲} - دانش آموخته دکتری باستان شناسی و مدرس دانشگاه هنر شیراز.

^{۲۳} - gathic

^{۲۴} - young

نوشتار آن وجود داشته باشد، توسط باورمندان سینه به سینه از بر شد و بعده ها در دوره ساسانیان، از روی خط پهلوی ساسانی، خطی برای آن ساخته شد. اوستا بر اساس سنت زرتشتیان با خط زرین و بر روی دوازده هزار پوست گاو نوشته شده بود و در دژنشت از آن محافظت می شد، مکان دژنشت را برخی کعبه زرتشت در نقش رستم و عده ای در چیزگان یا جیزقان آذربایجان که آتش آذرگشسپ در آنجا روشن است گویند و برخی برابر با معبد آناهیتا در کنگاور می دانند. متن اوستا معمولاً همراه با زند (تفسیر) آن نوشته می شد زیرا در دوره ساسانیان دیگر زبانی زنده به شمار نمی آمد و برای درک آن همواره متن زند لازم می آمد. متن زند به زبان پهلوی بود و چون هر نسل نسبت به نسل پیش از خود از زبان اوستا دورتر بود، خود زند اوستا نیز محتاج تعبیر و تفسیر می شد. تقسیم بندی اوستا به چند کتاب و ترتیب و شماره گذاری آن پس از دوران آشنایی زبانشناسان اروپایی با اوستا آغاز گردید. و آن را به پنج کتاب، بر اساس زبان، کاربرد و مشخصه های مشترک تقسیم کردند و خط اوستایی استاندارد شد و و از حروف سربی برای چاپ اوستا نخست در آلمان و دیگر کشورها و سپس در هند به وجود آمد. استاد ابراهیم پورداوود این کتاب ارزشمند را نخستین بار در سال ۱۳۰۵ به چاپ رساند و ما را از سروده های موزون این آئین کهن مربوط به بیش از سه هزار سال پیش بهره مند ساخت. سروده هایی را که هزاران سال از گزند و آسیب زمانه در امان مانده و اکنون به کوشش این روشنگران به دست ما رسیده، ارج می نهیم. باشد که این کتاب، مدخلی برای پژوهش های علمی محققان، اندیشمندان و دانشجویان پیرامون آثار و متون گذشته این سرزمین بزرگ قلمداد گردد.

محتوای اوستا

اولین کتاب اوستا، یسنا ها یا نیایش ها و ستایش ها هستند که این نیایش ها گاهی منفرد و گاهی به هم چسبیده اند. برای نمونه یسنا های ۹ و ۱۰ و ۱۱ با یکدیگر هوم یشت نامیده می شوند، چون سه یسنا کوتاه چسبیده بهم اند که هر سه ستایش از ایزد هوم را بنای کار قراردادده اند. یسنا کتابی همگن نیست، یسنا ۱ تا ۸ شامل دعاها و کوچک، شامل نام ایزدانی است که نثارها به آنها پیشکش شده باشد. یسنا ۹ تا ۱۱ هم همانگونه که گفته شد مربوط به ایزد هوم است و با یکدیگر هوم یشت نامیده می شود. هوم یا هومه گیاهی مقدس است که از دوران هند و ایرانی تقدس داشته است. در هندی باستان یا سانسکریت آن را سومه می گفته اند. هوم درختچه کوتاهی بوده که گیاه آن را می کوبیدند و در هنگام نیایشها و مراسم از آن بهره می برده اند. یسن های ۱۲ و ۱۳ باور و اقرار به دین زرتشتی است. یک زرتشتی باورمند گاهی تا روزی ده بار گُستی* (کمر بند) خود را باز می کند نیایش فرورانه (باور دارم) را می خواند. گُستی یا گُستی نام کمربندی است ۷۲ رشته بافته شده از پشم گوسفند سپید که زرتشتیان بر کمر میندند تا ناحیه اهورایی را از اهریمنی جدا کنند. پشمی بودن آن نشانه امشاسپند بهمن است و که پشتیبان گوسفندان است و سپید بودن آن نشانه اهورامزداست. بر روی کستی، سدره می پوشیدند که نیم تنه ای بدون آستین از پنبه یا کنف است و نماد امشاسپند خرداد و امرداد، آب و گیاه. یسنای ۱۴ تا ۱۸ نام نیایش های کوتاهی است متضمن نام ایزدان. یسنای ۱۹ تا ۲۱ باهم بغان یشت نامیده می شود و ترجمه و تفصیلی است از دعاها و اهورنور، اشم و هوو ینگه هاتام یعنی بندهای ۱۳ تا ۱۵ یسنای ۲۷. یسنای ۲۲ تا ۲۶ باز نیایش هایی است متضمن نام ایزدان. یسنا ۲۷ مقدمه گاهان است و یسنای ۲۸ تا ۳۴ یسناهای گاهانی هستند. یسنا ۳۵ تا ۴۱ یسناهای

هفت هات یا هپتن هات می باشند. یسنای ۴۲ در ستایش عناصری است که در مراسم های گوناگون یسنا خوانی به کار می روند، مانند شیر، گوشت، آب هوم، شراب و گیاهان گوناگون. یسناهای ۴۲ تا ۵۱ نیز گاهانی هستند. یسنه ۵۲ غیر گاهانی است و نمازی است در ستایش اشا یا ارته. یسنای ۵۳ آخرین یسنای گاهانی است. یسنای ۵۴ متن دعای زرتشتی آ ایریما ایشیو است که زنان برای تندرستی خانواده و درستی خانه می خوانند. یسنه ۵۵ نمازی است در ستایش گاهان. یسنای ۵۶ درخواست توجهی است از ایزدان و یسنای ۵۷ سروش یشت نام دارد. سروش به معنای فرمانبرداری و حرف شنوی از ریشه -srav به معنی شنیدن، سرودن است. این ایزد در دوران ساسانی آنقدر بزرگ شد که در برخی متن های مذهبی پهلوی، امشاسپند قلمداد شد و تعداد امشاسپندان را به عدد هفت رساند. اختصاص یسنای ۵۷ و نیز دو دعای کوچک و بزرگ سروش یشت سربش و سروش یشت پگاه در خرده اوستا تهیه و تنظیم شده است. در واقع باورمندان در دوره ساسانی خواب و بیداری خود را با سروش یشت آغاز می کرده اند. نماد ایزد سروش خروس سپیدی است، همانگونه که مزدپرستان با بانگ خروس از خواب بر می خواسته اند. {صبح کاذب: ایزد آیریمه و صبح صادق نشان ایزد مهر است. برزدن آفتاب: ایزد هور}. یسن ۵۸ نیایشی است در ستایش نماز. یسنه ۵۹ تکرار یسنه های ۱۷ تا ۲۶ است. یسنای ۶۰ یک سلسله نیایش است برای اقامت راستکاران. یسنای ۶۱ در ستایش نمازهای زرتشتی و ویژگی دیوزدایی آنها است. یسنای ۶۲ در ستایش ایزد آذر است. یسنای ۶۳ تا ۷۲ نیز عملاً یسناهایی که از دیگر پاره های اوستا به هم مونتاژ شده تا عدد یسنه ها را به ۷۲ برسانند (پورمحمدی، ۱۴۰۱: ۱۳-۱۴).

پنج کتاب یا نسک اوستا

اوستا، کتاب مقدس زرتشتیان، شامل: پنج کتاب یا نسک است.

اول یسنا که مهم‌ترین بخش کتاب مقدس است و از ۷۲ فصل یا "ها" یا هات ساخته شده است و پنج گات‌ها یا گاهان جزء یسناها می‌باشند. از نظر معنی واژه یسنا از ریشه یزشن و نیایش است.

دوم ویسپرد که مجموعه‌ای است از ملحقات یسنا که برای مراسم دینی ترتیب داده شده است و شامل ۲۴ فصل یا کرده است.

سوم وندیداد که بیشتر مطالب آن درباره قانونهای ضددیو یا قوانین مذهبی است. دارای بیت و دو فصل است و هر فصل آن را یک فرگرد گویند.

چهارم یشت‌ها که سرودهایی در توصیف ایزدان است که کامل از آن‌ها سخن خواهد رفت.

پنجم خرده اوستا که برای نماز و نیایشهای اوقات روز و روزهای متبرکه سال و جشنهای مذهبی ترتیب داده شده است. بدون استثناء تمام نسخه‌های اوستا دارای هر مزد یشت و سروش یشت می‌باشند.

زند: از ریشه ذن و دانایی است و به تفسیر اوستا به پهلوی زند گویند (پورمحمدی، ۱۴۰۱: ۱۷).

روزها و ماه‌های سال در فرهنگ اوستایی

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد در تقویم باستانی هر ماه سی روز و هر سال دوازده ماه و برای هر روز نامی معین بود. از آنجا که سال خورشیدی ۳۶۵ شبانه روز و پنج ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۹ ثانیه است؛ لذا پس از اتمام دوازده ماه، پنج ساعت و ۴۸ و

دقیقه و ۴۹ ثانیه اضافه می ماند که آنرا به زبان پهلوی بهیزک^{۲۵} می نامیدند. این، همان پنجه است که چهار سال یکبار سال ۳۶۶ روز خواهد بود و سال کیبسه نامیده می شود. بهیزک (پنجه یا کیبسه) در ایران باستان پنج روز است. روز ششم را در زبان پهلوی آورداد به معنی روز زیادی نام نهاده اند. هر یک از آن پنج روز پایان سال (بهیزک) دارای نامی مشخص است که عبارتند از:

(۱) اهوئه دت گاه، (۲) اوشته وت گاه، (۳) سپنه وت گاه، (۴) وهوخشتر گاه، (۵) وهشتوئیت گاه. که به ترتیب نام اولین، دومین، سومین، چهارمین و پنجمین بخش از سرودهای زرتشت است (تزری، ۱۳۹۷: ۶۳). به هر حال ایام بهیزک (پنجه) مبارک تلقی می شد و در این مدت جشن برگزار می گردید.

سال دینی

سال دینی نیز دوازده نام داشته که هر یک به نام یکی از ایزدان بزرگ (امشاسپندان) نام گذاری شده اند. در این مبحث ماه های سال مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

فَرَوَشی ها^{۲۶} (فروردین)

ایزد ماه فروردین، نام نخستین ماه از فصل بهار و روز نوزدهم هر ماه در گاه شماری اعتدالی خورشیدی است. در پهلوی فرورتین و در فارسی فروردین گفته شده که به معنای فروردهای پاکان و فروهرهای ایرانیان است. به مناسبت فرود آمدن فروهرهای نیکان، هنگام نوروز را جشن فروردین خوانده اند. ایرانیان باستان عقیده داشتند که

^{۲۵} - Behizak`

^{۲۶} - Farvashiha

فروهران در ده روز آخر سال بر روی زمین هستند و بامداد نوروز پیش از طلوع آفتاب، به دنیای دیگر می‌روند.

اشه و هیشت (اردیبهشت)

"اردیبهشت، در اوستا: - *asa.vahista*، به معنای بهترین راستی و پرهیزگاری است. اردیبهشت، پس از بهمن و سپند مینو (یا هرمزد)، برترین امشاسپند است و در گاهان زردشت اهمیت بسیار دارد. آنان که یاران اردیبهشت‌اند بهترین پادشاهان را دریافت خواهند داشت (یسنه ۴۹، بند ۹). هرمزد او را از نیروی خرد خویش آفریده است (یسنه ۳۱، بند ۷) و پدر او است (یسنه ۴۷، بند ۲). اردیبهشت نگهبان مرغزارها است و مردم پرهیزگار در مرغزارهای او و بهمن به سر می‌برند (یسنه ۳۳، بند ۳) و هرمزد به هنگام آفرینش، به یاری او گیاهان را برویاند (یسنه ۴۸، بند ۶). در اوستای تازه اردیبهشت زیباترین امشاسپند خوانده شده است (یشت ۱، بند ۲۲). آنچه را هرمزد توسط بهمن آفریده است، به یاری اردیبهشت افزایش خواهد داد (ویسپرد ۱۱، بند ۴). اردیبهشت دشمن دیو خشم است (یشت ۱۹، بند ۴۶). او از میان برنده بیماری، مرگ، جادوگر و حشرات موذی یا خرفستران است (یشت ۳، بندهای ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴).

(اسطوره‌های ایران: ۶۵ و ۴۹ یادداشت ۱۷)

نام ماه دوم است از سال خورشیدی و بودن آفتاب در برج ثور و نام روز سیم از هر ماه خورشیدی باشد و نام فرشته‌ای هم هست که میشتیانت کوه‌ها کند و تدبیر کارها ماه اردیبهشت تعلق بدو دارد و بنا بر باور ایرانیان باستان، چون نام ماه با نام روز موافق آید آنروز را جشن سازند، درین ماه این روز را جشن سازند و آنرا اردی‌بهشتگان خوانند. در این روز نیک است به معبد و آتشکده رفتن و از پاشاهان مراد خواستن و به جنگ و کارزار شدن" (برهان) (فرهنگ پهلوی: ۴)

هنرورات، (خرداد)

"خرداد: به معنی رسایی و کمالی و نام ماه سوم است از سال خورشیدی و آن زمان بودن آفتاب است در برج جوزا و نام روز ششم باشد از هر ماه خورشیدی و پارسیان در این روز جشن کنند.... و این جشن را جشن خردادگان خوانند. نیک است در این روز مراد خواستن از ایزدان و فرشته‌ها و زن خواستن و نام فرشته ای است که موکل است بر آبهای روان و درختان و کارهایی که در ماه خرداد واقع شود بدو تعلق دارد و نام آتشکده‌ای بود بسیار بزرگ و عالی" (برهان)

تیشتر (تیر)

"تیشتر، نام ایزد باران است و نیز نام ستاره تیر یا عطارد است" (فرهنگ پهلوی)
 "تیر یا تیشتر، در اوستا: - *tistrya*، ایزدی است که یشت هشتم از آن اوست. هرمز او را سرورستارگان کرده است و هیچ پری و جادوگری نمی‌تواند بدو آسیب رساند (یشت ۸، بند ۴۴). هرمز او را در شایسته ستایش بودن چون خود آفریده است (یشت ۸، بند ۵۰). او چون تیری در هوا می‌تازد و به دریای فراخکرد می‌رود (یشت ۸، بندهای ۶ و ۳۷) و برپایها پیروز می‌شود (یشت ۸، بند ۸)". (اسطوره های ایران: ۷۶-۷۷).

"... ان گونه ای که تشر در اوستا آمده بی گمان ستاره شعرای یمانی باشد این ستاره در زبان های اروپایی سیریوس *Sirius* نامیده می شود. بنابر آنچه پلوتارک نوشته است از زمان بسیار کهن هم می‌دانستند. که تشر ستاره شعرای یمانی است چه این تاریخ نویس از ستوده بودن این ستاره نزد ایرانیان یاد کرده و گوید "هرمز سیریوس را نگهبان و پاسبان سایر ستارگان قرار داد، و این کاملاً همسان است با آنچه در خصوص تشر در اوستا یاد شده است.... همه شرق شناسان و دانشمندان اروپا تشر را همان سیریوس نوشته‌اند و آن را به عطارد یا مرکور *mercure* ترجمه نموده و تیر را با

تشریحی یکی ندانسته اند. تشریح در فرهنگ‌ها به معنی فرشته باران آمده و چه بسا آن را به میکائیل ترجمه کرده‌اند شاید به مناسبت آنکه تشریح فرشته باران و از این رو فرشته روزی بخشی است او را به منزله میکائیل فرشته رزق و روزی دین یهود و اسلام پنداشته‌اند چنانکه سروش مزدیسنا با جبرائیل یکی انگاشته شده است.... (یادداشت‌های پهلوی گزارش ابراهیم پورداوود ج ۱: ۳۳۶-۳۲۵).

امرات (امرداد)

"امرداد، نامیرایی، بی مرگی. یکی از امشاسپندان است و نیز نام پنجمین ماه سال و هفتمین روز ماه است." (فرهنگ پهلوی: ۱۷). "امرداد بی مرگ سرور گیاهان بی شمار است؛ زیرا او را به گیتی گیاه خویش است. گیاهان را رویاند و رمه گوسفندان را افزایش؛ زیرا همه دام‌ها از او خورند و زیست کنند. به فرشکرد نیز انوش را از امرداد آرایند. اگر (کسی) گیاه را آرامش بخشد یا بیازارد، آن گاه، امرداد (از او) آسوده یا آزرده بود. او را همکاری رشن، اشتاد و زامیاد بود." (بندھشن) (اسطوره های ایران: ۵۷).

امشاسپند

امشاسپند، امهرسپند "فرشته و ملک باشد" (برهان). امشاسپندان سخند از شش فرشته بزرگ به نام‌های بهمن، اردیبهشت، شهریور، سپندارمذ، خرداد، امرداد که با خود اهورامزدا یک واحد هفتگانه به وجود می‌آورند (فرهنگ پهلوی). "امشاسپند نامی است که به یک دسته از بزرگ‌ترین فرشتگان مزدیسنا داده شده است امشاسپندان جمع آن است.

زراتشت بهرام گوید:

زامشاسپند آنکه بگزیده‌تر

نزدیک یزدان پسندیده‌تر

(یادداشت های پهلوی ابراهیم پورداوود ج ۱: ۹۱-۶۹).

خشروئیره (شهریور)

نام یکی از امشاسپندان است. شهریور، در اوستا - *xšaθra. var irya*، به معنای شهریاری دلخواه است (فرهنگ پهلوی). در گاهان، هرمزد پاداش و پادافراه را از طریق او به مردمان می‌دهد (یسنه ۴۵، بند ۷) و این ممکن است اشاره به فلز گداخته‌ای باشد که در پایان زمان بر زمین جاری خواهد شد و مردم باید از آن گذر کنند؛ زیرا شهریور امشاسپند نگهبان فلز است (یشت ۱۰، بند ۱۲۵) "بسا در اوستا از شهریور کشور جاودانی اهورامزدا سرزمین فنا ناپذیر و بهشت برین اراده گردیده است. در آنجائی که جایگاه خود اهورا و فرشتگان است. انسان باید چنان زندگانی به سر برد که پس از مرگ شایسته این شهریاری گردد. شهریور در جهان مینوی نماینده شهریاری ایزدی و فر و قدرت خداوند است. در جهان مادی پاسبان فلزات است. از اوست فر و پیروزی پادشاهان دادگر چون نگهبانی فلزات با اوست از این رو او را دستگیر فقیران و فرشته مهربانی خوانند گاهی هم در اوستا از واژه شهریور فلز اراده شده است در کتاب روایت آمده است که شهریور آزرده و دلتنگ می‌شود از کسی که سیم و زر را بد به کار اندازد یا بگذارد که زنگ زند. ششمین ماه سال و چهارمین روز ماه موسوم است به شهریور روز شهریور در شهریور ماه جشنی بوده موسوم به شهریورگان بنا بر گفته ای آن را نیز آذر جشن می‌گفتند ایزد مهر و ایزد آسمان از یاران و همکاران شهریور شمرده می‌شوند. دیو سَور و sauru که به گفته بندهش دیو پادشاهی بد و آشوب و مستی است رقیب و دشمن بزرگ شهریور است." (یادداشت های پهلوی گزارش ابراهیم پورداوود ج ۱: ۱۳-۱۲).

"میترا" (مهر)

از ایزد اوستایی "میترا" گرفته شده است به معنی "پیمان دوستی". در اوستا ایزد پیمان است

"آپیس" (آبان)

از ایزد "آپیس" زرتشتی نشأت گرفته است که ایزد آب بوده و حامی آبها
آثر^{۲۷} (آذر)

در منابع تاریخی آذر نام ایزد نگاهبان آتش است. در زبان پهلوی این نام به صورت آتور و در اوستا و فارسی آتر آمده است. در اوستا، ایزد آذر پسر اهورامزدا خوانده شده است. روز نهم هر ماه و ماه نهم هر سال خورشیدی به نام این ایزد است و آذر روز از آذرماه را در عهد باستان جشنی می گرفتند که به آذر جشن معروف بوده است.

"(دت هوش)^{۲۸}، داثوش "دئو، دئنا «خور ماه» (دی)

ماه دی را در زمان باستان «خور ماه» و روز نخست آن را «خوره روز» می نامیدند. این ماه اختصاص به اهورامزدا دارد. خالق اوهرمزدا. شب یلدا یا شب چله که آنرا جشن دی گان^{۲۹} نیز می نامند از جهت اینکه در ماه دی نیز قرار دارد و دی در اوستا به گونه (دت هوش)^{۲۹} و در پهلوی به شکل داتار^{۳۰} و در فارسی کنونی به صورت «دادار» کاربرد یافته به معنی آفریدگان جهان است. دی از ریشه اوستائی Da بمعنی آفریدن و دادن گرفته شده است که شاید با این اسطوره که زایش مهر در اواخر این ماه تحقق یافته قابل انطباق باشد و از این روی در این روز که (به علت تقارن اسم ماه با اسم روز) آنرا خرم روز نیز می نامیدند به شادمانی پرداخته و در شب حلول آن تا پاسی از

^{۲۷} - Aathar

^{۲۸} - Dat-Hush

^{۲۹} - Dat-Hush

^{۳۰} - Datar

شب با صرف انواع خوراکی ها و و شیرینی های بومی هر منطقه این آیین ملی را برگزار می نمایند.

دی یکی از صفت های ایزد یکتا در میان زرتشتیان بود و آن ها سردترین ماه سال را به نام اهورامزدا نام گذاری کرده بودند. ایرانیان باستان روز نخست ماه دی را زمان تولد خورشید می دانستند و در بازه هایی از تاریخ این روز را به عنوان آغاز سال جدید جشن می گرفتند. این جشن را با نام جشن «دی دادار» نیز می شناسند (محمودیان، ۱۴۰۰: ۵۲).

وهومن، (بهمن)

" بهمن، در اوستا -vohu.manah-، برترین امشاسپند است. او در گاهان نیز همین مقام بزرگ را دارا است. او پسر هرمزد است (یسنه ۳۱، بند ۸). او کردار مردمان را در واپسین داوری می سنجد (یسنه ۴۸، بند ۸) و هرمزد ارزش مردمان را از طریق او در می یابد (یسنه ۳۲، بند ۶) بهشت خانه او است (یسنه ۳۰، بند ۱۰). زردشت از طریق او است که به نزد هرمزد بار می یابد. در اوستای تازه نقش بهمن اندک تر از آن است که او در گاهان دارد. دشمن خاص او اکه منه -aka-manah- است (یشت ۱۹، بند ۴۶) که از کماله دیوان است. بهمن راستکرداران پرهیزگار را به بهشت می پذیرد (وندیداد، بخش ۱۹، بند ۳۱). هرمزد از طریق او جهان را آفریده است. (ویسپرد، بخش ۱۲، بند ۴). درمانهای "هوم، با خوشی بهمن همراه است (یسنه ۱۰، بند ۱۲). در ادبیات پهلوی بهمن نخستین آفریده، هرمزداست، این بهمن است که زردشت را به هنگام زادن نگهداری می کند و از آسیب دیوان رهایی می بخشد.

گروهی گمان می کنند که بهمن، در گاههای زردشت، جانشین مهر، ایزد بزرگ آریائیان شده است. "وهومن: بهمن نخستین امشاسپند است به معنی منش نیک، اندیشه نیک، فکر نیک. نام یازدهمین ماه سال و دومین روز ماه است. " (فرهنگ پهلوی).

"بهمن: نام فرشته ایست که آتش خشم را فرونشاند و او موکل است برگاوان و گوسفندان و اکثر چهارپایان و تدبیر کارهای که در ماه بهمن و روز بهمن واقع می شود به او تعلق دارد و عقل اول را نیز گویند و جشن سده که یکی از جشن های بزرگ پارسیان است. (یادداشت های پهلوی گزارش ابراهیم پورداوود. ج ۱: ۹۱-۸۸).

سپندارمذ، سپندارمت (اسفند)

ماه دوازدهم از سال خورشیدی باشد و نام روز پنجم از ماههای خورشیدی هم هست نیک است رخت پوشیدن و درخت نشاندن در این روز و به معنی زمین هم گفته اند و نام فرشته ای هم هست که موکل زمین و درخت ها و جنگل هاست و مصلحت های این ماه بدو تعلق دارد. "(برهان). "سپندارمذ، در اوستا: - *ārmaiti* به معنای اندیشه و فداکاری است و سپند به معنای مقدس صفت او است. او پنجمین امشاسپند است. در گاهان او پرورش دهنده آفریدگان است (یسنه ۴۶، بند ۱۱۲) و مردم از طریق او است که تقدس می یابند (یسنه ۵۱، بند ۲۱). او دختر هرمزداست (یسنه ۴۵، بند ۴) و به او متعلق است (یسنه ۳۱، بند ۹) در یسنه ۴۷، بند ۳، سپند مینو او را می آفریند تا به رمه ها مرغزار دهد. در اوستای تازه، او یک هزار، ده هزار داوری درمان بخش دارد (یشت ۱، بند ۲۷) و نام او بیشتر همسان با زمین است (وندیداد ۲، بندهای ۱۸، ۱۰) در وداها آرمیتی آمده است که برخی آن را با زمین یکی دانسته اند؛

روز های ماه در گاهشماری ایرانیان

بررسی های تاریخی نشان می دهد در گاه شماری مذهبی و دینی ایرانیان برای تمام سی روز ماه نامی بخصوص (از اسامی ایزدان) در نظر گرفته بودند. در منابع مختلف اسامی ایام ماه، که از اوستا گرفته شده به شرح زیر آمده است (محمودیان، ۱۴۰۱):

۲۰-۲۱). در ایران باستان هر گاه که نام روز و ماه یکی می شد آن روز را جشن بر پا می کردند

۱- اورمزد: ساده شده اهورامزدا، نام خداوند به معنی هستی بخش بزرگ، دانا؛

۲- بهمن: اندیشه نیک؛

۳- اردی بهشت: بهترین راستی و پاکی؛

۴- شهریور: شهر یاری نیرومند؛

۵- سپندارمذ: فروتنی و مهر پاک؛

۶- خرداد: تندرستی و رسایی؛

۷- امرداد: بی مرگی، جاودانی؛

۸- دی باذر: آفریدگار؛

۹- آذر: آتش، فروغ؛

۱۰- آبان: آبها، هنگام آب؛

۱۱- خیر "خور": آفتاب، خورشید؛

۱۲- ماه: ماه؛

۱۳- تیر: ستاره تیر، ستاره باران؛

۱۴- گوش "گئوش": جهان، زندگی، هستی؛

۱۵- دی به مهر: آفریدگار؛

۱۶- مهر: دوستی، پیمان؛

۱۷- سروش: فرمانبرداری؛

۱۸- رشن: دادگری؛

۱۹- فروردین: فروهر "نیروی پیشرفت"؛

- ۲۰- ورهرام: پیروزی؛
- ۲۱- رام: رامش، شادمانی؛
- ۲۲- باد: باد؛
- ۲۳- دی به دین: آفریدگار؛
- ۲۴- دین: کیش، بینش درونی "وجدان"؛
- ۲۵- ارد "اشی": خوشبختی، دارایی و خواسته؛
- ۲۶- اشتاد: راستی؛
- ۲۷- آسمان: آسمان؛
- ۲۸- زامیاد: زمین؛
- ۲۹- مانتره سپند: گفتار پاک؛
- ۳۰- انیران یا انارام: "، فروغ و روشنایی های بی پایان" (تزری، ۱۳۹۷: ۶۵).

منابع

۱. آموزگار، ژاله (۱۳۷۴) «تاریخ اسطوره ها ایران»، تهران: انتشارات سمت.
۲. آموزگار، ژاله و احمد تفضلی (۱۳۷۵) «اسطوره زندگی زردشت»، تهران: نشر چشمه.
۳. آموزگار، ژاله، صادق ملک شهمیر زادی، محمود حریریان و نادر میر سعیدی (۱۳۷۷)
۴. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۷، تاریخ ایران باستان، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه (سمت)، تهران
۵. اسماعیل پور، ابوالقاسم، ۱۳۸۶، سروده های روشنایی، انتشارات اسطوره، تهران.
۶. ارانسکی، ای. م (۱۳۸۵) «مقدمه فقه اللغه ایرانی»، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام
۷. بهار، مهرداد (۱۳۷۶) «پژوهشی در اساطیر ایران»، تهران: آگاه.
۸. بهار، مهرداد، ۱۴۰۰، بندهش: ۱۱۵، انتشارات توس، تهران.
۹. پور داوود، ابراهیم (۱۳۵۶) «یشت ها»، جلد اول، تهران: کتابخانه طهوری.

۱۰. پور داوود، ابراهیم (۱۳۵۶) «یشت ها»، جلد دوم، تهران: کتابخانه طهوری.
۱۱. پور داوود، ابراهیم (۱۳۴۷) «تاریخ ادبیات مزدیسنا»، تهران: کتابخانه طهوری.
۱۲. پور داوود، ابراهیم (۱۳۴۰) «یسنا»، تهران: کتابخانه طهوری.
۱۳. پور محمدی، پریسا (۱۴۰۱) یشت ها، نیایش های اوستایی، نشر زاگرو، ایران.
۱۴. دوستخواه، جلیل (۱۳۴۳) «اوستا نامه مینوی آیین زردشت»، تهران: انتشارات مروارید.
۱۵. دوستخواه، جلیل (۱۳۷۰) «اوستا، کهن ترین سروده های ایران»، تهران، انتشارات مروارید.
۱۶. راشد محصل، محمد تقی (۱۳۶۴) «درآمدی بر دستور زبان اوستایی، بررسی یسن نهم»، تهران: انتشارات کاریان.
۱۷. کریستن سن، آرتور (۱۳۷۶) «مزد/ پرستی در ایران کهن»، ترجمه ی ذبیح الله صفا، تهران: انتشارات هیرمند.
۱۸. رضی، هاشم (۱۳۴۶) «فرهنگ نامهای اوستا»، سازمان انتشارات فروهر، تهران.
۱۹. عفیفی، رحیم، اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته های پهلوی: ۵۷۶
۲۰. مشیری تفرشی، منیژه (۱۳۵۸)، پایان نامه هر مزدیشت، دانشگاه تهران
۲۱. محمویان، حبیب اله (۱۴۰۰) آئین ایرانی یلدا (جله)، نشر زاگرو، ایران.
۲۲. مکنزی، دن. (۱۳۷۳) «فرهنگ کوچک زبان پهلوی»، ترجمه ی مهشید میرفخرایی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

بررسی و مطالعه اسنادی پایگاه های کیهان شناسی در ایران باستان

مهندس امید محمودیان،^{۳۱}

چکیده: یافته های باستان شناسی، اسناد و منابع تاریخی نشان می دهد که ایرانیان از دیرباز به اجرام و پدیده های آسمانی و به زمان طلوع و غروب ستارگان و پدید آمدن فصول، صورت های فلکی و... اهمیت می دادند. ساکنان این سرزمین، امور جاری زندگی خود را بر اساس این پدیده ها محاسبه می کردند. نقوش باقی مانده بر روی سفالینه های دوران پیش از تاریخ، توجه مردم این سرزمین را به ستاره ها به خوبی نشان می دهد. در بسیاری از تپه های باستانی ایران، نشانه هایی از دانش اخترشناسی به دست آمده است. نمادها و نشانه های ستاره شناسی و نجوم در تپه های تاریخی ایران (مانند تپه گیان نهبوند، تپه حصار دامغان و...) که بر روی برخی تکه سفالینه ها و تراشه های ابزار های سنگی به دست آمده از جمله یافته های باستان شناسی در این عرصه می باشد. در اوستا، بویژه در یشت ها، اطلاعات بسیاری ارائه شده که نشان می دهد ستاره شناسان آریایی با ستاره ها و طلوع و غروب آنها آشنا بوده اند. از آنجا که بسیاری از نگاره های باستانی منقوش بر سفالینه ها و صخره ها، از چشم اندازهای کیهانی و پیکره های آسمانی تشکیل شده است؛ از این رو، دانش اخترشناسی می تواند به یاری تحلیل چنین نگاره های باستانی، به راز و رمزهای آن دست یابد. در این مقاله تلاش شده تا با بهره گیری از یافته های باستان شناسی، اسناد تاریخی و نیز معرفی رصد خانه ها و پایگاه های نجوم، اطلاعات مناسبی در عرصه کیهان شناسی در ایران باستان تهیه و ارائه گردد.

واژگان کلیدی: اختر شناسی، رصد خانه، صور فلکی، ستاره قطبی، اسطرلاب.

^{۳۱} - دانش اموخته رشته الکترونیک

مقدمه: دانش باستان شناسی از علوم و تخصص های متنوع دیگری برای پیشبرد اهداف خود و تفسیر و تحلیل یافته های باستانی بهره می گیرد. از گیاه باستان شناسی، زمین باستان شناسی، استخوان باستان شناسی، اسطوره شناسی و بسیاری میان رشته های دیگر که هر کدام دارای ابزارها و آزمایشگاه های ویژه ای هستند. از آنجا که حرکات اجرام کیهانی در محور های مشخص چون: چرخش زمین به دور خود و خورشید، پدیدار شدن فصول مختلف، تغییرات اقلیمی و... را به دنبال دارد لذا، شرایط زندگی انسان ها برای کار و تلاش روزمره متکی بر کشاورزی و دامداری نیز تحت تاثیر این پدیده ها قرار داشته است. آسمان برای مردمان باستان، سرچشمه تمامی نیروهایی بوده که بر زمین و زندگی جوامع بشری تاثیر گذار بوده است. آنان جایگاه خدایان، اهریمنان، ایزدان و دیوان را در آسمان می دانسته اند. بنابراین بخش عمده ای از پدیده های طبیعی را ناشی از قدرت آنان می دانسته اند. از این رو، ضرورت داشته تا مراکز و پایگاه های مشخصی برای مطالعه و رصد ستارگان و دیگر صورت های فلکی ایجاد نمایند. بررسی ها و یافته های باستان شناسی نشان می دهد در محدوده فلات ایران محوطه و مکان هایی در دوران مختلف به این مهم اختصاص یافته که تحت عنوان رصد خانه معروف بوده اند. به لحاظ اهمیت این نوع سازه ها و ضرورت آشنایی با دستاورد های بشر در این عرصه تلاش شده تا در این نوشتار به مواردی از این پایگاه ها اشاره شود.

دانش اخترشناسی

با بهره گیری از دانش نجوم می توان به رازورمزهای بسیاری از بناهای باستانی و سبک معماری آنها چون: رصدخانه ها و مکان های نجوم و ستاره شناسی پی برد. علم نجوم و کیهان شناسی در این رابطه می تواند ما را در جهت شناخت بیشتر چنین بناهایی یاری نماید. کشف ستاره قطبی و بازسازی گردش صورت های فلکی که در باور ایرانیان

باستان جای گرفته و محاسبات طلوع و غروب آن ها از جمله تلاش های انسان در این منطقه از کره خاکی بوده است. بررسی، تحلیل و ریشه یابی آیین ها در پیوند با نوروز و صورت های فلکی چون عقرب که در اسناد تاریخ باستان ایران آمده می تواند به عنوان ابزاری برای گاه سنجی و تعیین قدمت برخی داده های باستانی به کار رود. از جهتی بهره گیری از علم نجوم و محاسبات مختلف در رابطه با صور فلکی، آئین ها و جشن های مرتبط با فصول و تغییرات و تحولات در پدیه های منظم کیهانی، آشنایی با نظام های گاهشماری جوامع باستانی و تعیین زمان رویدادهای تاریخی از دیگر دستاوردهای بشر در عرصه اختر شناسی است (محمودیان، ۱۴۰۰: ۲۵). باستان شناسی با گردآوری و طبقه بندی و گاه سنجی نمونه سفالینه های مکان های باستانی که تصاویر و خطوطی را از زمین بر آنها رسم شده قادر است اطلاعات گسترده ای را پیرامون اشکال زمین که در عهد باستان مورد توجه انسان ها و جوامع مختلف بوده بدست آورند.

پیشینه تاریخی اختر شناسی در ایران

بررسی یافته های علمی نشان می دهد ایرانیان از جمله اقوام متمدنی بوده اند که علاوه بر کسب علوم مختلف در عرصه کیهان شناسی و مطالعه اجرام و پدیده های آسمانی همانند سایر ملل متمدن در عهد باستان به مطالعه پرداخته اند. ایرانیان به پدیده های آسمانی اهمیت می داده و در نجوم دقیق بوده اند. حکیم ابوالقاسم فردوسی آغاز شاهنامه را با نگاهی به چگونگی پیدایش آسمان، سیارات و ستارگان شروع می کند. همچنین در ابیات آفرینش مردم نیز به چگونگی پیدایش شب و روز، آفتاب و ماه و چگونگی قرار گرفتن در منظومه شمسی می پردازد. از مهم ترین شخصیت های ستاره شناس در شاهنامه می توان به جاماسب وزیر گشتاسب و رستم فرخزاد اشاره کرد.

مراجعه به شاهنامه نشان می‌دهد که وقتی هر یک از پادشاهان یا سرداران ایران می‌خواستند کار مهمی انجام دهند، از اخترشناسان نظرخواهی می‌کردند و گاه نیز در جریانات مختلف، منجمان به پیشگویی می‌پرداختند. ابزارهای نجومی اخترشناسان در شاهنامه برای رصد، عبارت بودند از: جام، جام کیخسرو، جام گیتی‌نما، صلاب (مخفف اسطربلاب). جمیله اعظمیان در مقاله خود نوشته است: جامِ جَم، جام منسوب به جم یا جمشید، شخصیت اسطوره‌ای هندوایرانی که هم ظرفی برای شراب، و هم ابزاری برای پیشگویی و بازنمایی رویدادهای جهان بوده است (اعظمیان، ۱۳۹۸ : ۶۰). در منابع تاریخی و اشعار شاعران متقدم نیز به حرکات منظم سیارات کیهانی و سایر پدیده‌های کیهانی اشاره شده است. بخشی از تحولات تاریخی در عرصه نجوم حاصل مراودات اقوام و تمدن‌های مختلف بوده است. تمدن‌ها از یکدیگر تاثیر می‌پذیرند و بر هم اثرگذار هستند، بنابراین می‌توان گفت که در عهد باستان، ایران، در اثر ارتباط با تمدن‌هایی چون: سومر، بابل، آشور و یونان، با اخترشناسی آشنایی بیشتر پیدانموده است. از یونان، هیئت بطلمیوس نیز وارد نجوم ایرانی شده و برغناى دانش ایرانیان افزوده است. در دوره ماد نجوم دارای اهمیت بود و بدان توجه ویژه داشتند، در این دوره، مغان وظیفه پیگیری امور نجومی را بر عهده داشتند. وجود تقویم‌های مختلف در دوره‌های تاریخی ایران باستان، به پدیده‌های نجومی توجه شده است. تقویم‌های مربوط به حکومت ایلام و هخامنشی که هر یک دارای دوازده ماه ۳۰ یا ۲۹ روزه بوده‌اند نشان از توجه به علم نجوم دارد. علاوه بر این، وجود نقش‌های شیر و گاو بر دیواره بیرونی کاخ آپادانا را نیز برخی از پژوهشگران با نقش‌های نجومی مرتبط می‌دانند. در دوره اشکانی و ساسانی نیز تقویم‌های مختلفی وجود داشته و منجمان به رصد پدیده‌های نجومی اقدام نموده‌اند بطوری که در شاهنامه فردوسی به زیج شاهی

ساسانی اشاره شده است. در منابع دوره ساسانی اشاره شده که این زیج مربوط به خسرو انوشیروان دادگر بوده است. علاوه بر این، برخی مطالعات انجام شده روی چهارطاقی‌های بازمانده ازدوره تاریخی نشان می‌دهد رابطه‌هایی بین ساختمان چهارطاقی و طلوع و غروب اجرام آسمانی متصور بوده است.

کیهان شناسی در متون اوستایی

بررسی متون اوستایی به‌عنوان قدیمی‌ترین منبع ایرانیان باستان اطلاعات ارزشمندی از کیهان‌شناسی ارائه نموده است. در یسنه ۴۴ آن آمده است: ای اهورا، زرتشت ازتومی پرسد، پس زرتشت را به راستی آگاه ساز:

درنخستین روز آفرینش، آفریننده راستی کیست؟ راهبرد پیمایش خورشید و ستاره‌ها از سوی کیست؟ گردش روشنایی ماه، که گاه سرشار از تابش و گاه بدون تابش است، از سوی کیست؟ آفریننده بامداد و نیمروز و شب که خاکیان را به نماز فرا می‌خواند کیست؟ نگهدارنده گردوی زمین در پایین و خورشید در آسمان، به گونه ای که خورشید به سوی نشیب فرود ناید، کیست؟ آفریننده آب و گیاه کیست؟ فرمان دهنده ابر و باد تند رو کیست؟ (اعظمی و...، ۱۴۰۱: ۳۳) دقت در این سوالات و توجه به جریان جذر و مد و حرکات آسمان و زمین نشان می‌دهد که ایرانیان از قدیم‌ترین ایام به امر نجوم و پدیده‌های آسمانی نظر داشته‌اند.

علاوه بر گاتها، در بخش‌های دیگر اوستا مثل یشتها و به‌خصوص تیریشْت، دیده می‌شود که در توصیف آسمان گفته شده: «آسمان شهریست با راه‌های باشکوه که در زمین مانند آن یافت نمی‌شود» (پورمحمدی، ۱۴۱: ۶۷).

اختر شناسی در دوران اسلامی

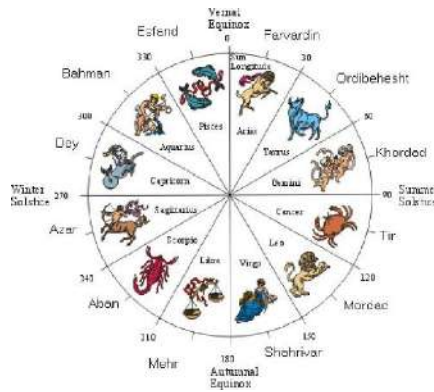
در دوران خلافت عباسی، منصور عباسی امر نجوم توسط منجمان دنبال می‌شد. وی حتی برای انتخاب بغداد به پایتختی، از منجمان زمان استفاده نموده که زمان مناسب را به او اعلام نمایند. با روی کار آمدن مامون عباسی، و شکل‌گیری نهضت ترجمه و فعالیت دارالترجمه‌ها، بیت‌الحکمه‌ها و...، و آشنایی مسلمانان با متون مختلف تمدن‌های باستانی ایران و روم، پیشرفت اخترشناسی نیز سرعت بیشتری گرفت. ترجمه کتب پهلوی به عربی، کتاب مجسطی و تلاش‌های دانشمندان ایرانی و اسلامی چون: ابراهیم فرزاری، ابومعشر بلخی، احمد سجزی، خالد بن عبدالملک مروودی، محمدبن موسی خوارزمی، این علم در عصر اسلامی رونق پیدا کرد (زینلی تربتی، ۱۳۹۵: ۲۲).

نخستین محاسبات قطر زمین در همین دوره توسط بنوشاکر انجام شد. به نظر می‌رسد توجه به نجوم در این دوره، تعیین سالنامه و مشخص کردن اوقات شرعی برای انجام عبادات بوده است. تحولات تاریخی عصر سامانیان نشان می‌دهد ایران و سایر بلاد اسلامی، در زمینه علوم و دانش‌های مختلف به‌ویژه جغرافیا، نجوم و طب پیشرفت شگرفی داشته است. در این دوره دانشمندان بسیاری چون: ابوریحان بیرونی در خوارزم به اخترشناسی پرداختند. دوران آل بویه از نظر رشد دانش ستاره‌شناسی و ایجاد رصدخانه بسیار با اهمیت بوده است.

در دوره سلجوقیان مسئله هیئت و نجوم مورد توجه بوده است. علاوه بر اسطرلاب، در بین آثار بازمانده از این زمان، بر روی تنگ یا آبریزها تصاویری از اجرام آسمانی و صور فلکی حک شده که با روش مرصع و با استفاده از مس و نقره، تزیین شده‌اند. تزیینات موجود روی ابزار فلزی و سفالی، تحولات کیهان‌شناسی را تایید می‌نماید. در دوره سلجوقی، حکیم عمر خیام نیشابوری به‌عنوان بزرگترین منجم، دانشمند و

ریاضی‌دان نقش عمده ای در تدوین تقویم جلالی داشته که به عنوان مهمترین دستاورد در عرصه نجوم و گاهشماری شناخته شده است. در این مقطع از دوره اسلامی (ایلخانیان و تیموریان) شاهد تحولاتی در عرصه کیهان شناسی و نجوم بوده ایم که در مبحث معرفی رصد خانه ها به تفصیل بیان شده است.

در دوران متاخر اسلامی رصد خانه های مختلفی در سرزمین های تابع امپراطوری ایران در عرصه اختر شناسی ایجاد شد. در عصر صفویه با کشفیات نجومی بزرگ در جهان، تحولاتی در علم نجوم پدیدار گردید. در این دوره به دلیل وجود دانشمندان نجوم در ایران، علم نجوم پیشرفت داشت و حتی توانست بر سرزمین هند تاثیر گذار باشد. این تحولات تا عصر قاجار و تاسیس مدرسه دارالفنون استمرار داشته است. در این دوره عبدالغفار نجم الدوله به عنوان یکی از منجمان این عصر، تقویم رسمی ایران را تدوین کرد. در قرن اخیر تحولات علم نجوم موجب تسخیر فضا و کرات کیهانی گردید.



رصد خانه های ایران درعهد باستان

رصدخانه زرتشت: این رصدخانه در جنوب شهر سوخته زابل واقع در استان سیستان و بلوچستان قرار دارد و از جمله قدیمی ترین رصدخانه های جهان به شمار می رود. کاوش های شهر سوخته، قدمت این اثر را به ۳۸۰۰ تا ۵۲۰۰ سال پیش می رساند. در فاصله چند کیلومتری این شهر محلی است به نام کرکوی که یکی از بزرگترین آتشگاه های دوران تاریخی تا اواخر ساسانیان در آنجا قرار داشته است. اسناد تاریخی نشان می دهد نيمروز مبداء شاخص گاه شماری در ایران باستان بوده، اما دردوران اقتدار تازیان نيمروز را به نصف النهار ترجمه کرده اند. در این مقطع از تاریخ ایران، قدرت های استعماری چون: انگلستان، نصف النهار مبداء و صفر درجه را از نيمروز تابستانی و مهد تمدن ایران باستان برداشتند و ناحیه گرینویچ در انگلستان را که با محاسبات نيمروز همخوانی نداشته جایگزین نموده اند.

در رصدخانه زرتشت قدیمی ترین ستاره یاب (اسطرلاب) کشف شد. کشف این ستاره یاب نشان می دهد که این وسیله ستاره یابی، چندین قرن پیش از بطلمیوس در سرزمین ایران اختراع شده است. بیرونی در «تحدید نهایات الامکان» و ابوالفداء در «تقویم البلدان» از این رصدخانه به نام زرتشت نام برده اند. رصدخانه را امروزه بنای شماره ۳ «دهانه غلامان» واقع در شهرستان زهک می نامند. این اثر مربوط به دوره هخامنشی است و یکی از مهم ترین آثار تاریخی منطقه به شمار می آید که در سال ۱۳۱۰ با شماره ۵۰ در فهرست آثار تاریخی کشور به ثبت رسیده است.

دهانه غلامان، شهری باستانی است که در دو کیلومتری روستای قلعه نو و ۴۲ کیلومتری شهر زابل در استان سیستان و بلوچستان قرار دارد. بقایای این شهر تاریخی در محوطه ای به طول تقریبی چهار تا پنج کیلومتر قابل رؤیت است. این اثر دارای

ساختمان‌های بزرگ عمومی، معبد، محله‌های مسکونی، خیابان، آبراهه، محله‌های نظامی و صنعتی است. رصدخانه بنایی است که با خشت و گل ساخته شده و چهارگوش است که طول هر ضلع آن به ۵۴ متر می‌رسد. در چهار سوی حیاط مرکزی، ایوان‌ها و ستون‌هایی قرار دارد که در رصد، سایه‌ها به ترتیب خاصی انجام وظیفه می‌کنند. باستان‌شناسان ایتالیایی رصدخانه نیمروز یا «دهانه غلامان رادر سال ۱۹۶۰ میلادی کشف و از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵ میلادی این محل را حفاری کرده و از این ساختمان به نام ساختمان مقدس نام برده‌اند. اما آنان پی به کاربرد واقعی بنا نبرده لذا در مرمت و بازسازی آفتاب‌سنج‌ها نیز دقت کافی نشده و در نتیجه، امروزه از دقت رصدخانه و آفتاب‌سنج‌ها تا اندازه‌ای کاسته شده است. در کنار رصدخانه نیمروز بنای کوچکی وجود دارد که مردم محلی از دیر زمانی از آن به نام آرامگاه زرتشت نام می‌بردند.

ایرج افشار سیستانی، ایران‌شناس، در چهارمین همایش فرا ملی جغرافی دانان جهان اسلام در همین زمینه سخنانی گفته که خلاصه آنرا با برداشتی از هفته‌نامه امرداد (شماره ۲۲۸-۱۳۸۹/۲/۱۱) چاپ تهران در این مبحث ارائه شده است: نصف النهار گرینویچ، نصف النهار مبداء نیست، این نصف النهار پایه و بینیان علمی ندارد. خط نیمروز مبداء در ایران است. در استان سیستان و بلوچستان و در شهر زابل. جایگاه نصف النهار مبداء، در سال ۱۷۶۷ پیش از میلاد از سوی زرتشت پیامبر ایران باستان رصد شد. اشو زرتشت با دانش ستاره‌شناسی دریافته بود که خط نیمروز یا نصف النهار از سیستان می‌گذرد و به جایگاه دقیق آن نیز دست یافته بود. این خط، نیم کره شمالی زمین را به دو بخش برابر، قسمت می‌کند. و این به آن معنا است که تنها در این نقطه از جهان، هنگامیکه خورشید به میانه آسمان رسد، یعنی به هنگام میانه روز یا

نیمروز، همه ی نیمکره ی شمالی جهان در روز به سر می برند. نیمروز نامی است که به چگونگی تابیدن نور خورشید به نصف النهار بستگی داشته است. نیمروز نام علمی سیستان است و از همین روی، در روزگاران پیشین، این بخش از ایران را ایالت «نیمروز» خوانده اند. رصدخانه نیمروز، درست بر این خط ساخته شده بود و دایره نیمروز جهان از این رصدخانه می گذشت که اکنون زیر توده هایی از شن و خاک پنهان است. رصدخانه نیمروز در پهنای ۳۳/۵ درجه در میانه کرانه ی خاوری و باختری خشکی جهان است. سیستان در میانه ی آبادانی های جهان در نیمکره شمالی است و خط نیمروز در پی رصدهای زرتشت پیامبر، در این جایگاه دقیق استوار شد. از این روی، انتخاب گرینویچ، در ۸ کیلومتری لندن به عنوان نصف النهار مبدا یا نیمروز از نظر علمی و جغرافیایی پذیرفته شدنی نیست.

زرتشت در ۱۷۲۵ پیش از میلاد در رصدخانه « گنگ دژ» در نیمروز یا سیستان درآمدن خورشید را به برج «حمل» رصد کرد و پایه گاهشماری آینده را استوار ساخت (تزی، ۱۳۹۵:).

رصدخانه نقش رستم : براساس بررسی های باستان شناسی در دوران تاریخی از رصدخانه نقش رستم استفاده شده است. این رصدخانه درشش کیلومتری تخت جمشید قرار دارد که در دوران هخامنشیان تاسیس شده است. این رصدخانه را به نام کعبه زرتشت می شناسند و برای سنجش گردش خورشیدی و انقلاب های تابستانی و زمستانی و اعتدال بهاری و پاییزی و دیگر رویدادهای سالنامه نگاری به کار می رفته است. ارتفاع این ساختمان ۱۲ و نیم متر است و در قسمت غربی آن ۳۰ پله دیده می شود. این پله ها در حکم یک صفحه مدرج است و در کنار هر یک از آنها محاسبه زمان از راه خورشید است. پله ها طوری ساخته شده اند که سایه لبه عمودی بنا به

هنگام طلوع خورشید در هر یک از ماه های سال به ترتیبی ویژه بر روی پله ها می افتد. در پله ها ترتیبی وجود دارد که از روی آن نزدیک شدن سال نو را هفته به هفته در آن زمان محاسبه می کرده اند. بر هر یک از ضلع های دیگر بنا شش شاخص خورشیدی یا آفتاب سنج به شکل پنجره نمای سنگی دیده می شود.

برزو نجمی نوشته است: تمام این ها با نوشته های هخامنشیان نمایانگر این واقعیت است که اخترشناسان ۲۵۰۰ سال پیش با قوانین حرکت زمین، ماه، سیارات و دیگر پدیده های آسمانی همانند ماه و خورشید گرفتگی آشنا بوده اند و آنها را از پیش تعیین می کرده اند و می دانستند که زمین کروی است زیرا در اوستا نیز تصریح شده که زمین، خایه دیسه (بیضی شکل) است (یعنی کروی بودن زمین کشف گالیله نبود) و زمین مرکز جهان هستی نیست و هم به دور خود و هم به دور خورشید می چرخد. نابوریمانو اخترشناس دوره هخامنشی بر پایه همین اطلاعات، در کتیبه معروف کمبوجیه در رصد ماه، مشتری، زحل و مریخ (ناهید، کیوان، بهرام) یادداشتی از خود به یادگار گذاشته است. در متن این کتیبه رصد دقیق ماه، سیاره ها و محاسبه های مربوط به طلوع و غروب آنها به دقت نوشته شده است. فراست و آگاهی ایرانیان، موجبات جلب توجه دانشمند مشهور یونانی « فیثاغورث » را به ایران، برای کسب این دانش فراهم نموده است. این بنا، یک رصدخانه و تقویم آفتابی و به تعبیر دیگر زمان سنج یا شاخص خورشیدی برای سنجش گردش خورشید و به تبع آن نگهداشتن حساب سال و سال شماری و تشخیص روزهای اول هر ماه خورشیدی و انقلاب های تابستانی و زمستانی و اعتدال بهاری و پاییزی و بعضی دیگر رویدادهای مربوط به سالنامه نگاری بوده است (تزری، ۱۳۹۵: پی نوشت: ۱۷ و ۱۸).

رصد خانه یا تقویم آفتابی مجاور زیگورات چغازنبیل

نیایشگاه چغازنبیل در استان خوزستان و در فاصله ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی شوش واقع شده است. این زیگورات در دوره ایلامیان به فرمان «اونتاش گال» یا «اونتاش ناپیریشا» پادشاه ایلامی در شهر «دور اونتاش» ساخته شده است. در سه سوی زیگورات چغازنبیل که از بزرگترین بناهای باستانی ایران به شمار میرود، سه بنای کوچک آجری دایره ای شکل ساخته شده است که تنها یکی از آنها که در سوی شمال غربی قرار دارد تا حدودی سالم باقی مانده بود و دیگری که در سوی جنوب غربی قرار گرفته است، شبیه به نمونه سالم شمال غربی بازسازی شد. در باره کاربرد این سکوها نظریه های متفاوتی ابراز شده بود، گروهی از آن به عنوان پایه مجسمه نام برده اند و عده ای دیگر آنرا سکو، نیمکت، مذبح محراب و قربانگاه دانسته اند البته و بی گمان احتمال «پایه مجسمه» بودن این بنا منافاتی با کاربرد تقویمی آن ندارد. به نظر می رسد این آثار بر روی هم مجموعه واحدی را تشکیل می دهند، یک رصدخانه خورشیدی یا تقویم آفتابی و همچنین شاخص زمان برگزاری مراسم همگانی در زیگورات چغازنبیل بوده است. این مجموعه برای سنجش گردش خورشید و سالشماری و استخراج تقویم و تشخیص روزهای اول و میانی هر فصل سال یا اعتدالین بهاری و پاییزی و انقلاب های تابستانی و زمستانی مورد استفاده قرار گرفته اند. در چهار سوی هر یک از این بناها، چهار آفتاب سنج آجری به شکل تاق نما یا پنجره نما ساخته شده است که با آفتاب سنج های رصدخانه نقش رستم شباهت دارند. در واقع شکل خاص این تاق نماها که با چند قوس یا ردیف پشت سرهم به ترتیب کوچک می شوند، در آیین معماری باستان جایگاه ویژه ای داشته اند. نمونه این اتاق نماها در بناهای باستانی ایلامی و هخامنشی در شوش، بناهای اورارتویی در پیرامون دریاچه وان، بناهای بین

النهرینی در اوروک در نیایشگاه سفید، بناهای هخامنشی در تخت جمشید، بناهای اشکانی در نسا و هاترا، بناهای ساسانی در فیروز آباد و بیشاپور و تخت سلیمان و نیز در بسیاری جاهای دیگر دیده می شوند. در چغازنبیل آجرهای سازنده این آفتاب سنج ها اختصاصاً برای همین کاربرد طراحی و قالب ریزی شده اند و دارای شکل خاص هشت ضلع بیرونی یک رج از این آجرها، کتیبه ای به خط و زبان ایلامی نگاشته شده است. در تقویم آفتابی مجاور چغازنبیل، تغییرات زاویه بین گوشه های آفتاب سنج ها با تغییرات زاویه طلوع خورشید در آغاز هر یک از فصل های سال برابر است. به عبارت دیگر این آفتاب سنج ها به گونه ای طراحی و ساخته شده اند که بتوان هنگام طلوع یا غروب خورشید با مشاهده سایه های متشکله در آن، آغاز یا میانه هر یک از فصل ها که منطبق با اعتدال های بهاری یا پاییزی و انقلاب های تابستانی است را تشخیص داد.

رصدخانه اَلْغَبِیْک: این رصدخانه از جمله مهمترین پایگاه های کیهان شناسی دوره اسلامی است که در شهر سمرقند توسط الغ بیگ حاکم تیموری ساخته شده است. از جمله غیاث الدین جمشید کاشانی و علی قوشچی در این رصدخانه به تحقیق پرداخته اند. با روی کار آمدن الغ بیگ و علاقه وافر وی به امر نجوم، موجب شد تا وی وزیر خود، غیاث الدین جمشید کاشانی را که از بزرگ ترین ستاره شناسان آن عهد بود به خدمت گیرد و از دانش و علم او در امر رصد های کیهانی بهره گیرد. با تلاش های غیاث الدین زیج ایلخانی در سمرقند جایگاه ویژه ای پیدا کرد.



رصد خانه مراغه : در دوره هلاکو خان ایلخانی، رصدخانه مراغه توسط خواجه نصیرالدین طوسی منجم و ریاضی دان عصر و صاحب رساله اخلاق ناصری و زیج معروف ایلخانی بنیاد نهاده شد. این رصدخانه به عنوان یکی از رصدخانه های دوره اسلامی از شهرت بالایی در جهان برخوردار بوده است. این بنای علمی و فرهنگی از مراکز اصلی رصد ستارگان و صور فلکی بوده است،



چهارتاقی نیاسر کاشان: چهارتاقی ها در ایران به عنوان آتشکده نیز معروف هستند. بررسی های تاریخی نشان می دهد در این مکان ها علاوه بر نگهداری آتش، در عرصه ستاره شناسی و نجوم نیز مورد استفاده قرار گرفته اند. چهارتاقی اشکانی نیاسر از جمله

سالم ترین چارتاقی های ایران است که از چهار پایه که با چهار تاق با یکدیگر پیوند یافته مجموعه مربع شکلی را به وجود آورده اند. نسبت طول هر ضلع این مربع به پهنای پایه ها $3/2$ است. بررسی ها نشان می دهد که علیرغم تفاوت در اندازه های بنا، نسبت بین پهنای پایه ها به طول ضلع چارتاقی، یکسان و برابر است و این تناسب باعث می شود تا بین گوشه های پایه ها و خط دیدهایی که به موجب آنها تشکیل می شود، فاصله ای برابر با $23/5$ درجه قوسی ایجاد شود. فاصله ای که با زاویه میل خورشید در آغاز هر یک از فصل های سال برابر است. بدین ترتیب در چارتاقی نیاسر کاشان پرتو خورشید بامدادی در آغاز هر یک از فصل های سال از طریق یکی از روزنه ها یا خط دیده های بنا دیده می شود و فرا رسیدن فصل تازه را اعلام می دارد. بنابراین ویژگی های محاسباتی معماری اینگونه بناها، نشانه ای از محاسبات کیهان شناسی بوده است (مرادی غیاث آبادی، ۱۳۸۲).

چهارتاقی بازه هور: این چهارتاقی در نیشابور و در فاصله تقریبی ۷۵ کیلومتری مشهد در مسیر نیشابور به تربت حیدریه و در محدوده روستای رباط سفید واقع شده و متعلق به دوره تاریخی است. بنای چهارطاقی بازه هور دارای سه ورودی و یک گنبد مرتفع است. پژوهشگران ایرانی، اعتبار نجومی این بنا را مورد توجه قرار داده اند. نام گاهشماری در چهارتاقی بازه هور بسیار جالب، دقیق و ساده طراحی شده و می تواند نمونه ای برای ساختن نمادین این گونه تقویم های آفتابی باشد. در این چهارتاقی، زاویه میان بخش های داخلی پایه های غربی که آفتاب سنج بنا را تشکیل می دهند، با زاویه میل خورشید در آغاز هر یک از ماه های سال برابر است. بنای چهارتاقی بازه هور نسبت به چهار جهت اصلی با 14 درجه انحراف شرقی ساخته شده که اگر 3 درجه میل مغناطیسی منطقه را به آن بیافزاییم، انحراف آن از چهار جهت اصلی به 17 درجه می

رسد. این نکته حائز اهمیت است که نام «بازه هور» اشاره مستقیم و دقیقی به کاربرد تقویمی آن دارد. چرا که «هور» همان خور یا خورشید است و «باز» به معنای فاصله میان دو چیز، بریدگی، روزنه و شکاف آمده است که با هم معنای «شکاف خورشید» یا «روزنه خورشید» را می دهد. اما بجز این بازه به معنای «چوبی که ترازو یا قیان را از آن می آویزند» نیز آمده و این معنا نیز با روزنه بنا که شاخص خورشیدی را از آن می آویخته اند، هماهنگی دارد و اشاره آشکاری به کاربرد تقویمی و رصدخانه ای این بنا می کند.



پی نوشت ها

۱. زیج و زایچه لوحه چهار گوش و یا گردی است که برای نشان دادن مواضع ستارگان در فلک ساخته می شود تا برای به دست آوردن حکم طالع ولادت و امور دیگری مورد استفاده قرار گیرد.
۲. مادام ژان دیولافوا^{۳۲} همسر مارسل اوگوست دیولافوا (۱۸۴۳- ۱۹۲۰)، مهندس راه و ساختمان و باستان شناس فرانسوی بود و به همراه همسرش از سوی دولت فرانسه برای انجام کاوش های باستان شناسی سه بار به ایران سفر کردند.
۳. ژان شاردن^{۳۳} (۱۶ نوامبر ۱۶۴۳- ۵ ژانویه ۱۷۱۳) جواهر فروش و جهانگرد فرانسوی بود که کتاب ۱۰ جلدی «سفرهای سرژان شاردن» به عنوان یکی از بهترین کارهای پژوهشگران غربی درباره ایران و خاور نزدیک برشمرده می شود. این کتاب برای اولین بار در ایران با نام «سیاحتنامه شاردن» با ترجمه محمد عباسی توسط مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر در سال ۱۳۳۵ منتشر شده است.
۴. انگلبرت کمپفر^{۳۴} متولد ۱۶ سپتامبر ۱۶۵۱، پزشک و طبیعی دان اهل آلمان بود که به واسطه سفر جهانگردی اش به روسیه، ایران، هند، آسیای شرقی و ژاپن در بین سال های ۱۶۸۳ تا ۱۶۹۳ مشهور است. او درباره این مسافرت ها دو کتاب نیز نوشته است یکی از این کتاب ها با نام سفرنامه کمپفر توسط کیکاووس جهانداری به فارسی ترجمه شده است.
۵. اریش فریدریش اشمیت^{۳۵} متولد ۱۳ سپتامبر، باستان شناس آلمانی-آمریکایی متولد شهر بادن-بادن بود.
۶. رومن گیرشمن^{۳۶} (اکتبر ۱۸۹۵ - سپتامبر ۱۹۷۹) باستان شناس فرانسوی بود. وی بیشتر به آثار باستانی ایران علاقه مند بود، در سالهای بعد، در راس هیئتی همراه با همسرش، تانیا

^{۳۲} - Jane Dieulafoy

^{۳۳} - Jean Chardin

^{۳۴} - Engelbert Kaempfer

^{۳۵} - Erich Friedrich Schmidt

گیرشمن به ایران آمد و به حفاریهایی در تپه گیان نهادند، زرامین سفلی، لرستان، اسدآباد، تپه سیلک، بگرام، بیشاپور و شوش پرداخت.

۷. سر هنری راولینسون متولد ۵ آوریل ۱۸۱۰ - دیپلمات و شرق شناس بریتانیایی بود. او نخستین کسی بود که خط میخی را با بررسی کتیبه‌های بیستون خواند

۸. والتر برونو هنینگ^{۳۷} متولد ۲۶ اوت ۱۹۰۸ در پروس شرقی خاورشناس و ایران شناس آلمانی و انگلیسی، متخصص زبان‌های باستانی ایرانی و پیشگام در پژوهش‌های آیین مانی بود.

۹. رابرت کرپورتر^{۳۸} متولد ۱۷۷۷ میلادی، جهانگرد و دیپلمات و نویسنده انگلیسی بود. وی در سال ۱۸۱۸ میلادی از پاسارگاد بازدید کرده‌است. او اولین کسی است که پی برد بنایی که به مشهد مادر سلیمان معروف است همان آرامگاه کوروش بزرگ است.

۱۰. فردیناند یوستی^{۳۹} متولد ۲ ژوئن ۱۸۳۷ در ماربورگ، آلمان، ایران شناس آلمانی بود. او در ۲۸ سالگی به استادی دانشگاه ماربورگ رسید و به تدریس زبان شناسی تاریخی و تطبیقی و زبان‌های ایرانی پرداخت.

۱۱. اصطخر یا استخر شهری باستانی است که در استان فارس ایران واقع است. اصطخر از بزرگ‌ترین شهرهای دوران خود بوده و به گفته تاریخ نویسان چهار دروازه داشته که امروزه یکی از آنها در سر پیچ دوراهی مرودشت ارسنجان قرار دارد و دیگری در جنوب مرودشت کنونی قرار داشته‌است.

۱۲. علی سامی متولد ۱۲۸۹ ش در شیراز، نویسنده، محقق و استاد دانشگاه، باستان شناس و رئیس مؤسسه باستان شناسی تخت جمشید بود. مرمت آرامگاه کوروش بزرگ در سال ۱۳۵۰ ش به سرپرستی وی انجام شد.

^{۳۶} - Roman Ghirshman

^{۳۷} - Walter Bruno Henning

^{۳۸} - Robert Ker Porter

^{۳۹} - Ferdinand Justi

۱۳. دیوید استروناخ^{۴۰} باستان‌شناس اهل اسکاتلند و کارشناس تاریخ ایران و عراق است.
۱۴. مارکوس آنتونیوس گوردیانوس^{۴۱} متولد ۲۰ ژانویه ۲۲۵، بیشتر با نام گوردیان سوم شناخته می‌شود،
۱۵. هیربُد یا هیربُد یا هیربُد (پارسی میانه: hērbēd، اوستایی: aēθrapaiti) یکی از پیشوایان آئین مزدیسنا است.
۱۶. زیج سنجری که ابوالفتح عبدالرحمان خازنی بنام سلطان سنجر تنظیم کرده (دائرة المعارف فارسی).
۱۷. در این قسمت، از نوشته های پژوهشی رضا مرادی غیاث آبادی، مبدا گاه شماری در ایران باستان، چاپ تهران استفاده شده است. او که با پژوهش های مشابه اثر مثبتی در محققین جوان گذاشته بود، با برخوردی ناروا با پاره ای از نام آوران این رشته در سالهای اخیر خود را به زیر سوال برده که مایه تاسف جامعه ایرانی و خارجی شده است.
۱۸. ژان ژاک الیزه رومکو در یک مقاله تحقیق عمیق در مجله انجمن جغرافیایی نوشتاتل جلد ۱۱ سال ۱۳۸۹ مینویسد: ما به ایرانیان باستان حتی از جهت پایه گذاری های اولیه ریاضیات مدیون هستیم. واژه آزادی در زبان فارسی از ریشه «آزت» به معنای وارسته، نجیب و جوانمرد است. بدون انتظام درونی، نوعی هرج و مرج است.

منابع

- افشار سیستانی، ایرج، ۱۳۸۹، برداشتی از هفته نامه امرداد، چهارمین همایش فرا ملی جغرافی دانان جهان اسلام (شماره ۲۲۸-۲/۱۱-۱۳۸۹)، تهران.
- اعظمی، حسین، پورمحمدی، پریسا (۱۴۰۱)، گاهان کهن ترین سروده های زردشت به خوانش روان، نشر زاگرو. ایران.
- اعظمیان، جمیله، ۱۳۹۸، جام جم، دائرة المعارف بزرگ اسلامی / ادیان و عرفان.

^{۴۰} - David Stronach

^{۴۱} - Marcus Antonius Gordianus

- افروغ، محمد و دیگران، ۱۳۹۱، تحلیل و بررسی مفاهیم نجومی در آثار فلزی دوره سلجوقی، فصلنامه نگره، ش ۲۱، بهار ۹۱.
- پورمحمدی، پریسا (۱۴۰۱)، یشت‌ها، نیایشهای اوستایی، نشر زاگرو، ایران.
- تزری، رحیم (۱۳۹۵)، مهر، آئین مهر، ومهرگان (پژوهشی پیرامون اسطوره مهر، آئین مهر و جشنهای مهرگان از دوران باستان تا کنون)، چاپ نشده.
- حاتمی، حافظ. نجوم فارسی یا سیر اختران در شاهنامه، مجله زبان و ادبیات فارسی، ش ۸، ۱۳۸۶.
- زریاب خوبی عباس، ۱۳۸۵، نگاهی تازه به فردوسی، ایران نامه، ش ۱۰.
- زینلی تربتی، عاطفه، ۱۳۹۵، نجوم در ایران باستان، فصلنامه شب آهنگ، شماره ۱، اردیبهشت ۱۳۹۵
- ضیغمی محمدرضا، اسماعیل پورمطلق، ابوالقاسم (۱۳۹۸) پیمان گیتی و جام گیتی نما (تحلیل نمادشناختی جام جم)، نشریه تاریخ ادبیات (پژوهشنامه علوم انسانی) دوره: ۱۲ | شماره: ۲ صفحات: ۱۷۱-۱۹۴
- گیاهی یزدی حمیدرضا و حسن باستانی راد. تاریخ نجوم در ایران. (از ایران چه می‌دانیم) دفتر پژوهشهای فرهنگی. شاهنامه فردوسی
- مرادی غیاث آبادی، رضا، ۱۳۸۲ بناهای تقویمی و نجومی ایران، تهران.
- محمودیان، حبیب اله (۱۴۰۰)، آئین ایرانی شب یلدا (شب چله)، نشر زاگرو، ایران.

Studying the social-cultural conditions of the Ilkhanate period based on numismatic evidence Faringis Darvishi·Majid Haji Tabar

Abstract

With the extinction of the Abbasids, the rule of Ilkhans was established and they ruled Iran for about a century (۱۲۵۶-۱۳۵۳ AD) with the help of high-ranking Iranian Muslim nobles. Although the Ilkhans were inclined towards Buddhist and Christian religions, but to legitimize their rule, they minted signs of Islam on their coins. On the coins of the first rulers, a part of the ۲۶th verse of the blessed Surah "Al-Imran" was engraved. Ali's name appeared for the first time on Arghun coins, which is a sign of the influence of Shias in his court. At the same time, according to the prevailing political situation, Abaqa and Arghun minted the slogan of the Trinity (Christianity) and the emblem of the Prophet David's star (Judaism) on their coins. But Ghazan Khan and his successors, under the influence of Iran's cultural environment, converted to Islam and minted coins more in the style and level of Sunnis. Finally, coins were minted from Al-Jaytu, which confirms the tendency of this patriarchal ruler to the Shiite religion. This research, with a numismatic approach, using a descriptive method and content analysis, using library and documentary sources, citing Quranic verses and religious signs and symbols engraved on the amulets of the Ilkhans, on the one hand, seeks to identify their religious ideas and beliefs, and on the other hand, to know the cultural-social situation in this period. The results of the research show that although the various religious signs and writings on these coins show the tendencies of the patriarchal rulers towards Buddhism, Christianity and Judaism, but Islamic beliefs (Sunnan and Shia) were more evident than other religions. .

Key words: Cultural situation of Ilkhans Ilkhani coins, Quranic phrases, Islamic rituals, Christian rituals.

Studies about the rituals of ancient Iranians and its relationship with agriculture **Habibolah Mahmoodian**

Abstract

Historical studies show that the inhabitants of different areas of the Iranian plateau in ancient times have been able to achieve great achievements for the use of various resources with their thinking and imagination. The domestication of agricultural seeds as well as the domestication of livestock and obtaining reliable food have been among the evolutions of human life after the stage of hunting animals and gathering food in nature. In such a situation, taming nature and dealing with the threats of natural phenomena (heat, cold, wild animals, etc.) has not been possible except with the power of human initiative and creativity. Therefore, investigating and studying the ways of human life in ancient times and the role of their rituals and beliefs in relation to constellations and aligning oneself with cosmic phenomena can clarify the secrets of life in the past. Agriculture and animal husbandry activities, as the most important and sustainable human efforts to continue life, have been closely related to the rotation of the planets and the emergence of the seasons, and as a result, the chronology and compilation of the calendar of their daily life activities. Archaeological findings show that Western Zagros has succeeded in domesticating agricultural seeds that grew wild in the mountains of Zagros due to the climatic conditions and the amount of annual rainfall in the Neolithic period and the following millennia.

This action after the food gathering stage has caused a huge revolution in human life. In this article, an attempt has been made to present some of the scientific findings in this field. This action can be an entry for further researches in this field.

Key words: Neolithic period, prehistory, Helilan, Golan, Seimare, Mousian, Constellations.

A Research on the Name of Shirvan Place in Historical and Geographical Sources

Ali Nurullahi

Abstract

Shirvan is the name of the ruins of a historical city in the province of Jibal in the Sassanid and Islamic periods. The name of Shirvan is mentioned in various historical sources in different forms, such as Shirvan, Sirvan, and Al-Sirvan. In these sources, Shirvan and Sirvan are never mentioned as a region, but it is mentioned as Takhtneshin city, Mah Sabadan or Masbazan province. But due to its popularity among the residents of Badra and the plains where the ruins of this city were built, it became widespread. Until ۱۳۹۱, this city was considered as a part of Shirvan Cherdaval city, but for administrative reasons and also to better deal with the problems of the residents, it was separated from Cherdavel and named as Sirvan city. In this article, the word "Shirvan" has been investigated in historical sources and maps.

Key words: Jibal, Mah Sabadan, Shirvan, Sirvan, Anoushirvan Palace.

Analytical Investigation of the Institution of the City in the Historical Period Based on Archaeological Findings

Mohsen Saadati, Azadeh Mahmoudian.

Abstract

A city is a civil institution that is formed, grows and develops at a point in the human environment, and its physical components and elements are formed. The study of the history of urban development and urbanization and, accordingly, the city, is important in many ways. One of the pillars influencing the creation of form, development and continuity of life of a city is the religious beliefs and ideology of its builders. Historical studies show that less has been said about human living spaces in the historical period. Therefore, in this article, the history of Iran's urban development before Islam (historical period) has been attempted in terms of physical characteristics, spatial characteristics, how the elements and components of urban spaces, public housing, neighborhood system and the evolution of urban development are based on the findings of Archeology and historical documents should be studied and reviewed.

Key words: Urbanization, Urban Development, Hegmataneh, Shahrparisi, Hundred Gates (Sad-Darvazeh), Nesa.

Investigating the Calendar Evolution of the Days and Months of the Year in Avestan Culture Parisa Pourmohammadi

Abstract

Avesta, the holy book of ancient Iranians, consists of five books. The first is Yasna, the second is Visparad, the third is Vandidad, the fourth is Yashts and the fifth is Khorde-Avesta that means the small part of Avesta. The Yasnas are the most important part of Avesta. They are recited in religious ceremonies. There are seventy-two Yasnas, each of which is called a "Ha" or "Hat" or chapter. The seventeen "Ha" or ۱۷th chapter is Zarathushtra's own poems, which are the oldest part of the Avesta and they were written centuries before other parts of Avesta. A part of the Avesta book is dedicated to the seasons and months of the year, which were influenced by natural phenomena and the circulation of the planets and constellations, which were of interest to the ancient Iranians. Therefore, the division and naming of seasons, months, and days in Avestan culture follow certain criteria that have been studied and examined in this research. In this article, based on the texts and documents left from this valuable work of ancient history, the calendrical developments of the days and months of the year in Avestan culture are scientifically studied and examined.

Key words: Avesta, Yasht, Vandidad, Amshaspand, Gahan, Aniran, Kabiseh Year.

Documentary Investigation and Study of Cosmological Databases in Ancient Iran Omid Mahmoudian,

Abstract

Archaeological findings, documents and historical sources show that Iranians have been paying attention to celestial objects and phenomena, the time of sunrise and sunset of stars, the appearance of seasons, constellations, etc. The inhabitants of this land calculated their daily life based on these phenomena. The patterns left on the pottery of the prehistoric era show the attention of the people of this land to the stars. In many ancient hills of Iran, signs of the knowledge of astronomy have been obtained. Symbols and signs of astrology and other things in the historical hills of Iran (such as Gyan of Nahavand Hill, Hesar Damghan Hill, etc.) which are found on some pieces of pottery and chips of stone tools are among the archaeological finds in this field. . In the Avesta, especially in the Yashts, there is a lot of information that shows that the Aryan astronomers were familiar with the stars and their rising and setting. Since many ancient pictures engraved on clay and rocks are composed of cosmic landscapes and celestial figures; therefore, the knowledge of astronomy can achieve its secrets with the help of the analysis of such ancient paintings. In this article, an attempt is made to use archaeological findings, historical documents, as well as the introduction of observatories and astronomy databases, information. It should be prepared and presented in the field of cosmology in ancient Iran.

Key words: Astronomy, Observatory, Constellation, Polestar, Astrolabe

In this issue you read:

۱. Studying the social-cultural conditions of the Ilkhanate period based on numismatic evidence Faringis Darvishi،Majid Haji Tabar
۲. Studies about the rituals of ancient Iranians and its relationship with agriculture Habibolah Mahmoodian
۳. A research on the name of Shirvan place in historical and geographical sources Ali Nurullahi
۴. Analytical investigation of the institution of the city in the historical period based on archaeological findings Mohsen Saadati, Azadeh Mahmoudian.
۵. Investigating the calendar evolution of the days and months of the year in Avestan culture Parisa Pourmohammadi
۶. Documentary investigation and study of cosmological databases in ancient Iran Omid Mahmoudian,

Referees this issue:

Dr. Leyla Khosravi
Dr Karam Adibifar
Dr. Reza Khani
Dr. Lily Niakan
Dr. Haji Karimi

Features

The articles should be the result of authors' studies.

The article should not be published in another publication

The publication of the paper is subject to the final approval of the quarterly editorial board.

Acceptance of the paper for printing, after approval by the jury.

Responsibility for the content of the article is the responsibility of the author (s).

The magazine is free to edit its literary and technical content without altering its content.

The article should not be larger than the ۲۰ standard pages of the Quarterly.

The full name of the author, grade, university, place of teaching or education, field of study and telephone number of the author are added on separate pages.

Submission of the article is possible only through the e-mail of the Ilam Studies Department.

The titles of tables, images, maps, drawings and charts are listed below with the number (description and mention of the source).

Paper structure

The article should have the following structure:

Abstract, introduction, original text, conclusion, writing, sources and abstract.

Title: The overall title of the article is in a way that expresses the content of the article.

Author's Specifications: Includes name, family, degree, academic degree, and field of study, university where it is taught or studied.

Abstract: A comprehensive description of the article with limited terms, including: problem statement, purpose, research method and research findings. It should be noted that the abstract of the article should not exceed ۲۰۰ words (۱۲ lines).

Key words: It contains ۴ to ۷ specialized words that are important.

INTRODUCTION: The main issue is the main problem and the purpose of the research; in this section, research findings in the area of the problem should be briefly discussed

Original text: Contains the main text of the article and can be associated with the table, image, and graph.

Conclusion: Includes Summary and Conclusion

Writing: Important statements which comes after coclution

Sources: listing article references based on journal structure

English abstract: English abstract should be exactly the translation of the Persian abstract

Text style

The article should be written with the font B zar and the size ۱۳, the distance between the lines of ۱,۱۵ (single) and in the word format.

Abstract, key words, references in parentheses, poems, and any thing that comes in parentheses should be written in size ۱۱.

Direct transcripts of more than five rows, should be come apart from the original text, with a centimeter indent on each side and with the same font, but with a size of ۱۱.

Referrals to resources

References in the article should be documentary and based on valid evidences.

Reference inside the text: Author's surname, year of publication: page number(s),

Farsi example: (Negahban, ۵۴: ۱۳۷۶), Latin: (Smith ۱۹۹۹: ۳۳)

Reference to the book in the section of the final references: surname of the author, author's name, date of publication (in parentheses), title of the book, name and surname of the translator or editor, volume, print edition, publisher's name,

Place of publication.

Reference to the article: author's surname, author's name, date of publication of the work (in parentheses), the title of the article (in parentheses), the name of the author or translator, the main title of the encyclopaedia or the journal, the period or year of publication, Number of article pages.

Year of defense (in parentheses), the title of the thesis,

The defense grade, the name of the supervisor, the name of the university and the school of study.

Reference to historical documents: title of document, classification and access number, name of book archive

Referrals to Internet sites: Surname of the author, author's name, date of entry in the website (in parentheses), title of article or work (in parentheses), electronic address of the website.

The sources of the paper are arranged alphabetically and based on the author's surname; the sources mentioned at the end of the article are the same sources used within the text.

The title of books and articles in the sources of the end of the article should be mentioned completely. Non-Persian sources should bring after Persian sources.

Note: All papers received will be judged by two judges

Editorial board:

Dr Karam Adibifar

Specialty: **Sociology**

Dr. Frangis Darvishi

Specialty: Archaeological

Dr. Shahin Heidari

Specialty: Architecture-Energy

Dr. Gholam Hossein Karimi Dousan

Specialty: Linguistics

Dr. Haji Karimi

Specialty: Geohydrology

Dr. Leyla Khosravi

Specialty: Archaeological

Dr. Reza Khani

Specialty: English Language and Literature

Dr. Ali Khaki

Specialty: Structural Architecture

Dr. Ebrahim Moradi

Specialty: Archaeological

Dr. Khodakaram Mazaheri

Specialty: Archaeological

Dr. Lily Niakan

Specialty: Archaeological

Dr. Mohsen Tavakoli

Specialty:

Dr. Siavash Yari

Specialty: History of Islam.

Quarterly Ilamology Studies Quarterly Specialty

Number ۲۲ * sixth year, autumn ۱۴۰۱

Owner and responsible manager:

Dr. Habibollah Mahmoodian

Editor: Dr. Siavash Yari

Managing Director: Azadeh Mahmoudian

Director of Technical and Media Affairs:

Omid Mm Mahmoodian.

Persian editor: Ali MohammadNiakan.

English Editor: Dr. Parisa Pourmohammadi

Review Page: Masoumeh Safaeinia

License number: ۷۸۸۰۹ ۱۳۹۵/۱۰/۶

Publisher: Zagro Publishing

Number: ۲۰۰

Price: ۱۵۰,۰۰۰ Tomans
